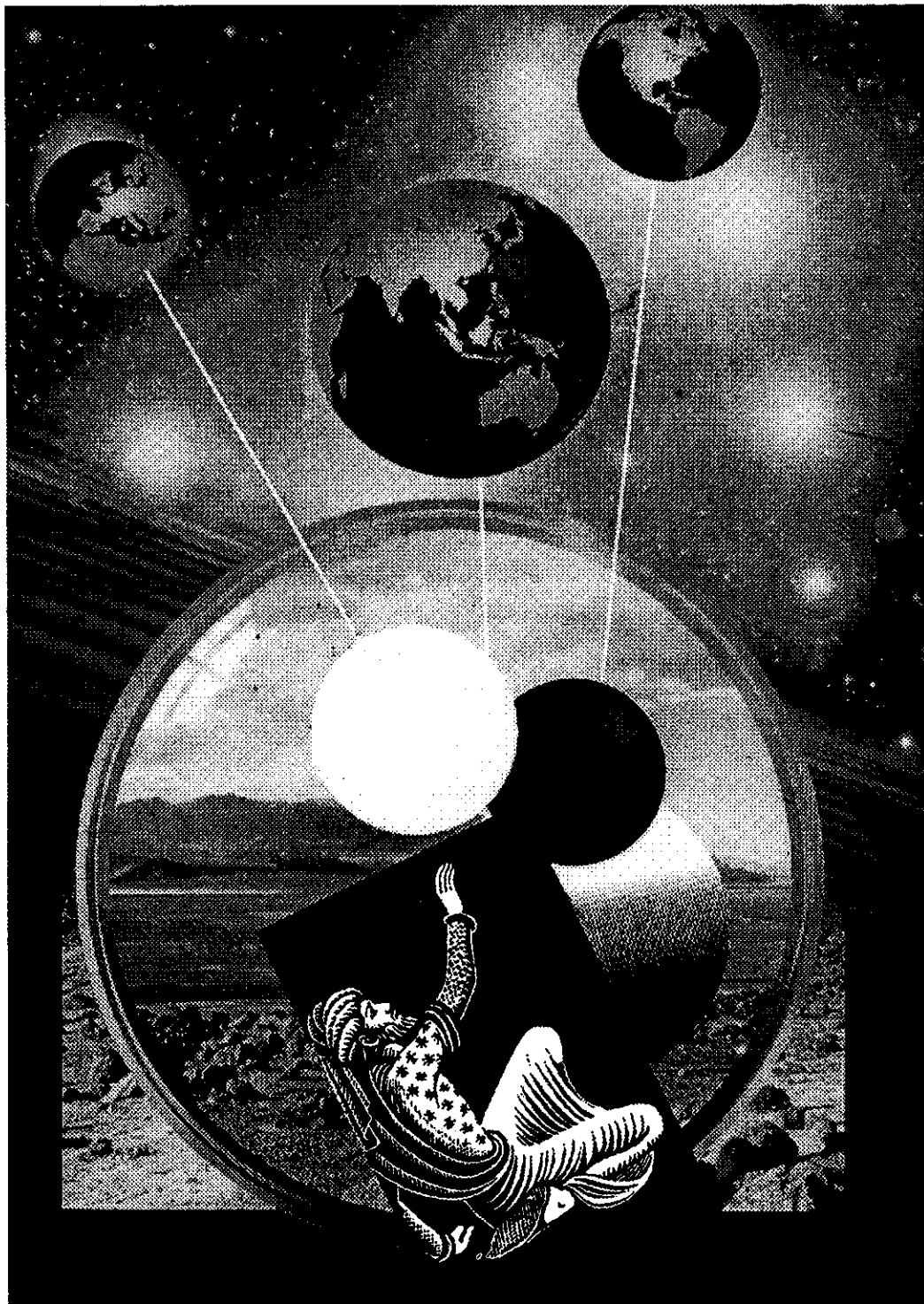


دستگاههای اجرایی کشور در افق ایران ۱۴۰۰



□ طرح ایران ۱۴۰۰ که با تفکر احیای تمدن اسلامی، در طول برنامه بلندمدت ۲۵ ساله مورد توجه سازمانها و دستگاههای اجرایی کشور قرارگرفت، چهارچوب اساسی یک حرکت ملی توسعه را پی می‌افکند.

آنچه در برنامه «ایران ۱۴۰۰» به مثابه خط‌مشیها و راهبردهای کلی مدنظر قرارگرفته، مجموعه‌ای از «اصلاح ساختارها و ساز و کارها و ایجاد بستر مناسب برای نیل تکامل انسانی و رشد و توسعه پایدار و حصول خوداتکایی و قطع وابستگی به نفت همراه با توزیع عادلانه ثروت و درآمد و...» است. راه‌کار پیش‌بینی برای تهیه برنامه، شامل «تبیین دقیق و جامع وضع موجود، پیش‌بینی روند آینده بر اساس وضع موجود، تشخیص و تبیین وضع مطلوب و آرمانی و طراحی و تدوین سیاستها و خط‌مشیها و راهبردها برای گرایش به سوی هدف مطلوب است.»

در همین راستا، فصلنامه رهیافت برآن شد تا در شماره ویژه ایران ۱۴۰۰، عملکرد دستگاههای اجرایی شامل: «مبانی و رویکرد اصلی در راستای طراحی افقها و برنامه‌های آتی» را به چاپ برساند. در همین خصوص با بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمانهای اجرایی کشور مکاتبه شد که برخی از وزارتخانه‌ها رویکرد اصلی در برنامه ایران ۱۴۰۰ خود را به دفتر فصلنامه ارسال کردند ولی برخی از وزارتخانه‌های دیگر حاضر به ارائه گزارش نشدند.

ذکر این نکته نیز لازم است که این گزارشها قبل از تغییرات در هیأت دولت جدید در سطح وزارتخانه‌ها ارسال شده است که ممکن است بعدها مورد تغییرات و اصلاحاتی قرارگیرد.

رسالتها و خط‌مشیهای نظام

آموزش عالی برای

ایران ۱۴۰۰

مقدمه

نقش تعیین‌کننده آموزش عالی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع و گسترش مرزهای دانش در عرف بین‌المللی یک باور عمومی است. در دو دهه اخیر، آموزش عالی به عنوان یکی از مهمترین عناصر تشکیل دهنده جوامع پیشرفته نقش بسیار مهم و حیاتی در رشد و توسعه علوم ایفا نموده است. در آستانه قرن بیست و یکم که جهان به سمت محوریت دانش پیش می‌رود و نیاز به متخصصان و مدیران آشنا به علوم پیشرفته بیش از پیش احساس می‌شود، آموزش عالی نیز مسئولیت سنگینی را در قبال اجتماع و جامعه جهانی بر دوش خود احساس می‌کند.

توسعه منابع نیروی انسانی مورد نیاز جامعه شامل تربیت دانشمندان، متخصصان، مدیران و مربیان و... تولید دانش از طریق پژوهش، کمک به انتقال و تطبیق علوم و فن‌آوری ارائه خدمات علمی، فنی و مشاوره‌ای به دولت و سایر بخشهای جامعه، ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه و همچنین مشارکت در تحولات جامعه جهانی، از رسالتهای حساس آموزش عالی به حساب می‌آیند. امروزه در ادبیات توسعه التزام اجتماعی آموزش عالی ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. به عنوان مثال، نیاز جامعه به آموزش و کسب مهارت و بازآموزی مستمر و مادام‌العمر و همچنین نیاز جامعه به دانش آموختگانی با ظرفیت فکری و خلاقیت بالا که بتوانند به طور مستمر اطلاعات خود را به روز کرده مهارتهای جدیدی را فراگیرند و در دنیای متحول

بازارکار، کارآفرینی نمایند بیش از پیش احساس می‌شود.

در این میان، نظام آموزش عالی در ایران با توجه به وضعیت خاص محیطی خود (وجود سوابق و میراث درخشان علمی و فرهنگی در دوران اسلامی، وجود منابع غنی نیروی انسانی و استعدادهای درخشان، موقعیت خاص ژئوپولیتیک، فرهنگی و عقیدتی در منطقه، سیطره زبان فارسی در بسیاری از کشورهای همجوار انتظارات جامعه اسلامی از نظام آموزش عالی) رسالتهای سنگینی را در ساختن ایران اسلامی فردا و احیای تمدن اسلامی بر عهده خواهد داشت.

هدف کلی طرح حاضر نگرشی جامع و علمی بر مجموعه رسالتهای آموزش عالی کشور و انتخاب خط‌مشیهای مناسب برای افزایش کارایی و اثربخشی این نظام در ایفای رسالتهای سنگین اجتماعی و فرهنگی است. دستاوردهای مورد انتظار طرح عبارتند از:

– ایجاد یک زبان تفاهم مشترک در سطح ملی، بین مراجع مختلف تصمیم‌گیری و کلیه مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش عالی در زمینه نقش و رسالتهای آموزش عالی در ایران؛
– توافق بر سر راهبردهای مناسب آموزش عالی در دوران توسعه به نحوی که امکان برنامه‌ریزی عملیاتی مؤثر و هماهنگ برای مسئولان آموزش عالی وجود داشته باشد؛
– رفع مشکلات ساختاری نظام آموزش عالی در جهت ایجاد یک نظام هماهنگ قابل انعطاف و پویا، اجتناب از تعداد مراکز تصمیم‌گیری و تداخل وظایف و در نهایت، افزایش کارایی و بازدهی آن.

۱- رسالتهای آموزش عالی ایران

- ۱-۱ توسعه و نشر علوم، معارف و ارزشهای اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۱-۱-۱ تعمیق معرفت دینی و آگاهیهای مردم؛
- ۱-۱-۲ پرورش فطرت خدادادی انسان، تقویت روح تبع، تعقل، تدبیر، تذکر، خلاقیت و ابتکار؛
- ۱-۱-۳ رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و حذف کلیه مظاهر فساد؛
- ۱-۱-۴ ایجاد فضای آزاد و سالم برای تضارب افکار و عقاید و مباحثات مهم

عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی؛
۱-۱-۵- غنا بخشیدن به میراث علمی و فرهنگی کشور؛
۱-۱-۶- رشد فرهنگ و ارزشهای اسلامی و ملی در جامعه.

۱-۲- گسترش مرزهای دانش و اعتدالی موقعیت علمی کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

۱-۲-۱- ارتقاء و توسعه علوم و تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای؛
۱-۲-۲- رسیدن به خودکفایی در علوم و فنون مورد نیاز کشور؛
۱-۲-۳- ایفای نقش در تولید علم و دانش در سطح بین‌المللی؛
۱-۲-۴- رسیدن به شاخصهای مطلوب علمی در سطح ملی و بین‌المللی؛
۱-۲-۵- ایفای نقش در تولید علوم و فن آوری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۱-۳- تربیت و توسعه منابع انسانی
۱-۳-۱- رسیدن به خودکفایی از نظر تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد؛
۱-۳-۲- فراهم شدن زمینه برای شکوفایی استعدادها درخشان؛
۱-۳-۳- توسعه ظرفیت فکری، خلاقیت و ابتکار در دانش‌آموختگان.

۱-۴- ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه
۱-۴-۱- فراگیر شدن آموزش در سطح جامعه؛
۱-۴-۲- ارتقاء آگاهیهای علمی، فنی، فرهنگی و سیاسی جامعه؛
۱-۴-۳- رشد فضایل اخلاقی و ارزشهای اسلامی مانند نظم، وجدان کاری، امر به معروف و نهی از منکر و... و حاکمیت آنها بر رفتار فردی و اجتماعی؛
۱-۴-۴- توسعه فرهنگ مکتوب در جامعه.

۱-۵- توسعه ارتباطات نظام آموزش عالی با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)
۱-۵-۱- حضور مؤثر نظام آموزش عالی در تدوین و اجرای برنامه‌ای توسعه پایدار جامعه؛
۱-۵-۲- حضور مؤثر نظام آموزش عالی در شناسایی مشکلات و تنگناهای جامعه و یافتن

راه‌حلهای علمی برای رفع آنها و ارتقای کیفیت زندگی مردم؛

۱-۵-۳- تحول علمی، فنی، اقتصادی و فرهنگی جامعه،

۱-۵-۴- کاهش وابستگی کشور به علوم و فن آوری وارداتی؛

۱-۵-۵- مشارکت هرچه بیشتر مردم در توسعه نظام آموزش عالی.

۱-۶- تقویت و گسترش زبان و ادب فارسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
۱-۶-۱- غنا یافتن زبان فارسی و بی‌نیازی آن از واژه‌ها و فرهنگ بیگانه؛

۱-۶-۲- توسعه منابع فرهنگ و ادب فارسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۱-۶-۳- افزایش کرسیهای زبان فارسی در کشورهای منطقه و در سطح بین‌المللی؛
۱-۶-۴- بالابردن حد نصاب استادان زبان و ادب فارسی.

۱-۷- توسعه ارتباطات و همکاریهای علمی و فرهنگی در سطح منطقه و بین‌المللی
۱-۷-۱- گسترش معارف اسلامی در سطح منطقه و بین‌المللی؛

۱-۷-۲- تبادل هر چه بیشتر تجارب آموزشی و پژوهشی در سطح منطقه و بین‌المللی؛

۱-۷-۳- حضور فعال در مجامع و محافل فرهنگی، علمی و ادبی در سطح منطقه و بین‌المللی؛

۱-۷-۴- گسترش فن آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی؛

۱-۷-۵- حضور فعال و مؤثر در شناسایی و حل بحرانها و معضلات جامعه جهانی مانند فقر، بهداشت عمومی، حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی.

۲- خط مشیهای اساسی آموزش عالی

۲-۱- ایجاد تحول اسلامی در دانشگاهها
۲-۱-۱- برقراری فضای باز و سالم برای طرح آزادانه افکار و عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد و پرورش روحیه تبعی، تعقل و تفکر علمی؛

۲-۱-۲- ایجاد یک نهضت و موج جدیدی

از بسیج فکری در دانشگاه در جهت ایجاد یک تحول درونزا و پایدار؛

۲-۱-۳- تعمیق معرفت دینی و آگاهیهای سیاسی - اجتماعی در دانشگاهها؛

۲-۱-۴- نهادینه کردن پژوهشهای اسلامی در دانشگاهها در جهت تولید دانش اسلامی و نرم افزارهای اجتماعی؛

۲-۱-۵- تربیت و تأمین هیأت علمی آشنا با علوم و معارف اسلامی؛

۲-۱-۶- بازنگری و تولید منابع علمی مورد نیاز بویژه در رشته‌های علوم انسانی؛

۲-۱-۷- برقراری ارتباط مؤثر بین حوزه و دانشگاه؛

۲-۱-۸- تسهیل ارتباط متقابل دانشگاه و جامعه؛

۲-۱-۹- رفع موانع محیطی و تأمین منابع و امکانات لازم برای اسلامی شدن دانشگاهها (احترام به منزلت اجتماعی علم و عالم در جامعه و التزام عملی مسؤولان نسبت به آن، حل مسائل معیشتی استادان، حل مسائل

معیشتی دانشجویان بویژه مشکل ازدواج و...؛
۲-۱-۱۰- تقویت ارتباطات بین‌المللی دانشگاهها در جهت برقراری گفت و شنود متقابل بین ادیان و مکتبهای فکری؛

۲-۱-۱۱- رعایت معماری اسلامی در توسعه فضای کالبدی دانشگاهها؛

۲-۱-۱۲- ایجاد و یا توسعه مراکز مطالعات و پژوهشهای دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی.

۲-۲- انجام دادن اصلاحات ساختاری در نظام آموزش عالی

۲-۲-۱- تفویض اختیارات عملیاتی لازم به دانشگاهها و هیأت‌های امنای مربوط به منظور ارتقاء کارایی، پویایی و ثمربخشی اجتماعی آموزش عالی (بازنگری در نحوه اداره امور دانشگاهها)؛

۲-۲-۲- بازنگری در وظایف و اختیارات مراجع مختلف تصمیم‌گیری در جهت اجتناب از تعدد مراکز تصمیم‌گیری در آموزش عالی (یکپارچه سازی نظام آموزش عالی)؛

۲-۲-۳- اصلاح قوانین و مقررات موجود در جهت افزایش بازدهی و کارایی نظام آموزش عالی.

۲-۳- توسعه ارتباط دانشگاه با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)

۲-۳-۱- مشارکت مؤثر دانشگاهها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز طرحهای مهم ملی؛

۲-۳-۲- تربیت نیروی متخصص و متعهد مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

۲-۳-۳- مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن آوری ملی بویژه بسیج امکانات در جهت توسعه آن دسته از علوم و فن آوری که به مزیت‌های نسبی اقتصادی کشور می‌انجامد؛

۲-۳-۴- مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن آوری نوین با توجه به مؤلفه‌های مختلف این گونه فن آوری؛

۲-۳-۵- توسعه دانش مدیریت در جامعه؛
۲-۳-۶- مشارکت در شناسایی و حل معضلات و بحرانهای اجتماعی؛

۲-۳-۷- توجه به بازار کار و نیز تدوین و ایجاد رشته‌های جدید برای احراز مشاغل جدید؛

۲-۳-۸- همکاری در تأمین نیازهای سایر بخشهای آموزش کشور بویژه تربیت معلمان و مربیان آشنا با دانش روز و بازآموزی و به روز در آوردن دانش و مهارت‌های آنان؛

۲-۳-۹- مشارکت مؤثر فرهنگستانها در آموزش عالی و در جامعه و همکاری مؤثر با فرهنگستانهای علوم؛

۲-۳-۱۰- ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، علمی، فنی و مشاوره‌ای به بخشهای مختلف جامعه؛

۲-۳-۱۱- تلاش و مشارکت در جهت شناسایی و حل معضلات و بحرانهای بین‌المللی مانند فقر، محیط‌زیست، جمعیت، حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی.

۲-۴- توسعه پژوهش و نهادینه کردن آن در دانشگاهها

۲-۴-۱- محور قرار دادن پژوهش در برنامه‌های آموزشی و درسی و مبتنی ساختن آموزش عالی بر پژوهش با هدف ایجاد روحیه خلاقیت و پژوهشگری از ابتدای دوره‌های آموزش عالی و در نهایت تبدیل آموزش عالی

به یک چشمه فیاض تولید علم و گسترش دهنده مرزهای دانش؛

۲-۴-۲- افزایش اعتبارات پژوهشی (سهم تحقیقات در تولید ناخالص داخلی) و رفع موانع اداری مالی در جذب آنها؛

۲-۴-۳- بهره‌برداری بهینه از امکانات و تجهیزات پژوهشی کشور؛

۲-۴-۴- افزایش کارایی تحقیقات دانشگاهی در جهت رفع نیازهای بخشهای مختلف جامعه و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور و ایجاد رقابت بین پژوهشگران، دانشگاهها و مراکز پژوهشی در این جهت؛

۲-۴-۵- ارتقاء منزلت مادی و معنوی پژوهشگران؛

۲-۴-۶- توسعه منابع انسانی آموزش عالی بویژه محققان با کیفیت بالا؛

۲-۴-۷- توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛

۲-۴-۸- توسعه همکاریهای علمی، تحقیقاتی در سطح منطقه و بین‌المللی؛

۲-۴-۹- گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی برای وارد شدن در بستر بین‌المللی فعالیتهای تحقیقاتی.

۲-۵- انطباق برنامه‌های آموزشی و درسی با دانش روز و نیاز جامعه

۲-۵-۱- ایجاد رشته‌های راهبردی و جدید و بین رشته‌ای مطابق با نیاز جامعه و تحولات بین‌المللی؛

۲-۵-۲- برگزاری دوره‌های مدیریت و کارافزینی برای فارغ‌التحصیلان در جهت آماده‌سازی آنان برای ورود به بازار کار و ایجاد روحیه کارافزینی به جای کارجویی در دانش‌آموختگان.

۲-۶- توسعه آموزش عالی و فراگیر کردن آن در جامعه (آموزش برای همه)

۲-۶-۱- توسعه آموزش عالی در جهت رسیدن به شاخصهای مطلوب ملی و بین‌المللی؛

۲-۶-۲- ارائه آموزشهای عمومی برای اقشار مختلف مردم (دوره‌های کوتاه مدت، تک درس، نیمه حضوری و ...)

۲-۶-۳- توسعه آموزشهای تخصصی و

حرفه‌ای؛

۲-۶-۴- اصلاح هرم دانشجویی در جهت

توسعه تحصیلات تکمیلی و رسیدن به شاخصهای مطلوب در این زمینه،

۲-۶-۵- جلب مشارکت مردمی در توسعه

آموزش عالی غیر انتفاعی؛

۲-۶-۶- گسترش جریانهای متنوع

آموزش عالی.

۲-۷- حفظ و ارتقاء کیفیت آموزش عالی با توجه به گسترش کمی و ضرورت فراگیر کردن آن در جامعه

۲-۷-۱- ایجاد قطبهای کیفی در آموزش عالی برای حفظ کیفیت و استاندارد و الگوسازی برای سایر مؤسسات آموزش عالی و بویژه پرورش و جذب استعدادهای درخشان و جذب متخصصان خارج از کشور؛

۲-۷-۲- ارتقاء سطح علمی استادان از طریق افزایش فرصتهای مطالعاتی و شرکت در گردهماییهای علمی و تخصصی ملی و بین‌المللی؛

۲-۷-۳- ملزم ساختن کلیه مؤسسات آموزش عالی به رعایت شاخصهای کیفی از قبیل نسبت استاد به دانشجو؛

۲-۷-۴- اعتبارگذاری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تعیین رشته‌های ممتاز؛

۲-۷-۵- توسعه فضاهای کالبدی، تجهیزات و زیر ساختهای لازم برای حفظ و ارتقاء کیفیت.

۲-۸- توسعه منابع انسانی آموزش عالی

۲-۸-۱- اصلاح هرم هیأت علمی؛

۲-۸-۲- جذب نیروهای متخصص خارج از کشور؛

۲-۸-۳- افزایش ظرفیت اعزام دانشجو به خارج و ایجاد تسهیلات برای اعزام آزاد؛

۲-۸-۴- حفظ نیروهای متخصص داخلی و ایجاد زمینه‌های مساعد و انگیزه‌های لازم برای جلوگیری از فرار مغزها؛

۲-۸-۵- ارتقاء سطح علمی مربیان؛

۲-۸-۶- توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی در داخل بویژه در مقطع دکتری؛

۲-۸-۷- فراهم کردن زمینه برای جذب

ارتباط بین خط مشیهای اساسی و رسالتهای آموزش عالی

	رسالتهای آموزش عالی	راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی
۱-	توسعه و نشر علوم، معارف و ارزشهای اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	- توسعه پژوهشهای بنیادی و کاربردی در زمینه علوم و معارف اسلامی؛ برقراری نظام آزاد و سالم برای طرح آزادانه افکار، عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد؛ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و ارزشهای اسلامی بر اساس ایمان و تقوی؛ - کمک به بازیابی و پرورش فطرت خدادادی انسان، تقویت روح تبعی، تعقل، تدبیر، تذکر، خلاقیت و ابتکار در زمینه‌های مختلف علمی، فنی، هنری و فرهنگی؛ - اسلامی کردن دانشگاهها؛ - تربیت و توسعه منابع انسانی آشنا با علوم و معارف اسلامی؛ - توسعه پژوهشهای اسلامی در دانشگاهها در جهت تولید دانش اسلامی و نرم‌افزارهای اجتماعی بویژه در رشته‌های علوم انسانی؛ - برقراری ارتباط مؤثر بین حوزه و دانشگاه؛ - تقویت ارتباطات بین‌المللی دانشگاهها در جهت برقراری گفت و شنود بین ادیان و مکتبهای مختلف؛ - حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی کشور؛ - تعمیق معرفت دینی و آگاهیهای سیاسی-اجتماعی در دانشگاهها؛ - ایجاد و یا توسعه مراکز مطالعات و پژوهشهای دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی.
۲-	گسترش مرزهای دانش و اعتلای موقعیت علمی کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی	- توسعه و تقویت پژوهش و نهادینه کردن آن در دانشگاهها؛ - توسعه دانش میان رشته‌ای و چند رشته‌ای و ایجاد رشته‌های جدید؛ - افزایش کارایی تحقیقات و وارد کردن نتایج آن در چرخه برنامه‌های تولید و توسعه کشور؛ - افزایش سهم تحقیقات در برنامه‌های آموزشی کشور با هدف ایجاد روحیه ابتکار، خلاقیت و نوآوری؛ - بهره‌برداری بهینه از امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی کشور؛ - ایجاد قطبهای کیفی در آموزش عالی برای حفظ کیفیت و سطح قابل پذیرش و الگوسازی؛ - افزایش اعتبارات پژوهشی؛ - مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن‌آوری ملی؛ - مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن‌آوری نوین؛ - توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛ - توسعه همکاریهای علمی، تحقیقاتی و آموزشی در سطح منطقه و بین‌المللی؛ - گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی برای وارد شدن در بستر بین‌المللی فعالیتهای علمی، آموزشی و تحقیقاتی.
۳-	تربیت و توسعه منابع انسانی	- توسعه مراکز و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی؛ - گسترش جریانهای متنوع آموزش عالی؛ - گسترش دسترسی مردم به آموزش عالی؛ - فراهم کردن زمینه برای رشد و تعالی استعدادهای درخشان جامعه بویژه نسل جوان به عنوان یکی از مهمترین منابع و سرمایه‌های ملی؛ - اشاعه ارزشهای اسلامی، انسانی، حقوق بشر، آزادی افکار و پرورش روحیه تبعی، تعقل و خلاقیت و نوآوری تفکر عملی؛

رسالت‌های آموزش عالی	راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی
	- جذب و به کارگیری محققان و متخصصان ایرانی خارج از کشور به عنوان یکی از منابع مهم نیروی انسانی کشور؛ - توسعه ظرفیت فکری و آماده سازی دانشجویان و فارغ التحصیلان برای تطبیق خود با تحولات و شرایط اجتماعی و بین المللی و داشتن روحیه ابتکار، اعتماد به نفس و کارآفرینی، - توسعه دوره های تحصیلات تکمیلی.
۴- ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه	- فراهم آوردن زمینه های آموزش مستمر برای افراد جامعه؛ - برقراری فضای آزاد و سالم برای طرح آزادانه افکار، عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد؛ - ارتقاء آگاهی های علمی، فرهنگی و سیاسی جامعه، رشد قوه قضاوت صحیح، استقلال فکری، تقویت نظم، وجدان کاری و احساس مسئولیت اجتماعی؛ - تعمیق و گسترش معرفت دینی و آگاهی های سیاسی - اجتماعی مردم؛ - کمک به ایجاد کانون های علمی، ادبی، فرهنگی، هنری و ارتقای کمی و کیفی آثار علمی، فرهنگی و هنری؛ - حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی کشور.
۵- توسعه ارتباطات نظام آموزش عالی با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)	- مشارکت مؤثر در برنامه های توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در تمام مراحل مربوط به برنامه؛ - ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، علمی، فنی و مشاوره ای به بخش های مختلف جامعه؛ - مشارکت در شناسایی و حل معضلات و بحران های اجتماعی در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم؛ - ارتباط فعال با دنیای کار و تعریف مشاغل جدید متناسب با اهداف توسعه پایدار؛ - مشارکت مؤثر در توسعه نظام آموزشی کل جامعه؛ - مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن آوری ملی؛ - مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن آوری نوین؛ - تأمین اطلاعات و دانش علمی قابل اعتماد برای مسئولان و تصمیم گیران جامعه؛ - توسعه دانش مدیریت در جامعه؛ - همکاری مؤثر با فرهنگستان های علوم؛ - تلاش و مشارکت در جهت شناسایی و حل معضلات و بحران های بین المللی مانند فقر، محیط زیست، جمعیت، حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی.
۶- گسترش زبان و ادب فارسی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی	- حراست از زبان و ادب فارسی و تلاش در افزایش غنای آن؛ - پالایش مستمر زبان فارسی نسبت به لغات و فرهنگ بیگانه؛ - تهیه و نشر منابع فرهنگ و ادب فارسی برای ارائه در سطح منطقه ای و بین الملل؛ - تربیت استادان زبان و ادب فارسی؛ - توسعه آموزش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور؛ - توسعه کرسی های زبان و ادب فارسی در کشورهای منطقه و در سطح بین المللی؛ - حضور فعال در مجامع و محافل فرهنگی، ادبی در داخل و خارج از کشور.
۷- توسعه ارتباطات و همکاری های علمی و فرهنگی در سطح منطقه و بین الملل	- شناخت علوم، معارف، تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف در جهت «معارفه» بین جامعه اسلامی و سایر ملتها؛ - تقویت زمینه همکاری با مراکز علمی، تحقیقاتی و فرهنگی سایر کشورها؛

رسالت‌های آموزش عالی	راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی
	- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای مبادلهٔ استاد و دانشجو بویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛ - گسترش زبان فارسی در سطح منطقه و بین‌المللی؛ - گسترش معارف اسلامی در سطح منطقه و بین‌المللی؛ - گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی برای وارد شدن در بستر بین‌المللی فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی؛ - ایجاد واحدهای دانشگاهی در خارج از کشور و نیز ارتباط بین دانشگاههای داخل و خارج؛ - انجام دادن طرحهای مشترک تحقیقاتی و آموزشی؛ - استفاده از امکانات بالقوهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعهٔ آموزش عالی.
۸- توسعهٔ کمی و کیفی نظام آموزش عالی و تحقیقات توضیح: البته این مورد به عنوان یک رسالت مستقل برای آموزش عالی مطرح نیست. اما از آنجا که آموزش عالی بستری است برای تحقق رسالت‌های مذکور، از این رو، به دلیل اهمیت موضوع، توسعهٔ کمی و کیفی نظام آموزش عالی در ردیف یک رسالت مورد توجه قرار گرفته است	- توسعهٔ مراکز و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی برای رسیدن به شاخصهای مطلوب ملی و بین‌المللی؛ - گسترش جریانهای متنوع آموزش عالی؛ - نهادینه کردن پژوهش در دانشگاهها؛ - افزایش سهم تحقیقات در برنامه‌های آموزشی کشور با هدف ایجاد روحیهٔ ابتکار، خلاقیت و نوآوری؛ - بهره‌برداری بهینه از امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی کشور؛ - بازنگری مستمر در برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی متناسب با تحولات علمی و دانش روز در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ - حفظ و ارتقاء کیفیت آموزش عالی بویژه با توجه به گسترش کمی و ضرورت فراگیر کردن آن در جامعه؛ - به کارگیری روشهای نوین تدریس و تحقیق برای توسعهٔ ظرفیت فکری، افزایش خلاقیت و اعتماد به نفس دانش‌آموختگان؛ - ایجاد قطبهای کیفی در آموزش عالی برای حفظ کیفیت و سطوح قابل پذیرش و الگوسازی؛ - توسعهٔ منابع انسانی آموزش عالی بویژه کادر مدرس و محقق با کیفیت بالا؛ - توسعهٔ منابع مالی آموزش عالی؛ - ارزیابی و اعتبارگذاری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی؛ - انجام دادن اصلاحات ساختاری در نظام آموزش عالی؛ - بازنگری در وظایف و اختیارات مراجع مختلف تصمیم‌گیری برای اجتناب از تعدد مراکز تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی (یکپارچه‌سازی نظام آموزش عالی)؛ - اعطای اختیارات لازم به دانشگاهها و هیأت‌های امناء به منظور ارتقاء کارایی، پویایی و ثمربخشی اجتماعی؛ - اصلاح قوانین و مقررات موجود جهت افزایش بازدهی و کارایی نظام آموزش عالی.

۹-۲- توسعه منابع مالی آموزش عالی
۹-۱-۲- اعطای اختیارات کافی به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در عقد قراردادهای ارائه خدمات علمی، فنی و پژوهشی با سایر بخشهای اقتصادی اجتماعی و هزینه کردن درآمدهای حاصل به منظور تنوع بخشیدن به منابع مالی دانشگاهها؛

۹-۲-۲- تشویق و حمایت از سنت حسنه وقف و امور خیریه و جلب مشارکت مردمی در سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و خدمات جنبی (احداث خوابگاه و...);

۹-۲-۳- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای همکاریهای بین‌المللی و صدور خدمات آموزشی و پژوهشی (فعالتهای برون مرزی) و جذب دانشجویان خارجی؛

۹-۲-۴- افزایش اعتبارات نظام آموزش عالی از منابع بودجه عمومی کشور.

۱۰-۲- توسعه ارتباطات و همکاریهای علمی و فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی
۱۰-۱-۲- گسترش معارف اسلامی در سطح بین‌المللی؛

۱۰-۲-۲- گسترش زبان فارسی در سطح بین‌المللی؛

۱۰-۲-۳- استفاده از امکانات بالقوه منطقه‌ای و بین‌المللی در فرایند توسعه کشور؛

۱۰-۲-۴- تعریف طرحهای مشترک تحقیقاتی در سطح منطقه؛

۱۰-۲-۵- ایجاد واحدهای دانشگاهی در خارج از کشور و نیز برقراری ارتباط دانشگاههای داخل با خارج؛

۱۰-۲-۶- شناخت علوم، معارف، تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف در جهت معارفه بین جامعه اسلامی و سایر ملتها؛

۱۰-۲-۷- تقویت زمینه همکاری با مراکز علمی، تحقیقاتی و فرهنگی سایر کشورها.

*این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۲ از سوی معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.

- اصالت دادن به ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوی، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسانها؛

- بالا بردن آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها، با استفاده صحیح از رسانه‌های جمعی و امکانات فرهنگی و هنری؛

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای مشارکت فعال عامه مردم در امور فرهنگی و هنری؛

- تقویت فعالیتهای جمعی و تقویت گروههای داوطلبانه و نهادهای مردمی در جهت تحقق مشارکت افراد در توسعه فرهنگی؛

- توسعه و اعتلای فرهنگ مکتوب و هنر و تحکیم جایگاه اجتماعی اهل قلم و هنر؛

- توسعه و تقویت مبادلات و همکاریهای اسلامی و بین‌المللی در جهت نشر و تبلیغ معارف اسلامی، صدور فرهنگی انقلاب و انتقال مناسب دستاوردهای سازنده فرهنگی از دیگر کشورهای جهان به داخل کشور؛

- دستیابی به توسعه فرهنگی پایدار با جهتگیری فرهنگی؛

- افزایش مداوم امکان تجربه‌های معنوی و آراستگی به فضایل اخلاقی؛

- حضور فعال گفت‌و شنود میان تمدنها و تقویت گرایش به معنویت در سطح بین‌المللی؛

- دستیابی به وحدت قومی و فرهنگی و دینی و تقویت و تحکیم مبانی آن؛

- رشد محصولات و کالاهای فرهنگی متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی و نیازهای روبه رشد جامعه؛

- تقویت وجدان کار و گسترش روحیه تلاش و کوشش هم به عنوان منبع اصلی ایجاد ارزشهای مادی و هم به عنوان ارزشی اخلاقی - دینی؛

- تقویت مبانی انضباط اجتماعی و گسترش آن در تمامی شؤون جامعه و استوار ساختن آن به عنوان عنصری فرهنگی؛

- تحکیم پایه‌های فرهنگی و توجه به تحولات نگرشی در سیاستگذاریهای مرتبط؛

- توجه به نیازهای فرهنگی افراد تحصیل کرده به عنوان یک گروه اجتماعی.

راهبردهای اساسی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی

در گستره ایران ۱۴۰۰



اصول و مبانی فرهنگی و هنری برای دوره ۱۳۷۸ تا ۱۴۰۰

- تقویت بینش توحیدی و استوار کردن تمامی شؤون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی بر این بینش؛

- ایجاد زمینه برای رشد و تعالی فرهنگی اسلامی - انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان؛

- شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی؛

- حصول استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگهای بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات؛

- پیوند زدن میان زندگی روزمره و اهداف والای فرهنگی؛

- ایجاد زمینه برای به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در تمامی شؤون آن؛

- آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی؛

- تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی؛

- شناساندن شیعه و معرفی چهره اصیل آن در جهان اسلام؛

- تقویت روحیه و انسجام ملی، تشویق و ارتقای حس احترام به قانون و حقوق انسان و حفظ آزادگی او و تعمیق و گسترش

بخش فرهنگ مکتوب

— هدایت آثار فرهنگی مکتوب، بویژه کتاب، در جهت ترویج اصول اخلاقی و ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص)؛

— گسترش کتاب و کتابخوانی در جامعه و در میان اقشار مختلف مردم؛

— تسهیل در دسترسی عموم مردم به کتاب و اطلاع رسانی کتاب؛

— نظارت بر نشر کشور و جلوگیری از انتشار آثار مبتذل و مروج فرهنگی منحط غربی؛

— تقویت و گسترش انجمنهای فرهنگی مرتبط با فرهنگ مکتوب و حمایت از تشکلهای نویسندگان متعهد اهل فکر و قلم و پدیدآورندگان آثار مکتوب؛

— فراهم آوردن و در دسترس قرار دادن امکانات و ابزارهای مورد نیاز در زمینه نشر کتاب، به منظور ارائه کتاب به قیمت مناسب؛

— حضور در صحنه های جهانی به منظور شناساندن آثار فرهنگ مکتوب ایرانی و اسلامی به سایر ملتها و تأمین کتابهای مفید برای کتابخانه های معتبر جهان؛

— فراهم آوردن تسهیلات لازم به منظور سرمایه گذاری، توسعه و تقویت صنعت چاپ و نشر در مناطق مختلف کشور؛

— فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم برای توزیع مناسب کتاب در مناطق مختلف کشور؛

— اجرای طرحهای کلان، پرکردن خلأهای فرهنگی و نمونه سازی در حوزه فرهنگ مکتوب؛

— بازاریابی و توسعه صادرات کتاب؛

— سیاستگذاری اجرایی به منظور استفاده بهینه از توان و ظرفیت صنعت چاپ؛

— توجه به گسترش اقتدار، تقویت و پاسداری از زبان فارسی در امر کتابت و فرهنگ مکتوب.

بخش هنر

— احیاء، رشد و شکوفایی هنر اصیل مبتنی بر ارزشهای اسلامی - انسانی، با تأکید بر میراث فرهنگی و حفظ روحیه خلاقیت و نوآوری؛

— بازشناسی موارث و ستهای تاریخی و ملی در عرصه هنری و نگاهداری و احیاء دستاوردهای مثبت آن در زمینه موسیقی، هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی با توجه به معیارهای اسلامی؛

— بسط زمینه های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها از طریق برگزاری جشنواره ها و نمایشگاههای سالانه و دو سالانه؛

— ارزش دادن به فعالیتها و تولیدات هنری با تکیه بر خلاقیتها و به دور از تجمل گرایی؛

— تقویت قدرت نقدی و آموزش نقادی و ایجاد جریانهای سالم در عرصه هنر؛

— کمک به اعتلای سطح آگاهیهای فرهنگی و هنری و سیاسی هنرمندان و توجه دادن به مسائل اصل جامعه و آشنا کردن آنها با تازه ترین پیشرفتهای فرهنگی و هنری جهان؛

— رونق فعالیتهای فرهنگی و هنری و اقتصادی کردن آن در سطح جامعه؛

— حمایت از تولیدات هنری که موجب رشد فرهنگی جامعه و تحکیم وحدت ملی و مروج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیتهای اسلامی و موجب حفظ و معرفی هویت اصیل دینی و ملی است؛

— ترویج هنرهای ملی در میان اقوام مختلف.

بخش سیر و سیاحت

— کمک برای دستیابی به استقلال ارزی کشور (اقتصاد بدون نفت) از طریق جذب هرچه بیشتر جهانگردان و افزایش درآمد ارزی؛

— فراهم آمدن زمینه تفریحات سالم و گذران مفید اوقات فراغت مردم؛

— تحکیم وحدت و همبستگی ملی از طریق تعامل فرهنگی و اعتلاء بینش و آگاهی عمومی و اعتقادی مردم نسبت به مسائل کشور و امور اجتماعی؛

— ایجاد و گسترش زمینه های تحکیم صلح و تفاهم جهانی از طریق ارتقاء سطح روابط بین ایران و سایر کشورها بویژه کشورهای همسایه و مسلمانان؛

— نظام دهی به امور گردشگری و توسعه مراکز سیاحتی و زیارتی کشور از طریق طرح جامع سیاحتی و زیارتی کشور با توجه به اماکن

دارای جاذبه، مراسم و ویژگیهای فرهنگی مناطق و ظرفیتهای زیارتی - سیاحتی هر منطقه؛

— ایجاد زمینه های مناسب برای بهره گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و تفریح؛

— تلاش برای دستیابی به توازن مثبت در جذب جهانگردان خارجی با اولویت دادن به کشورهای مسلمان و همسایه؛

— اعمال نظارت، پیگیری، آموزش و ارائه تسهیلات اداری و اجرایی و هماهنگی سازمانها و نهادهای ذیربط به منظور بهبود کیفیت ارایه خدمات در امر سیر و سیاحت؛

— توسعه و ارتقای روابط متقابل با سازمانها و معامع جهانی ذیربط و نمایندگیهای سیاسی و فرهنگی در سایر کشورها با اولویت کشورهای اسلامی و جهانگرد فرست؛

— برنامه ریزی امر آموزش خدمات ایرانگردی و جهانگردی در مقیاس ملی با توجه به معیارها و ارزشهای اسلامی؛

— مطالعه مستمر در زمینه ارائه روشهای مناسب برای تعمیق ارزشهای مذهبی در برنامه های سیاحتی؛

— توسعه ظرفیتهای صنعت هتلداری برای مناطق شهری که ضرورت ایجاد می کند؛

— معرفی همه مواهب طبیعی، تاریخی و مردم شناسی کشورمان به هموطنان و مردم سراسر جهان؛

— سامان بخشیدن به تأسیسات منزلگاهی و اماکن اقامتی غیر رسمی؛

— ایجاد بسترهای مناسب فرهنگی در جامعه برای رونق گردشگری داخلی و جذب گردشگران خارجی؛

— بازسازی و تبدیل اماکن تاریخی و قدیمی و تأسیسات جهانگردی و پذیرایی یا ایجاد تأسیسات جهانگردی در جنب آنها.

بخش مطبوعات

— افزایش و بهبود بهره مندی شهروندان از مطبوعات؛

— تأمین نیازهای مطبوعاتی با توجه به گروههای مختلف سنی، جنسی، قومی، تحصیلی و حرفه ای؛

— تلاش مستمر برای ارتقاء کیفیت مطبوعات؛

— بهبود فرهنگ نقد و روشنگری مطبوعاتی؛
 — تحکیم حاکمیت قانون در حوزه مطبوعات؛
 — نهادینه کردن نقش و جایگاه روزنامه‌نگاران در جامعه؛
 — اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت، ترویج و گسترش آن؛
 — تقویت حس دفاع از ارزشها و منافع ملی در مطبوعات؛
 — آشنا ساختن جوانان و نوجوانان علاقه‌مند و مستعد با مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری؛
 — شناخت محورها و شیوه‌های تبلیغاتی در رسانه‌های خارجی بویژه در زمینه مسائل مربوط به ایران؛
 — هدایت و بهبود تبلیغات خارجی در جهت منافع ملی کشور؛
 — مقابله با تهاجم فرهنگی - رسانه‌ای؛
 — خنثی سازی برنامه‌ها و مقابله با جریانهای معارض؛
 — تنظیم و تطبیق فعالیتهای تبلیغات تجاری کشور با اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛
 — تقویت رسانه‌های انتقادی در جهت تقویت گفت‌وگوی فرهنگی و فراهم کردن زمینه‌های رشد نقد و نقدپذیری؛
 — هماهنگی در زمینه راهبردهای سازمان تبلیغاتی کشور؛
 — تنویر و ارتقاء افکار عمومی نسبت به برنامه‌ها و خدمات دولت.

بخش سینما

— توجه به روح و حقیقت دین و تلاش برای دستیابی به بهترین شیوه و ابزار بیانی آن؛
 — تبیین حقایق اسلامی و اخلاقی و ارزشهای والای اسلامی و انسانی در نمایشها و فیلمها؛
 — پی‌ریزی و ایجاد سینمای ناقد با هدف مقابله با یورش فرهنگی و بنیانهای منحط فرهنگ بیگانه و تحریفات آنها علیه اسلام و انقلاب اسلامی؛
 — رشد سینمای فارسی با توجه به عناصر خودی و با استعداد و ایجاد تحول در اصل

سینمای فارسی؛

— طرح الگو از اسطوره‌های ملی و مذهبی؛
 — توجه اساسی به شخصیت کودکان و نوجوانان و طرح مسائل و مشکلات آنان به مثابه آینده‌سازان میهن اسلامی؛
 — پرداخت به نقش ارزشمند کار، تعمیم ابتکار، وجدان کاری، جوشش و سازندگی؛
 — حضور فعال در مجامع و جشنواره‌های جهانی؛
 — تربیت هنرمندان متعهد و مسلمان و تقویت آنان از لحاظ هنری؛
 — استحکام استقلال فرهنگی و شناخت و معرفی هویت اصیل دینی و ملی؛
 — حمایت از تولیدکنندگان فیلمهای مکتبی و غنی و فیلمهایی که تاریخ اسلام را به تصویر می‌کشند؛
 — الهام گرفتن محتوای سینمای ایران از انقلاب اسلامی.

بخش خبر

— حضور فعال و تشریک مساعی فرهنگی و خبری در کشورهای مختلف جهان؛
 — سرمایه‌گذاری و گسترش بهره‌برداری از ابزارها و فن‌آوری جدید؛
 — تولید انبوه اطلاعات و اخبار به منظور تنویر افکار عمومی در جهت مقابله با تهاجم خبری و فرهنگی؛
 — فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تحقیق و پژوهش در زمینه‌های خبری، مطبوعاتی، جهانی و فرهنگ جهانی؛
 — تقویت بنیه کارشناسی و برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و ارتقاء کارایی دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی؛
 — ایجاد کانون خبرگزاریهای ملتهای جهان اسلام، کشورهای منطقه و تحت ستم با محوریت قرارگرفتن جمهوری اسلامی؛
 — تلاش در جهت تسری فرهنگ اسلامی درحرفه خبری و در جوامع جهانی؛
 — تغییر مسیر جریان یکسویه ورود و انتشار اخبار رسانه‌های خارجی با تأکید بر خوداتکایی خبری؛
 — شناخت و تعیین محورهای خبری تهاجم فرهنگی بیگانگان، تبیین و محور موضوع دفاع خبری و تدوین برنامه و طرح

اجرای برای مقابله با هجوم خبری؛

— انعکاس اخبار و گزارشهای تولید شده در سطح داخل و خارج کشور با گسترش و ایجاد تنوع در خروجهای و استفاده از روشهای نوین انتشار؛
 — تحقق حرکتهای حرفه‌ای خبری؛
 — هدایت سازمان و نظام خبری کشور متناسب با نیازهای جامعه و روند توسعه کشور؛
 — تحت پوشش قراردادن کلیه نقاط داخل کشور و نقاط خبر خیز کشورهای مختلف جهان.

بخش میراث فرهنگی

— پژوهش، حفاظت و احیای هنرهای سنتی؛
 — فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اشاعه ارزشهای نهفته در میراث فرهنگی کشور؛
 — تعمیق، توسعه و ارتقای کمی و کیفی فعالیتهای پژوهشی، حفظ و احیاء، معرفی و آموزش میراث فرهنگی کشور؛
 — حضور فعال در مراکز تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور؛
 — تقویت ارتباطات و همکاریهای علمی، فرهنگی، فنی و آموزشی با مراجع ذیربط داخلی و جهانی؛
 — جلب مشارکت بخش دولتی و بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف میراث فرهنگی؛
 — هدایت سرمایه‌گذاریها و بودجه عمومی در امور زیربنایی میراث فرهنگی؛
 — تعمیق و توسعه کیفی و کمی پژوهشهای میراث فرهنگی.

بخش مدارک

— گردآوری، طبقه‌بندی، نگهداری و اشاعه مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی،
 — مطالعه و پژوهش پیرامون مبانی و مسائل فرهنگی، هنری، دیوان‌نویسی و شعارهای مردمی انقلاب اسلامی؛
 — اولویت‌دادن به طرحهای همسو در مقابله با تهاجم فرهنگی.

بخش چاپ و انتشارات

— کمک در جهت تحقق آرمانها و اهداف والای اسلامی - انسانی با انتشار پیام و انتقال

افکار انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور؛
- فراهم آوردن ابزار لازم برای ترویج و اعتلای فرهنگ مطالعه؛
- ارائه خدمات پشتیبانی و فرهنگی در راستای مقابله با تهاجم فرهنگی؛
- فراهم آوردن زمینه ایجاد امکانات لازم برای دستیابی به خودکفایی در صنعت چاپ و انتشار؛
- فراهم آوردن زمینه توسعه سازمان در جهت انجام دادن خدمات فرهنگی؛
- کسب درآمد از طریق ارائه خدمات و تولیدات فرهنگی و فعالیتهای بازرگانی.

بخش اوقاف

- شناسایی و کشف کامل موقوفات کشور؛
- عمران و نوسازی و بهره‌برداری اقتصادیتر از موقوفات؛
- کمک به توسعه و اصلاح ساختار تشکیلاتی؛
- گسترش سنت حسنة وقف و نیکوکاری و خیرات و صدقات جاریه؛
- گسترش فرهنگ اصیل اسلامی از راه نشر قرآن و کتابهای دینی؛
- کمک به احیای امر مساجد کشور و تعمیر و مرمت آنها؛
- مصرف درآمد موقوفات به نحو احسن؛
- اخذ اسناد مالکیت رقبات موقوفات؛
- برنامه‌ریزی اماکن مذهبی - اسلامی؛
- کمک به گسترش فعالیتهای اجتماعی، رفاهی، درمانی و بهداشتی، دینی و فرهنگی، امور عام‌المنفعه و عمرانی؛
- کمک به نشر و ترویج قرآن و معارف اسلامی.

بخش روابط خارجی و ریزنیهای فرهنگی

- احیاء و گسترش تفکر و معارف اسلامی در جهان به منظور بیداری مسلمانان و ابلاغ پیام اسلام راستین به جهانیان؛
- آگاه‌ساختن جهانیان نسبت به مبانی و اهداف و مواضع انقلاب اسلامی؛
- گسترش مناسبات فرهنگی با ملتها و اقوام مختلف و شخصیت‌های علمی و فرهنگی بخصوص مسلمانان و مستضعفان جهان؛
- ایجاد، تقویت و تنظیم مناسبات فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، سازمانها و مجامع فرهنگی منطقه‌ای و جهانی؛
- عرضه کردن صحیح فرهنگ و تمدن ایران و ویژگیهای فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی آن؛
- فراهم آوردن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان و تشکیل جبهه واحد براساس اصول مسلم اسلامی؛
- مقابله فکری با فرهنگ ضد دینی، ضد اسلامی و ضد انقلابی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان و دفاع از حقوق مسلمانان؛

- دفاع از حقوق مسلمانان و رشد، ارتقاء و اصلاح وضع فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت (ع) در جهان؛
- معرفی تاریخ، فرهنگ، تمدن و هنر ایران؛
- معرفی تشیع به عنوان مذهب منادی وحدت مسلمانان و احیای عظمت اسلام و پیامبر اکرم (ص) و تبیین هویت آن به عنوان «اسلام ناب محمدی (ص)»؛
- عرضه و معرفی صحیح افکار اصیل مکتب اهل بیت (ع) در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اخلاقی؛

- تلاش در جهت تحقق وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب به منظور احیای آرمان قرآنی امت اسلامی؛
- شناسایی زمینه‌های مشترک فرهنگی و فکری پیروان ادیان الهی و شناخت ریشه‌های عقاید توحیدی در سایر مکتبها و ادیان.

بخش کتابخانه

- افزایش تعداد کتابخانه‌ها منطبق با رشد جمعیت؛
- افزایش تعداد کتابهای موجود تا رسیدن به میزان سطوح قابل پذیرش فردی؛
- برنامه‌ریزی برای رعایت فاصله‌های اصولی بین کتابخانه‌های شاخه؛
- رایانه‌ای کردن کتابخانه‌ها براساس معیارهای جهانی اطلاع‌رسانی؛
- تلاش در جهت افزایش تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها از رهگذر بهینه‌سازی وضعیت موجود کتابخانه‌ها؛

- گسترش و تقویت انجمن کتابخانه‌ها به منزله بازوهای اجرایی؛
- تلاش برای افزایش فرهنگ کتابخوانی در جامعه؛
- حمایت از تأسیس و گسترش کتابخانه‌های غیر دولتی؛
- گسترش فعالیتهای جنبی و فوق برنامه در کتابخانه‌های عمومی کشور؛
- ایجاد و تقویت کتابخانه‌های مساجد؛
- شرکت در مجامع بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی؛
- تکمیل مجموعه کتابخانه‌های موجود از جهت تجهیزات، کتاب، نشریه و سایر منابع کتابخانه‌ای و اطلاع‌رسانی.

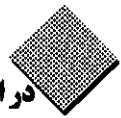
بخش حج و زیارت

- تبیین حقایق، اخلاق و ارزشهای والای اسلامی در مراسم حج؛
- تحکیم وحدت، ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش برای حذف موانع وحدت؛
- تبیین و گسترش فرهنگ حج ابراهیمی؛
- گسترش روابط با کشورهای اسلامی در زمینه زیارت اماکن مذهبی طرفین؛
- برانگیزش از مشرکان و مقابله با فرهنگ منحط غربی؛
- افزایش آگاهی جامعه درخصوص جایگاه و نقش حج در اسلام؛
- فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای تأثیرپذیری زندگی روزمره از فرهنگ حج و عبادت؛

- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، روی آوردن به اماکن مذهبی و مقدس و گسترش فرهنگ زیارت در بین آنان؛

- بازیافت دقیق معارف حج و درک مفاهیم ارزشی فرهنگ زیارت؛
- شناخت، تقویت و اعتلای ارزشهای اسلامی فرهنگ زیارت.

* این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۲ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.



چشم‌انداز آموزش و پرورش

در ایران ۱۴۰۰

مقدمه

از اواخر سال ۱۳۷۴ میان برخی از شخصیت‌های علمی، جمعیت‌شناسان و اهل نظر بحثی راجع به آینده ایران مطرح شد. مطابق برخی از نظریات، آینده کشور با بحران جمعیت مواجه بود. حتی بعضی از افراد جمعیت کشور را تا سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳۰ میلیون نفر برآورد می‌کردند.

ضرورت دیگری برای آینده‌نگری به چشم می‌خورد. عده‌ای عقیده داشتند برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تغییر در جهت وضع مطلوب و تحقق اهداف و آرمانهای یک کشور کافی به نظر نمی‌رسد. افزون بر آن، فرایند طولانی مدت بعضی از تصمیمات راهبردی ایجاب می‌کند که نسبت به تدوین چشم‌اندازی با بصیرت از آینده پرداخته شود. دلیل دیگر این بود که اکثر برنامه‌های کوتاه مدت و میان‌مدت با تغییر دولتها چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرند که گاهی ممکن است دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده ناممکن شود. بنابراین، لازم است دورنمایی از کشور به صورت برنامه‌ای کلی تدوین شود تا به عنوان بستر برنامه‌های پنج‌ساله قرارگیرد.

بر این مبنا، تصمیم‌گرفته شد چشم‌اندازی از آموزش و پرورش در ایران ۱۴۰۰ تهیه و تدوین گردد. از ویژگیهای مورد انتظار این چشم‌انداز، تکیه بر مطالعات علمی و کارشناسی در سطح ملی و بین‌المللی است به گونه‌ای که، کشور ما در سال ۱۴۰۰ در سطح رقابت‌آمیز و موفق در میان کشورهای جهان مطرح باشد.

ابتدا موضوع به بحث و تبادل نظر میان

متخصصان داخلی گذارده شد. نتایج اولیه این فعالیت نشان می‌داد جمعیت برآورد شده برای سال ۱۴۰۰ بسیار بالاست و این در حالی بود که جمعیت اولیه برآورد شده از سوی آموزش و پرورش حدود یکصد میلیون نفر بود.

از مهر ماه سال ۱۳۷۵ بحث به صورت جدی‌تر مطرح شد و گروهی از اهل فن از دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیربط به همکاری در این زمینه دعوت شدند. در حین کار، موضوع چشم‌انداز ایران ۱۴۰۰ در هیأت محترم دولت نیز طرح شد و از سوی مقام محترم ریاست جمهوری مورد توجه و عنایت ویژه قرارگرفت و همه دستگاه‌ها موظف به تدوین گزارشی در این زمینه شدند. در ابتدا طیف وسیعی از نظریات و پرسش‌ها مطرح شد و سپس به مرور زمان و طی گفت و شنودهای پی‌درپی، پیشنهادهای ارائه شده به هم نزدیکتر شدند. از جمله مباحث مطرح شده، رویکرد آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۰ بود که به شرح موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- تعریف سواد در ایران ۱۴۰۰

با آنکه سالها از پیشرفت علم و فن‌آوری می‌گذرد و قدرت بشر در دسترسی به پدیده‌های طبیعی و مصنوعی شگفت‌آور شده است، شاید دیگر «خواندن و نوشتن متون معمولی و ساده» به عنوان سواد تلقی نشود و بلکه در عصری که جهان دهکده کوچک ارتباطات تلقی می‌شود و ضرورت جهانی شدن انسان مطرح است و بسیاری از مجهولات بشر کشف شده و خواهد شد و علم و قدرت به مرتبه‌های بالاتری دست خواهند یازید، آیا می‌توان تعریف یاد شده از سواد را پذیرفت؟ بدون تردید به ضرورت آن عصر و به مقتضای جمیع عوامل مربوط، یکی از تعاریفی که برای سواد در ایران ۱۴۰۰ می‌تواند مطرح باشد به قرار زیر است:

«در ایران ۱۴۰۰ فردی با سواد تلقی می‌شود که بتواند متون معمولی نظیر تابلوهای اخبار، اطلاعات، جراید و نشریه‌های عمومی را بخواند، در حد نیازهای متعارف، مفاهیم ریاضی و حساب را درک کند، با مراکز اداری، اجتماعی و فرهنگی مکاتبه کند (بتواند حداقل ارتباط نوشتاری را با مراکز مورد نظر برقرار

نماید)، از اخبار و اطلاعات روزمره استفاده نماید، در فعالیتهای اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد، از شبکه‌های بین‌المللی اطلاعات و اخبار علمی در حد دانش و مهارت مربوط به شغل خود بهره لازم را ببرد و سرانجام از ابزارهای فن‌آوری جهان امروز (نظیر رایانه‌ها) در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... بهره‌برداری نماید».

۲- نقش عمومی آموزش و پرورش در ایران ۱۴۰۰

در سه دهه اخیر، اکتشافات و موفقیت‌های علمی قابل توجهی در جهان صورت گرفته است. بسیاری از کشورها از مرحله توسعه‌یافتگی عبور کرده‌اند و سطوح قابل‌پذیرش زندگی را به طور مداوم افزایش داده‌اند (هر چند نسبت این افزایش از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است). این وضعیت نابهنجار و غیرقابل ثبات با امیدهای تازه متولد شده سالهای اخیر بویژه در بعضی از کشورها تقابل شدیدی را به وجود آورده است.

از یک طرف ایجاب می‌کند که مردم شهروندانی جهانی بشوند، بدون آنکه اصالت خود را از دست بدهند و از طرف دیگر ضرورت دارد به ایفای نقش فعال در زندگی ملت و جامعه محلی خود بپردازند.

۱-۲- تنش بین تفکر همگانی و تفکر فردی

فرهنگ آرام‌آرام در حال جهانی شدن است، هر چند که این تغییر تاکنون اندک بوده است. اما ما نمی‌توانیم نه محاسن و نه خطرهای جهانی شدن را که حداقل آن فراموش شدن شخصیت منحصر به فرد انسانهاست نادیده بگیریم! شخصیتی که متعلق به آنان است تا راه آینده‌شان را انتخاب کنند و در قالب ذخایر سنتی و فرهنگی خود به ظرفیت کامل برسند. شخصیتی که اگر در مورد آن دقیق نباشیم در معرض خطر پیشرفتهای خاص قرارخواهد گرفت.

چگونه ممکن است خود را با تغییرات تطبیق داد بدون آنکه گذشته خود را به فراموشی سپرد؟ چگونه ممکن است خودمختاری کامل خویش را همراه با رشد آزاد دیگران حفظ کرد؟ چگونه می‌توان پیشرفتهای

علمی را درون‌سازی نمود؟ این طرز فکری است که باید از طریق آن با چالشهای فن‌آوری نوین اطلاعاتی مواجه شد.

۲-۲- تنش بین ملاحظات کوتاه مدت و بلند مدت

این موضوع همیشه مطرح بوده است، اما امروز به دلیل رواج فوریتها، روزمرگیها و در دنیایی که انتقال روزافزون اطلاعات، مسائل فوری را در کانون توجه عامه قرار داده است، وجود آن بسیار محسوستر شده است. آرای عمومی مردم عاجلانه در جست‌وجوی پاسخهای سریع و راه‌حلهای آماده است. حال آنکه بسیاری از مسائل راهبردهای اصلاحی مبتنی بر شکیبایی، اقدام جمعی و جلب موافقت دیگران است و این دقیقاً همان زمینه‌ای است که باید در خط‌مشیهای آتی آموزش و پرورش لحاظ شود.

۲-۳- تنش بین ضرورت رقابت و برابری فرصتها

امروزه، متخصصان آموزش و پرورش مدعی هستند که فشار ناشی از رقابت باعث شده است بسیاری از مقامات مسؤول نگرش جامع خود را در زمینه فراهم آوردن امکانات برای فرد فرد جامعه برای اینکه بتوانند بیشترین استفاده را از هر فرصتی به عمل آورند، از دست بدهند. برای مثال، در حال حاضر پوشش واجب‌التعلیم در سطح کشور ۹۵/۶ درصد است، در حالی که این نسبت در میان دختران و پسران مساوی نیست. حال، اگر به روند تحت پوشش بردن دختران بویژه در دوره ابتدایی در چند سال گذشته توجه شود ملاحظه می‌گردد در دوره راهنمایی درصد رشد در شهر و روستا ضعیفتر شده و در دوره ابتدایی در پنجسال گذشته درصد رشد به صفر رسیده است. یعنی هنوز تا رسیدن به نسبت مورد انتظار (این نسبت علی‌الاصول بایستی مساوی نسبت دختران به کل جمعیت و به عبارتی، ۴۹/۱ درصد باشد) و برابری فرصتهای آموزشی بین دختران و پسران حدود ۴ درصد فاصله وجود دارد.

یک تحلیل از مطالعه این روند ممکن است به وضعیت بسیار دشوار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور مربوط شود که برای رفع آن اقدامهای همه جانبه و هماهنگ ملی مورد نیاز

است. بدون تردید، روند تحت پوشش بردن دانش‌آموزان دختر مانند گذشته نبوده با شیب بسیار کمتری به جلو خواهد رفت. به این معنی که اگر در گذشته برای تحت پوشش بردن یک دانش‌آموز دختر هزینه معینی می‌شد، از این مقطع زمانی به بعد برای تحت پوشش بردن همان یک نفر چه بسا چند برابر آن هزینه ضرورت دارد. به منظور شفاف کردن موضوع، تعدادی از تنشهای درونی آموزش و پرورش مورد بحث قرار می‌گیرد:

۲-۳-۱- تنش درونی بین افزایش تراکم (تا حد مصوب برنامه) و در نتیجه کاهش نیروی انسانی و از دست دادن افراد واجب‌التعلیم و ایجاد فرصتهای آموزشی مساوی

آموزش و پرورش بنا بر تنگناها و مشکلات مختلف درون بخشی و محدودیتهایی چون جذب نیروی انسانی جدید و اعتبارات، متعهد شده است تراکم دانش‌آموز را تا پایان برنامه پنجساله دوم به گونه‌ای افزایش دهد که به حد معینی برسد.

این اقدام در تعارض با سیاستها و برنامه‌های دیگر ذیل خواهد بود:

الف) تحت پوشش بردن دانش‌آموزان واجب‌التعلیم در مناطق محروم و روستایی (تراکم این قبیل دانش‌آموزان از تراکم فعلی مصوب بسیار کمتر است)؛

ب) ظرفیت فیزیکی محدود کلاسهای روستایی (سرانه مساحت کلاس در دوره ابتدایی در شهر ۳۳/۲ و در روستا ۲۶ متر مربع است)؛

ج) پرآکندگی دانش‌آموزان خارج از مدرسه در مناطق یادشده؛

د) سیاستهای حمایتی و تبلیغی کشور در جهت محرومیت‌زدایی در مناطق محروم (بویژه مناطق حساس مرزی که مشکلات سیاسی - امنیتی مضاعف هم دارند).

۲-۳-۲- افزایش تراکم در مناطق روستایی و محروم که بیشتر کلاسها به صورت مختلط و چند پایه اداره می‌شود با ایجاد فرصتهای آموزشی مساوی

چنانچه روند جذب نیروی انسانی در مناطق محروم مورد مطالعه قرارگیرد مشاهده می‌شود که اکثر نیروهای انسانی شاغل در این مناطق هم

از نظر کیفیت و هم از نظر تجربه آموزشی در حد بسیار پایینی قرار دارند.

این امر و سایر پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باعث شده است کیفیت آموزش در روستاهای یاد شده به هیچ روی منجر به فرصتهای آموزشی مساوی با شهرها نشود.

از این رو، ضروری است برای ایجاد فرصتهای مناسب آموزشی در میان این گروه اقدامات جامع، هماهنگ و گسترده بخشی و بویژه فرابخشی صورت گیرد.

۲-۳-۳- تنش بین مشارکت مردمی و حاکمیت کلی آموزش و پرورش

از سال ۱۳۶۸ تاکنون که قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی به تصویب رسیده است حدود ۳/۷ درصد از کل دانش‌آموزان کشور تحت پوشش مدارس غیرانتفاعی قرار گرفته‌اند. از آنجایی که مؤسسان این گونه مدارس را تاکنون اقشار فرهنگی و بویژه شاغلان آموزش و پرورش تشکیل داده‌اند، از این رو، چنانچه حمایتهای مختلف دولت برای این گونه مدارس ادامه نیابد حتی تا پایان برنامه پنجساله دوم هم تحقق اهداف برنامه (به میزان ۵ درصد از کل دانش‌آموزان کشور) بعید به نظر می‌رسد. این در حالی است که مشارکت سایر بخشها و بویژه شخصیتهای حقوقی در تأسیس این مدارس بسیار کم بوده است. برای تحقق اهداف آرمانی آموزش و پرورش در ایران ۱۴۰۰ مشارکت کلیه بخشها، نهادها و شخصیتهای حقیقی و حقوقی که توانایی و صلاحیت لازم را دارند ضروری به نظر می‌رسد.

البته، هر فرد یا دستگاهی به میزانی که در آموزش و پرورش مشارکت می‌نماید حق تصمیم‌گیری و تغییر در مجموعه مورد نظر را برای خود قائل است و این امر ممکن است با حاکمیت کلی آموزش و پرورش از لحاظ اعمال قانون، وحدت رویه‌ها، برابری فرصتهای آموزشی و محدودیت منابع انسانی در تعارض قرارگیرد. برای این منظور، ضروری است دست‌اندرکاران امر نسبت به تهیه و تدوین اصولی که این وحدت و حاکمیت را حفظ و تعارضهای احتمالی را برطرف نماید پیش‌بینی لازم را به عمل آورند.

۳-۴-۲- تنش بین ارتقاء کیفیت آموزش و افزایش ظرفیت علمی و فنی با محدودیت منابع مالی

امروزه، با وجود تخصیص تأمین منابع مالی غیردولتی نظیر کمکهای مردمی برای احداث و توسعه مدارس، کمکهای نقدی، عوارض آموزشی (موضوع بند «د» تبصره ۸ قوانین بودجه سالهای ۷۴، ۷۵ و ۷۶ از کالاهای مشخص) و میزان معین شهریه‌ای که از سوی مدارس غیرانتفاعی وصول می‌شود، هنوز هم تا تأمین حداقل منابع مالی مورد نیاز برای تحقق اهداف آموزش و پرورش فاصله زیادی وجود دارد. در صورتی که عزم ملی برای احیاء و تعالی آموزش و پرورش به وجود نیاید و مشارکت واقعی آحاد مردم جامعه عمل نباشد و تولید ناخالص ملی به حد مطلوبی افزایش نیابد، دسترسی به اهداف متعالی آموزش و پرورش بویژه در ایران ۱۴۰۰ غیر متحمل می‌نماید.

جدول زیر نشان می‌دهد که در مقایسه با اکثر کشورهای پیشرفته جهان در زمینه اختصاص تولید ناخالص ملی به آموزش و پرورش در حد پایینی قرار داریم و این در حالی است که نسبت جمعیت جوان کشور ما که در حال تحصیل هستند حدود ۳۰ درصد کل جمعیت کشور است. مضاف بر آن، در اکثر کشورهای مورد مقایسه رشد جمعیت حدود صفر درصد است و جمعیت شاغل و تولید کننده آنان نسبت به کشور ایران اختلاف معنی داری دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد آموزش با کیفیت مطلوب و مورد انتظار، ملازم

افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه و تأمین منابع مورد نیاز آموزش و پرورش کشور است.

۳-۴-۲- تنش بین گسترش فوق‌العاده دانش و ظرفیت جذب نیروی انسانی

متخصصان تعلیم و تربیت در برابر افزایش مواد درسی جدید توان مقاومت ندارند. چراکه، از یک سو خود آگاهی و روشهایی برای بهزیستی فیزیکی و روان‌شناختی یا روشهایی برای درک بهتر محیط زیست طبیعی و حفاظت از آن به مجموعه دروس فعلی می‌افزاید و از سوی دیگر، در حال حاضر فشار فزاینده‌ای بر برنامه‌های درسی احساس می‌شود. هر نوع راهبرد روشن بینانه اصلاحی باید در برگزیده گزینه‌هایی باشد مشروط بر آنکه جنبه‌های اصلی آموزش پایه که دانش‌آموزان را با چگونگی بهبود وضعیت زندگی از طریق علم و دانش، تجربه و توسعه فرهنگ خودی آشنا می‌سازد، همواره سالم و دست‌نخورده باقی بماند.

۳-۴-۵- تنش بین مادیات و معنویات

بشر همواره بدون آنکه حتی خود تشخیص بدهد و بر زبان بیاورد، در آرزوی ارزشهای آرمانی بوده که ما آن را «اخلاقیات» می‌نامیم. این وظیفه انسانی آموزش و پرورش است که همه افرادی را که براساس سنتها و اعتقادات خود عمل می‌کنند و به جمع احترام می‌گذارند تشویق کند تا اذهان و روحيات خود را تا سطح جهانی بالا بکشند و به عبارتی، خود را به تعالی و کمال برسانند.

متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند آموزش و پرورش نقش تعیین کننده و بسیار مؤثری در حل تنشهای موجود دارد. آموزش - بنابر اظهار بسیاری از صاحب نظران داخلی و خارجی و با تکیه بر اصول و معارف اسلامی - راهی مطمئن و قابل دسترس برای گشودن درهای صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و آرامش ملتها در جهان امروز است. از طریق آموزش و بویژه تعلیم و تربیت اسلامی است که می‌توان انتظار داشت تنشهای میان جهانی شدن و بومی ماندن، تفکر همگانی و تفکر فردی، سنت‌گرایی و تجدد، ملاحظات کوتاه مدت و بلندمدت، رقابت و برابری فرصتها، گسترش فوق‌العاده دانش و ظرفیت محدود جذب نیروی انسانی و در نهایت، مادیات و معنویات به نحو بسیار کارآمد و اثربخشی حل شود.

تحقق جامعه آرمانی ایران ۱۴۰۰ که در آن روح آزادی و آزادی در میان مردم بومی شود، آزاد اندیشی و رعایت حقوق دیگران توسعه یابد، بر دباری و تحمل در برابر ناملازمات به خوبی و درایت پذیرفته شود، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌خواهی نهادینه گردد، عدالت فردی و اجتماعی حاکم شود، پویایی و خلاقیت و تفکر در جهت نیل به آرمانها ارزش تلقی گردد و... جز از طریق آموزش و پرورش امکانپذیر نبوده و اگر ممکن هم نباشد نهادینه، پایدار و بومی نخواهد بود.

۳- محتویات آموزش

محتوای آموزش بسته به سطوح عمومی و

مقایسه کشورهای مختلف از نظر میزان سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش

نام کشور	سال مطالعه	هزینه‌های کلی آموزش و پرورش		درصد هزینه‌های جاری از کل هزینه‌های آموزش و پرورش	درصد هزینه‌های سرمایه‌ای از کل هزینه آموزش و پرورش
		درصد از تولید ناخالص ملی	درصد از هزینه‌های کلی دولت		
ایران	۱۹۹۶	۱۰/۹	۲/۵	۸۵/۳	۱۴/۷
امریکا	۱۹۹۰	۱۲/۳	۵/۳	۹۰/۵	۹/۵
آلمان	۱۹۹۱	۱۱/۶	۴/۱	۹۰/۵	۹/۵
ژاپن	۱۹۹۱	۱۶/۶	۴/۷	—	—
فرانسه	۱۹۹۳	—	۵/۵	۹۰/۸	۹/۲
دانمارک	۱۹۹۱	۱۱/۸	۷/۴	۹۳/۱	۶/۹
اتریش	۱۹۹۲	۷/۷	۵/۸	۸۸/۲	۱۱/۸
کره جنوبی	۱۹۹۲	۱۴/۸	۴/۲	۷۹/۸	۲۰/۲
مالزی	۱۹۹۳	—	۵/۱	۸۷/۸	۱۲/۲

متوسطه متغیر خواهد بود. در سطح اول، علاوه بر آموزشهای عمومی و پایه‌ای که در تعریف سواد مطرح شد مطالبی برای ایجاد آمادگی و ارتقاء به سطح متوسطه نیز بایستی آموزش داده شود. علاوه بر آن، مسائلی چون یادگیری برای سود جستن از فرصتهایی که آموزش و پرورش در طول زندگی فراهم می‌آورد نیز مورد توجه است. یادگیری برای انجام دادن نه تنها مهارت‌های حرفه‌ای بلکه در سطحی وسیعتر و به قصد رسیدن به شایستگی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بتوان با موقعیتهای گوناگون روبه‌رو شد و به فعالیتهای گروهی پرداخت. یادگیری برای تقویت توان یا درک دیگران و همبستگی با آنان، یادگیری برای رشد شخصیت فردی و توانمندی برای داوری مسئولیتهای شخصی و فعالیتهایی که منجر به خود پیروی می‌شوند انجام می‌شود.

در سطح متوسطه، علاوه بر آموزشهای سطح اول بایستی آموزش متناسب با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده رویکرد آن به سمت رفع نیازهای جامعه باشد؛ به گونه‌ای که معلوم باشد فرد آموزش دیده در آینده به چه شغلی اشتغال می‌یابد و چه نیازی از جامعه را مرتفع می‌نماید. این آموزشها در بُعد فنی و حرفه‌ای، تأمین کننده قسمتی از نیروی انسانی مورد نیاز بخشهای تولیدی و خدماتی جامعه است و در بُعد نظری نیز تأمین کننده نیاز نیروی انسانی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور خواهد بود.

۴- روشهای آموزش و پرورش

روشهای معمولی که اکنون در نظام تعلیم و تربیت کشور به کار گرفته می‌شود اثربخشی و کارایی مطلوبی ندارد. به نظر می‌رسد به همان نسبت که فن‌آوری و توسعه آن نقش مؤثری بر ساختار و تشکیلات سازمانهای دولتی و خصوصی می‌گذارد و این امر در عصر حاضر به عنوان یک اصل در علم مدیریت پذیرفته شده است، روشهای آموزشی و پرورشی نیز باید به تناسب فن‌آوریهای جدید و تحول انسان در آینده در جهت مطلوب تغییر کند. از این رو، ضمن حفظ اصول و زمینه‌های تربیتی مطلوب و وضعیت روحی و روانی معلمان و مربیان، بایستی نسبت به اتخاذ شیوه‌های نوین

و کارآمد اقداماتی صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که، تلقی همگان از آموزش و پرورش لزوماً با تشکیل کلاس ۳۰ تا ۴۰ نفری و وجود یک معلم و فضایی همچون مدرسه و... مقارن نباشد، بلکه هنگامی که امر آموزش مطرح می‌شود باید متناسب با هر عصری و به مقتضای اوضاع جامع آن این سؤال پاسخ داده شود که چه محتوایی را در چه بستری و به کمک چه فنونی (نرم‌افزار و سخت‌افزار) بایستی از عالم به متعلم منتقل نمود تا بهره‌وری آن به حداکثر برسد یا اثربخشی آن بیشینه باشد و هزینه آن به حداقل برسد.

۵- نقش معلمان و مربیان

نقش نیروی انسانی و بویژه معلمان در جامعه ایران ۱۴۰۰ بسیار برجسته و حساس است. زیرا از یک طرف تربیت نیروی انسانی کارآمد و شهروند مورد انتظاری که به عنوان یک آرمان مطرح می‌شود به ایشان سپرده شده است و چنانچه نیروی انسانی مربی و معلم امروز به تناسب رشد و تعالی جامعه تغییر نکند و مهارتهایی را که باید آموزش بدهد خود فراموش کند، - بویژه در جهانی که به طور فزاینده تحت سلطه فن‌آوری قرار دارد - انتظار دستیابی به اهداف تعیین شده غیرممکن می‌نماید.

در حال حاضر، وضعیت نیروی انسانی آموزش و پرورش به هیچ وجه مطابق با انتظارات و آرمانهای ایران ۱۴۰۰ نیست. اگر بنای سواد در ۱۴۰۰ بر تعریفی باشد که پیشتر گفته شد و محتوای آموزش، فنون و مهارتها نیز دارای ویژگیهایی باشد که بر شمرده شد، هرگز دستیابی به چنین اهدافی با بافت نیروی انسانی امروز آموزش و پرورش امکانپذیر نخواهد بود. از مجموع حدود ۹۸۰ هزار نفر نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش، حدود ۱۶۰ هزار نفر آنها (حدود ۱۶ درصد) تا سال ۱۴۰۰ در سیستم باقی می‌مانند. از این تعداد حدود ۱۳۱ هزار نفر آنها دیپلم و فوق دیپلم هستند که به دوره‌های آموزشی بلندمدت نیاز دارند. بنابراین، اگر فرض کنیم با روشهای بسیار مؤثر و بهره‌ور، نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۰ از یک میلیون نفر بیشتر نشود، تقریباً ۸۴۰ هزار نفر نیروی جدید وارد

نظام آموزش خواهند شد. با عنایت به اینکه نیروی انسانی مورد نیاز در دوره ابتدایی و راهنمایی از سوی خود آموزش و پرورش تربیت می‌شود - و تنها نیاز دوره متوسطه توسط مراکز آموزش عالی تأمین می‌شود - از این رو، به نظر می‌رسد برای تحقق آرمانهای ایران ۱۴۰۰ تحولات قابل توجهی باید در روشهای آموزش، جذب، تأمین و نگهداری نیروی انسانی صورت گیرد.

تاریخ توسعه و روند تحولات آن در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که برای نیل به توسعه پایدار ضروری است اولویت تغییر به ترتیب به نظامهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داده شود. ممکن است با اولویت قائل شدن به نظامهای اقتصادی تحولاتی شکل گیرد و ظاهراً کشوری توسعه هم بیابد اما با این حال، اولاً این توسعه ناپایدار خواهد بود و ثانیاً ابعاد توسعه جامع و یکپارچه تحقق نمی‌پذیرد و بیشتر به رشد بعضی از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد. امروزه، تحولات سریع و غیرقابل مقایسه با گذشته در عرصه‌های علمی و فن‌آوری به تبع خود تغییراتی را در فرایند نظامهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در پی آورده است. کشوری که بخواهد نقش انفعالی در برابر تحولات شگرف نداشته باشد باید توانمندی، خلاقیت، نوآوری و اتکاء به نفس را در ملت خود به نحوی تربیت نماید که همواره نقش مسلط و فعال خود را بر آثار تحولات یاد شده داشته باشد.

نکته دیگری که بر ضرورت این امر می‌افزاید تغییرات احتمالی و گسترده‌ای است که تا سال ۱۴۰۰ در همه عرصه‌های یاد شده محقق خواهد شد. از آنجایی که ویژگی این تحولات مبهم و ناشناخته است از این رو باید نسبت به تقویت فکری، علمی، فنی و خودباوری نسل آینده همت وافر به خرج داده شود. باید راههایی در نظر گرفته شود که بتوان از این تحولات برای خدمت به آموزش و پرورش استفاده کرد و افراد را برای کسب مهارت در زندگی و کار آینده آماده نمود. اتخاذ راهبردهایی مناسب نظیر مشارکتهای علمی با کشورهای گوناگون، ایجاد فرصتهای مطالعاتی در هنر و حرفه مربوط و نیز، گفت‌وگوهای

گسترده و افزایش مسئولیت و مشارکت دست‌اندرکاران در همه سطوح، بویژه در مراکز تربیت معلم و مربی، عنصری بسیار مهم درنوسازی آموزش و پرورش برای نیل به اهداف ایران ۱۴۰۰ است.

تحقق اهداف آرمانی ایرانی ۱۴۰۰ جز با تجدید ساختار آموزش و پرورش، نیروی انسانی و در سرلوحه آنها تربیت مطلوب معلم امکانپذیر نیست.

بنابراین، ضروری است در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۰ به تعلیم و تربیت و بویژه معلم و آموزش و تربیت وی به نحو بسیار چشمگیری توجه بشود. برخی از سؤالات قابل توجه در این خصوص به قرار زیر است:

آموزش عمومی چه حدودی را از لحاظ کمی و کیفی دربرمی‌گیرد؟ سن شروع مدرسه از چه سالی خواهد بود؟ طول هر دوره تحصیلی (پس از تغییر و تصویب نظام جدید آموزش عمومی) چه مدتی است؟ چه نوع مهارتهایی باید به نسل جدید آموزش داده شود تا مناسب با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۴۰۰ باشد؟ اقتصاد کشور تا چه حد متکی به صادرات نفت خواهد بود؟ سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت چگونه است؟ تا چه حد اجرای اهداف آموزش و پرورش متکی به مشارکت غیردولتی است؟ حدود مشارکت شخصیتهای حقیقی و حقوقی در آموزش و پرورش چیست؟ چه متغیرهایی در اقتصاد به عنوان متغیرهای جانشین عمل خواهند کرد؟ رویکرد اقتصادی جامعه ایران ۱۴۰۰ به کدام فرآورده تولیدی گرایش خواهد داشت؟ و...

به منظور اتخاذ روشی مناسب برای ارائه این فعالیت، از کلیه اعضای شورا درخواست شد راهکارهایی که مناسب این چشم‌انداز است، نشان دهند. پس از جمع‌بندی کلیه آراء، نظریات و پیشنهادهای ارائه شده، موضوع در قالب فعالیتهای دو گروه مطالعاتی (کمی و کیفی) در آموزش و پرورش دسته‌بندی شد. **مسئولیت گروه مطالعات کیفی** به عهده پژوهشکده تعلیم و تربیت گذاشته شد و **مسئولیت گروه مطالعات کمی** به عهده یکی از مشاوران حوزه معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی محول گردید.

۶- اقدامات انجام شده و در دست‌انجام گروه مطالعات کیفی

۱- بررسی دقیق اقداماتی که در زمینه آینده‌نگری در جهان انجام شده است، از نظر شناخت چگونگی و میزان تأثیری که تحولات علمی و فن‌آوری، رسانه‌های گروهی و ارتباطات، بازار کار و اشتغال، تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و... بر هدفها، محتوا، برنامه‌ها، اولویتها و جهت‌گیریهای بخش آموزش و پرورش می‌گذارد و نیز از نظر آشنایی با توصیه‌های مجامع علمی، آموزشی و فرهنگی جهانی در ارتباط با آینده آموزش و پرورش و آشنایی با شیوه‌های آینده پژوهشی آموزش و پرورش در سایر کشورهای جهان؛

۲- بررسی کلیه متون و پژوهشهای انجام شده در زمینه آینده‌نگری ایران، اعم از مواردی چون قانون اساسی، آراء و نقطه‌نظرهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور شناخت چگونگی و میزان تأثیر و تحولات قابل پیش‌بینی عوامل اقتصادی فرهنگی و اجتماعی بر بخش آموزش و پرورش و نیز شناخت انتظارات و خواسته‌های سایر بخشها از آموزش و پرورش؛

۳- بررسی تحولات گذشته و وضعیت فعلی آموزش و پرورش به منظور ریشه‌یابی تنگناها و اشکالات اساسی، شناخت نقاط قوت و ضعف، محدودیتها و مزیتها و بخش و تحولات شاخصهای اساسی و مهم آن؛

۴- مشخص کردن نگرشها و باورهای معلمان و دست‌اندرکاران ذی‌علاقه، ذی‌نفع و ذی‌نفوذ و ارزشها و آرمانهای حاکم بر جامعه اسلامی در زمینه آموزش و پرورش؛

۵- تلفیق نتایج مطالعات فوق با نتایج حاصل از بررسی مسائل جمعیتی و برآوردهای کمی عوامل آموزشی و پیشنهاد هدفهای آموزشی و پرورشی ایران ۱۴۰۰، تبیین و توجیه مراجع تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش برای تعیین و تأیید نهایی هدفهای پیشنهادی؛

۶- بررسی و تدوین راهبردها، سیاستها و جهت‌گیریهای محتمل و متناسب با هدفهای

ایران ۱۴۰۰، تبیین و توجیه مراجع تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش برای تأیید نهایی راهبردها و سیاستها و تدوین گزارش تلفیقی از مجموعه مطالعات و پژوهشهای انجام گرفته برای اقدامات بعدی.

۷- اقدامات انجام شده و در دست‌انجام گروه مطالعات کمی

۱- شناخت وضع موجود در آموزش و پرورش از نظر تحولات دانش‌آموزی از آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تاکنون و تجزیه و تحلیل روندهای موجود (روند ناشی از افزایش یا کاهش رشد دانش‌آموز به تفکیک دوره، جنس، شهر و روستا و...)

۲- شناخت وضع موجود آموزش و پرورش از نظر تحولات کمی و کیفی نیروی انسانی از آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تاکنون و تجزیه و تحلیل روندهای موجود؛

۳- شناخت وضع موجود آموزش و پرورش از نظر تحولات کمی و کیفی فضاهای آموزشی و پرورشی از آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی فرهنگی کشور و تجزیه و تحلیل روندهای موجود؛

۴- برآورد اولیه جمعیت دانش‌آموزی مورد انتظار در سطح کشور.

۸- اقدامات ضروری و در دست‌انجام فرابخشی

۱- انتخاب نوع آموزش یعنی انتخاب نوع جامعه. چنین انتخابهایی در همه کشورها گفت و شنودهای عمومی و گسترده‌ای را طلب می‌کند که براساس ارزشیابی دقیق از سایر نظامهای آموزشی صورت می‌گیرد. کسب نظر از مقامات سیاسی و شخصیتهای علمی و اجتماعی برای دستیابی به بهترین راهبردهای اصلاحی آموزش و پرورش از جمله ضروریات است.

۲- تمرکززدایی اداری و استقلال مؤسسه‌های آموزشی شرط لازم برای بروز خلاقیتها و نوآوریهاست. از این‌رو، درگیر کردن کلیه نهادهای تصمیم‌گیری بویژه مجلس شورای اسلامی و سوق دادن آنان به سمت

سیاستگذاریهای جامع و هماهنگ از ضروریات است.

۸۲- آموزش سرمایه‌ای، امری ملی و راهبردی است و تنها نباید با فشارهای اقتصادی و بازار کار تنظیم شود. ضروری است مقررات جامعی وضع شود و تعدیلات در بخشهای مختلف صورت گیرد، تا جایگاه حقیقی خود را باز یابد که این امر در گرو مشارکت صمیمانه و همکاری کلیه بخشهای دولتی و خصوصی است که با تجدید نظر نسبت به وضع موجود و راهبردهای اصلاحی، نیل به این مقصود را فراهم آورند.

۸۳- استفاده وسیع از فن‌آوری در آموزش بویژه در میان بزرگسالان نیازمند شناخت همه جانبه قابلیت‌ها و توانمندیهای بخش ارتباطات، راهها، وسایل ارتباطی، حمل و نقل و روند توسعه آنهاست. برای نمونه، اگر یکی از سیاستهای اتخاذ شده در برنامه ایران ۱۴۰۰ ایجاد شهرکهای تولیدی و خدماتی به منظور تحقق آرمانها و اهداف مورد نظر باشد، این امر نیازمند هماهنگی همه جانبه و جامع کلیه بخشها و نهادهای قانونی است.

۸۴- حتی توسعه و تقویت زیربناها و ظرفیتهای صرفاً اقتصادی کشور به منظور جایگزینی نفت در ایران ۱۴۰۰ هم نیازمند همکاری و مشارکت، هماهنگی همه جانبه و عمومی کلیه بخشها و نهادهای دولتی و خصوصی است.

***این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۰ از سوی وزارت آموزش و پرورش در اختیار دفتر فصلنامه، دریافت قرار داده شده است.**

وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در ایران ۱۴۰۰



علوم پزشکی که پاسخگوی یک نیاز اساسی انسان یعنی «تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت» است، به تناسب شأن بنیادی آن در مکتب حیات بخش اسلام از منزلتی والا برخوردار است. خدمات پزشکی که اقامه‌کننده یک واجب الهی و دفع‌کننده بلا از جان آدمیان است به حق مورد عنایت ویژه اسلام است، مشروط بر اینکه کاربرد آن انگیزه‌های الهی آمیخته با تلاش و سعی مسؤولانه و در جهت مصلحت و مبتنی بر آگاهیهای کافی و فارغ از انکاه به ظن و گمان و تبعیت از آنچه به آن وقوف ندارد، باشد.

سلامت یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار و بخش لاینفک آن برای ارتقای زندگی است. حفظ و تأمین سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی جامعه عمده‌ترین وظیفه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. برای رسیدن به این هدف اصلی در ایران ۱۴۰۰، سیاستها و خط‌مشیهای اساسی به شرح زیر تدوین و اهداف بخشهای مختلف این وزارت مورد اشاره قرار گرفته است.

سیاستها و خط‌مشیها

□ تأمین، حفظ و ارتقای سلامت انسان به عنوان خلیفه... از لحاظ ابعاد جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی؛

□ برقراری نظام مدیریت جامع، کارا، آگاه و عامل به تعالیم عالیه اسلامی؛

□ استقرار فرهنگ وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی و اقتصادی در کلیه شئون پزشکی؛

□ حاکمیت فرهنگ اسلامی در ارائه خدمات پزشکی با هدف غایی جلب رضای

افزونتر پروردگار و ارائه خدمات مناسبتر به بندگان خدا؛

□ است‌آقرار جامعیت علم پزشکی در کلیه رشته‌ها با در نظر گرفتن ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان؛

□ نظام آموزش پزشکی متکامل بر اساس تعالیم اسلامی؛

□ استقرار دانشگاههای علوم پزشکی اسلامی؛

□ توجه به اولویت بهداشت و پیشگیری به عنوان زیربنای سلامت و اولویتهای روستا و حاشیه شهر به شهر، سرپایی به بستری و عمومی به تخصصی؛

□ برخورداری آحاد مردم از مزایای بیمه همگانی با پوشش کامل و حداقل هزینه،

□ استقرار فرهنگ پژوهش و نوآوری در تمام زمینه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بویژه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی؛

□ فراهم آوردن امکانات لازم برای برخورداری آحاد مردم و ارائه خدمات بهداشتی- درمانی به اقشار محروم و گروههای آسیب‌پذیر؛

□ توسعه شبکه‌های بهداشتی- درمانی کشور با حفظ اصل سطح‌بندی، ارائه خدمات ادغام یافته و برقراری نظام ارجاع با هدف ارتقاء کیفی خدمات از جامعه تایمارستان؛

□ توانایی کامل نظام شبکه بهداشتی- درمانی از نظر اختیارات، نیروی انسانی، تجهیزات و توان فنی؛

□ برخورداری از نظام آماری و اطلاعاتی یکپارچه، توانا و قابل اعتماد در سطح کشور، متصل به نظامهای اطلاعاتی، بهداشتی و درمانی بین‌المللی و بهره‌مند از سیستم مراقبت فعال و متکی به پرونده‌های خانوار، مراجعان و بیماران؛

□ همکاری کامل بخشهای دیگر توسعه در فعالیتهای بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در قالب کمیته‌های چند بخشی؛

□ افزایش اجزاء و ارتقاء مراقبتهای بهداشتی- درمانی در حدی شایسته برای امت اسلامی و تأمین دسترسی به این اجزاء تادورترین نقاط کشور؛

□ ارتقاء سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی و ایجاد تسهیلات مورد نیاز برای ارائه

خدمات مناسب و کافی بویژه در دوران بارداری و حضانت کودکان؛
 □ تأمین توان دسترسی به نیروهای پزشکی همگن؛
 □ مشارکت فعال مردم در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر امور بهداشتی - درمانی همراه با توسعه و ارتقاء شوراهای و کمیته‌های بهداشتی - درمانی؛
 □ ادغام فعالیتهای آموزشی، تحقیقاتی و خدماتی در کلیه واحدهای ارائه خدمات بهداشتی - درمانی؛
 □ مشارکت فعال بخشهای عمومی و خصوصی در ارائه خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در چارچوب قانون اساسی؛
 □ بهره‌وری کامل از امکانات و نیروی انسانی پزشکی با استفاده از فن آوری مناسب و اطلاعات جدید؛
 □ خودکفایی دارویی در زمینه شکل‌بندی مطلوب آن و تولید مواد اولیه و صادرات دارو؛
 □ خودکفایی مطلوب در تولید تجهیزات و ملزومات پزشکی و توسعه صادرات آنها؛
 □ ارتباط فعال و پویا با مجامع پزشکی و حضور همه‌جانبه در صحنه‌های جهانی در کلیه موارد مربوط به سلامتی اعم از بهداشت، درمان، آموزش و پژوهش؛
 □ تأمین پشتوانه‌های لازم قانونی برای اجرای برنامه‌ها؛
 □ استقرار نظام صحیح نظارت بر کلیه امور بهداشتی، درمانی، فرهنگی، دانشجویی، آموزشی، پژوهشی، اداری و خدماتی.

اهداف بخش فرهنگی - دانشجویی در ایران ۱۴۰۰
 □ حاکمیت ارزشهای اسلامی از جمله فرهنگ نماز، امر به معروف و نهی از منکر در بخشهای بهداشتی، درمانی، پژوهشی و آموزش پزشکی؛
 □ گسترش اخلاق پزشکی در کلیه شئون پزشکی کشور با این هدف که صاحبان حرفه‌های پزشکی، رضای خدا و رضایتمندی بیمار را هدف اصلی پنداشته، افرادی عالم، بصیر، مورد وثوق و مهربان باشند، به هیجانات و نگرانیهای بیمار اهمیت داده، مهارت کافی در

ایجاد ارتباط با بیماران داشته باشند؛
 □ استقرار بستر مناسب فرهنگی، اخلاقی و سیاسی برای اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان؛
 □ فراهم بودن تسهیلات و امکانات مناسب برای رشد و تعالی علمی و معنوی دانشجویان.

اهداف بخش درمان و دارو در ایران ۱۴۰۰
 □ تحقق فرهنگ اسلامی در کلیه امور خدمات درمانی، دارویی، آزمایشگاهی و تغذیه‌ای؛
 □ تأمین خدمات درمانی مطلوب در اسرع وقت و با کیفیت عالی برای عموم مردم و حذف ارتباط مالی پزشک و بیمار؛
 □ تأمین و توزیع نیروی انسانی پزشکی و پیراپزشکی بر اساس سطح‌بندی ارائه خدمات؛
 □ تهیه و تأمین داروهای مورد نیاز با کیفیت و قیمت مناسب برای آحاد مردم؛
 □ گسترش بخشهای بیمارستانی بر اساس نیاز در جهت تعمیم عدالت اجتماعی؛
 □ گسترش خدمات سرپایی و مطلوب بودن زمان بستری در بیمارستانها؛
 □ ارائه خدمات مطلوب با حداقل هزینه ممکن و واقعی کردن تعرفه‌های خدمات پزشکی؛
 □ استقرار نظام دارویی و غذایی کار را، ایجاد رقابت در تولید و توزیع و نیز تمهیدات برای کیفیت مطلوب داروها و تجویز منطقی و مصرف بجا؛
 □ برقراری جایگاه مناسب داروهای گیاهی در امور درمان؛
 □ تأمین رضایتمندی بیماران از ارائه خدمات پزشکی؛
 □ تأمین خدمات مطلوب برای فوریتهای پزشکی در حداقل زمان و در همه نقاط کشور؛
 □ تولید مطلوب، توزیع عادلانه تجهیزات و ملزومات پزشکی و حفظ و بهره‌وری بهینه آنها؛
 □ رشد و توسعه دانش فنی (تکنولوژی) در صنایع پزشکی غذایی، دارویی، بهداشتی و آرایشی به منظور نیل به خودکفایی و رقابت در بعد بین‌المللی؛
 □ استقرار ساختار نظام آزمایشگاههای کشور بر اساس نظام ارائه خدمات بهداشتی -

درمانی و برقراری ثبت اطلاعات مطلوب؛
 □ حاکمیت سطوح قابل قبول ملی در کلیه خدمات مربوط به درمان و دارو اعم از درمان سرپایی و بستری، امور دارویی، تجهیزات و ملزومات، مواد غذایی، بهداشتی و آرایشی؛
 □ استقرار سیستم نظارت کیفی مطلوب بر کلیه امور مربوط به درمان و دارو؛
 □ متعالی بودن خدمات بهداشتی - درمانی و مرجع بودن برای ارائه آنها در سطح بین‌المللی.

اهداف بخش بهداشت در ایران ۱۴۰۰
 □ تحقق شیوه‌های زندگی سالم با بهره‌گیری از تعالیم عالیه اسلام و کاهش فشارهای روانی با تقویت روحیه مذهبی؛
 □ ارتقاء کیفی خدمات بهداشتی به سطح مطلوب؛
 □ ریشه‌کنی و حذف کلیه بیماریهای واگیردار با قابلیت پیشگیری؛
 □ کنترل بیماریهای غیرواگیر و کاهش عوامل خطر این بیماریها؛
 □ ارتقاء سلامت جامعه و آحاد مردم از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی بویژه کودکان و زنان؛
 □ ارتقاء آگاهی بهداشتی عموم و تغییر رفتار در جامعه از طریق اشتمرار آموزشهای تغذیه‌ای، بهداشتی و درمانی مردم؛
 □ تأمین آب آشامیدنی سالم با کیفیت مطلوب؛
 □ تأمین امنیت غذایی، تغذیه سالم و استفاده از مواد غذایی حلال، با کیفیت مناسب و عاری از هر گونه آلودگی میکروبی و شیمیایی؛
 □ تأمین هوای سالم و عاری از آلودگی؛
 □ تأمین بهداشت و سلامت محیطهای کار، اشتغال و تحصیل؛
 □ تأمین بهداشت و سلامت مسکن و محیطزیست و دفع بهداشتی زباله‌ها و فاضلاب.

اهداف بخش آموزش پزشکی در ایران ۱۴۰۰
 □ متعالی بودن دانشگاه در کلیه ابعاد برای تربیت و فعالیت عالمان محقق، متعهد و ناشران

علم در سطح بین الملل؛

□ استقرار آموزش پزشکی جامعه‌نگر
منطبق با آخرین دستاوردهای علمی؛

□ حاکمیت آموزش پزشکی جامع و منطبق
با کلیه نیازهای انسانی در ابعاد جسمی، روانی،
اجتماعی و معنوی؛

□ فراهم نمودن تسهیلات و امکانات
مناسب برای رشد علمی و معنوی دانشجویان
و بسی‌نیازی استادان از اشتغال در خارج از
دانشگاه؛

□ تربیت و تأمین نیروی انسانی گروه
پزشکی بر اساس معنویت، عرفان و حکمت و
متناسب با نیازهای جامعه در کلیه رشته‌های
گروه پزشکی؛

□ استقرار نظام آموزش مداوم برای کلیه
رده‌های گروه پزشکی بر اساس نیازهای
جامعه.

اهداف بخش پشتیبانی در ایران ۱۴۰۰

□ استقرار تشکیلات و نظام اداری مناسب برای
ارائه خدمات بهداشتی درمانی، آموزشی و
پژوهشی؛

□ تخصیص درصدهای مناسبی از درآمد
ناخالص ملی برای بهداشت، درمان، پژوهش و
آموزش پزشکی

□ تأمین فضاها و امکانات مناسب برای
ارائه خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و
پژوهشی.

**هدفهای اختصاصی بخش پژوهش
پزشکی در ایران ۱۴۰۰**

□ تحقق فرهنگ پژوهش در دانشگاههای
علوم پزشکی و مراکز و مؤسسات بهداشتی
درمانی کشور

— تحول نظام مدیریتی تحقیقات در
دانشگاههای علوم پزشکی کشور به نحوی که
دست‌اندرکاران امر تحقیق هدایت کامل و
جامعی در امر تحقیق داشته، به سیستم گزارش
دهی و اطلاع‌رسانی، نظارت و ارزشیابی
مطلوب مجهز باشند.

— کلیه دست‌اندرکاران امر تحقیق در
دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سطوح
مختلف مدیریتی و اجرایی مهارت کامل در
هدایت تحقیقات دانشگاهی داشته باشند.

— صدورصد دست‌اندرکاران امر تحقیق در
دانشگاههای علوم پزشکی کشور مجهز به
سیستم گزارش دهی مستمر و دقیق به
سیاستگذاران کشور در بُعد کلان باشند.

— نظارت و ارزشیابی سطوح مختلف
پژوهش به طور صدورصد و کامل انجام شود.
— تغییر نگرش و عملکرد اعضای هیأت
علمی دانشگاهی نسبت به امر تحقیق و
ضرورت آن به گونه‌ای که تعداد مقالات و
کتابهای چاپ شده در هر سال دو برابر تعداد
اعضای هیأت علمی هر دانشگاه باشند.

— رشد کمی و کیفی طرحهای تحقیقاتی به
گونه‌ای که تعداد طرحهای تحقیقاتی، یک سوم
تعداد اعضای هیأت علمی و شامل ۳۰ درصد
طرحهای بنیادی و ۷۰ درصد طرحهای
کاربردی و توسعه‌ای باشد.

— صد درصد پایان نامه‌های دوره پزشکی
عمومی، دندان‌پزشکی، پیراپزشکی و سایر
رشته‌های وابسته، تحقیقی باشند.
— اصلاح ساختار تحقیقات در دانشگاهها
و مؤسسات تحقیقاتی در حد مطلوب.

**□ ارتقاء سطح تحقیقات و به‌کارگیری
روشهای تحقیق مناسب**

— صدورصد طرحهای تحقیقاتی تدوین شده
در مراکز دانشگاهی از روش‌شناسی مناسب
تحقیق برخوردار باشد. به گونه‌ای که، نتایج آنها
بتواند در قالب مقاله در مجلات داخلی-
خارجی منتشر شود.

**□ به‌کارگیری تحقیقات کاربردی برای رفع
نیازهای اساسی کشور و جهان اسلام**

— انجام دادن تحقیقات کاربردی برای رفع
نیازهای اساسی کشور در خصوص مشکلات
مربوط به بهداشت، درمان، دارو، آموزش و
مسائل دانشجویی و فرهنگی؛

— به‌کارگیری تحقیقات کاربردی برای
اصلاح نظام بهداشتی، درمانی و آموزش
پزشکی کشور؛

— بهره‌گیری کامل از نظام اطلاع‌رسانی
زیست‌پزشکی (HBI) و نظام ثبت اطلاعات
آمار حیاتی؛

— کمک به طراحی، تدوین و اجرای
تحقیقات پزشکی در جهان اسلام.

**□ تربیت محققان و توسعه مراکز تحقیقاتی
علوم پزشکی**

— به حد نصاب رساندن پژوهشگران علوم
پزشکی به تعداد بیشتر از ۷۰۰ نفر به ازای
هر یک میلیون جمعیت؛

— افزایش تعداد مؤسسات تحقیقاتی به
بیش از ۲۰۰ واحد؛

— افزایش کارکنان پژوهش به تعداد بیش از
۲۰۰۰ نفر در هر میلیون نفر جمعیت؛

— افزایش تعداد کتابهای موجود در
کتابخانه‌های پزشکی به بیش از ۱/۹ میلیون
جلد کتاب.

**□ حاکمیت اخلاق در پژوهش و نظارت بر
تحقیقات انسانی**

— رعایت اصول اخلاق در پژوهش در
خصوص کلیه تحقیقات کشور؛

— تصویب طرحهای تحقیقاتی براساس
معیارهای مصوب از نظر اصول و مبانی
اخلاقی؛

— نظارت کامل بر تحقیقات پزشکی کشور
به‌ویژه تحقیقات انسانی برای جلوگیری از
مغایرت بودن با ارزشهای اسلامی انسان و
رعایت اصول آزادی فردی.

**راهبرد تعیین شده برای تحقق اهداف ایران
۱۴۰۰ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی**

۱- تشویق، تقویت و اشاعه فرهنگ بررسی،
پژوهش و ابتکار در تمام زمینه‌های علوم
پزشکی؛

۲- گسترش تحقیقات، رفع مشکلات
موجود در تحقیقات علوم پایه پزشکی، علوم
بالینی، نظام بهداشتی، آموزشی و درمانی؛

۳- هدایت و کاربردی کردن تحقیقات بر
اساس نیازهای کشور؛

۴- استمرار و تداوم بهره‌گیری از نیروی
محقق و ایجاد انگیزه‌های لازم؛

۵- بهره‌گیری از نتایج تحقیقات در
برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاریها؛

۶- افزایش اعتبارات تحقیقاتی با جهت
دهی سهمیه‌ای به اولویتهای محوری؛

۷- تخصیص سهم مناسب و اصلی تحقیقات
در علوم پزشکی به تحقیقات پایه و کاربردی؛

۸- افزایش تعداد مؤسسات پژوهشی؛

۹- افزایش تعداد محققان، کارشناسان و تکنسین‌های پژوهشی از ۲۴۰ نفر در هر میلیون نفر به ۷۲۵ نفر در هر میلیون نفر؛

۱۰- فراهم سازی زمینه‌های مناسب افزایش متوسط رشد سالانه تعداد طرح‌های تحقیقاتی از حداقل ۴۸۲ طرح (متوسط افزایش سالانه در وضع کنونی) به ۳۲۵۲ طرح (متوسط افزایش سالانه تا سال ۱۴۰۰)؛

۱۱- ایجاد تسهیلات لازم برای مبادله اطلاعات علمی از طریق فرصت‌های مطالعاتی و بورس‌های تحقیقاتی و تشکیل سمینارها و کنگره‌های علمی و پژوهشی؛

۱۲- تأسیس مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور به منظور تمرکز در اجرای سیاست‌های تحقیقاتی؛

۱۳- انتقال فن‌آوری و دانش فنی به منظور ایجاد ساختار مناسب جذب سرمایه‌های خارجی برای علوم جدید مانند بیوتکنولوژی و تشویق بخش خصوصی و مشارکت در اجرای طرح‌های تحقیقاتی با همکاری سازمان‌های بین‌المللی؛

۱۴- تدوین برنامه ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور با اهداف زمانبندی شده در راستای برنامه‌های کلان توسعه‌ای کشور؛

۱۵- ایجاد هماهنگی درون بخشی و برون بخشی علوم پزشکی با سایر علوم برای جذب امکانات و بالابردن توان و کارایی؛

۱۶- توسعه فعالیت‌های آمار حیاتی در کشور برای ثبت و دسترسی سریع به اطلاعات مستمر و جاری آمار حیاتی به منظور تبیین مشکلات موجود و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات؛

۱۷- ارزیابی برنامه‌های تحقیقاتی در دست اجرا و تعیین نقاط ضعف و قوت و اعلام آن به مراکز اجرایی کشور؛

۱۸- نظارت بر کلیه تحقیقاتی که در زمینه علوم پزشکی در کشور انجام می‌شود؛

۱۹- تقویت نظام اطلاع رسانی علوم پزشکی کشور.

* این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۴ از سوی معاونت تحقیقات و ژنرال بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اختیار دفتر فصلنامه دریافت قرار داده شده است.

کشور و در نهایت آفرینش محیطی اطمینان بخش برای کارگزاران اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است.

۳- با فرض تحقق همه این شرایط، رشد آینده اقتصاد ایران را با تأکید بر نقش محوری و راهبردی بخش صنعت برای ایجاد اشتغال، دستیابی به تولید انبوه و صادرات صنعتی، می‌توان در گزینه‌های متفاوت مطرح ساخت که هر یک از آنها الزامات و پیش‌نیازهای خاص خود را می‌طلبد. شایان توجه است که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی ایران طی سه دهه گذشته، ۴/۳۵ درصد بوده است. از سوی دیگر، اقتصادهای ۸ کشور آسیای شرقی با عملکرد صادراتی چشمگیر در طول ۲۵ سال (۱۹۶۵-۹۰) به طور متوسط ۵/۵ درصد رشد سالانه داشته‌اند که بین حداقل ۴ درصد (مالزی) تا اندکی بیش از ۷ درصد (تایوان و کره جنوبی) متغیر بوده است. در همین حال، پیش‌بینی‌های بانک جهانی حکایت از آن دارد که ظرف دهه ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵، رشد کل اقتصاد جهان سالانه به طور متوسط ۳/۵ درصد، اقتصادهای در حال توسعه ۵/۳ درصد، خاورمیانه و شمال آفریقا ۲/۹ درصد و آسیای شرقی - با بالاترین میزان رشد در این دوره - ۷/۹ درصد خواهد بود. ایران با داشتن موقعیت استراتژیک و ژئواکونومیک و مدیریت معطوف به رشد و سازندگی، این توانایی را خواهد داشت که در صورت نهادسازی و فضاسازی مناسب، به رشدی بالاتر از رشد متوسط منطقه دست یابد.

به این نکته کلیدی نیز باید عنایت داشت که با وجود گستردگی و ژرفای رقابت بین‌المللی، نقش نوآوری و تحول فن‌آوری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها و نیز مشکل دستیابی به مزیت‌های رقابتی، فرایند رشد در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های آینده بسیار دشوارتر از گذشته خواهد بود و به رغم فرصت‌های تازه در عرصه تجارت جهانی، این کشورها و از جمله ایران با چالش‌های عمده مواجه خواهند بود.

۴- در بررسی‌های انجام شده برای رشد اقتصادی ایران سه گزینه بر مبنای رشد ۵ درصد، ۷ درصد و ۸ درصد پیش‌بینی شده است که گزینه نخست به تعبیری ادامه روند

راهبردهای وزارت صنایع برای ایران ۱۴۰۰



جهت‌گیری‌های اصلی برنامه توسعه صنعتی در افق ۱۴۰۰ با عنایت به گرایش‌ها و روندهای آینده اقتصاد جهانی و تحولات آتی در ساختار مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای برای دستیابی به جامعه‌ای پیشرفته و برخوردار از صنعتی نیرومند، پویا، رقابت‌پذیر و قابل انعطاف براساس تصویرسازی از موقعیت کنونی و آینده اقتصاد کشور شکل گرفته است.

۱- محورهای راهبردی برنامه ایران ۱۴۰۰ در وضعیت جدید بین‌المللی و با توجه به اهمیت ایجاد مشاغل مولد، رشد تولید در اقتصاد ملی، ضرورت تحول در مبنای فنی تولید و افزایش بهره‌وری، وجود رقابت شدید و گسترده در عرصه تجارت جهانی و نیز قطع وابستگی به نفت، ناگزیر باید بر بنیاد اقتصادی باز، رقابتی و معطوف به تولید انبوه و صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تکیه کند.

۲- ایجاد نظم تولیدی با هدف گسترش صادرات و بویژه صادرات صنعتی مستلزم نهادسازی و بازآرایی اقتصاد ملی، درهم‌آمیزی مناسب و راهبردی با اقتصاد بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه منابع انسانی و تحول فن‌آوری، بسترسازی برای گسترش رقابت با تکیه بر آزادسازی اقتصادی، به کارگیری سازوکار بازار، خصوصی سازی و توسعه بخشی خصوصی، محدود کردن اعمال تصدی و کاهش سهم دولت در اقتصاد ملی، دگرگونی در شیوه دخالت‌های دولت در فعالیتهای اقتصادی و جهت دادن آن به سمت مدیریت راهبردی و برنامه‌ریزی‌های کلان توأم با ظرفیت‌سازی در داخل دولت برای ارتقاء کیفی سیاست‌گذاریها و اداره امور اقتصادی - اجتماعی

رشد گذشته اقتصاد کشور برای دوره ۲۵ سال آینده است. این آهنگ رشد با توجه به روندهای جمعیتی و نیازهای ارزی ناشی از افت درآمدهای نفتی و ضرورت سرمایه‌گذاریهای جبرانی معطوف به نوسازی پایه صنعتی کشور، نمی‌تواند به قدر کافی پاسخگوی الزامات ناشی از ایجاد شغل و درآمد و فرایندهای صنعتی شدن اقتصاد کشور باشد. در گزینه ۵ درصد رشد تولید ملی، میزان بیکاری آشکار به حدود ۱۶ درصد جمعیت فعال افزایش خواهد یافت، رشد بهره‌وری در کل اقتصاد به حدود ۲/۵ درصد محدود شده و اشتغال اضافی در بخشهای کشاورزی و خدمات به وضوح عوارض بیکاری پنهان را در این دو بخش نمودار خواهد ساخت. در چنین چشم‌اندازی، گسترش بخش دولتی به منزله عامل نهایی استخدام و مقابله با گسترش بیکاری در کشور کماکان ادامه خواهد یافت که طبعاً با ایجاد فضای مناسب برای بخش خصوصی تولیدکننده با هدف تحول کمی و کیفی در صادرات کشور مغایرت خواهد داشت.

برای پرهیز از وقوع چنین وضعیتی و دستیابی به هدفهای اقتصادی - صنعتی کشور، ناگزیر باید رشد بالاتری برای تولید ناخالص داخلی به اندازه تقریبی بیش از سه برابر رشد جمعیت در نظر گرفت که بتواند:

- مشکل بیکاری را برطرف سازد؛
- امکانات رشد و تعادلهای بخشی را در حد مناسب فراهم کند؛
- بهره‌وری در بخشها را افزایش دهد و از فاصله بین بهره‌وری در بخشهای بکاهد؛
- امکان تحول مبانی فنی تولید را ایجاد کند؛
- از گسترش بی‌تناسب بخش عمومی که عامل بازدارنده‌ای برای توسعه بخش خصوصی و صنعتی شدن کشور است جلوگیری کند؛
- امکان سرمایه‌گذاری در بخشهای مدرن اقتصاد، تولید انبوه و صدور کالاهای صنعتی را به منزله جایگزین نفت فراهم سازد.

با توجه به موارد یادشده و بررسیهای امکان‌سنجی و نیز در نظر گرفتن جذب و جلب منابع و سرمایه‌های خارجی، گزینه‌های رشد ۷ درصد و ۸ درصد تولید ملی تا سال ۱۴۰۰

طراحی شده است.

انتخاب رشد ۷ درصد و ۸ درصد در کنار هم به این منظور صورت گرفته است که نشان داده شود اختلاف یک درصد در رشد دوره بلندمدت ۲۵ ساله تا چه حد می‌تواند تفاوت فاحشی را در اندازه اقتصاد و ترکیب آن از نظر تولید، ایجاد درآمد و صادرات کالا ایجاد کند و ضرورت تلاش گسترده‌تر مردم، دولت و کارگزاران اقتصاد کشور بویژه بخش خصوصی و الزامات فضا سازی در سطوح ملی و بین‌المللی را منعکس سازد. همین اختلاف یک درصد در اندازه رشد در افق ۲۵ ساله، تولید ناخالص داخلی سرانه را از حدود ۷ هزار دلار (در گزینه ۷ درصد) به بیش از ۹ هزار دلار (در گزینه ۸ درصد) خواهد رساند.

پارهای از یافته‌های سه گزینه رشد آینده اقتصاد ملی، بخش صنعت و صادرات کالاهای صنعتی را در قیاس با یکدیگر و در افق ۱۴۰۰ می‌توان چنین خلاصه کرد:

گزینه رشد ۵ درصد برای اقتصاد ملی

- تولید ناخالص داخلی کشور برابر ۴۶۷ میلیارد دلار؛
 - سرانه تولید ناخالص داخلی برابر ۳۸۹۲ دلار؛
 - رشد بخش صنعت ۷ درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی ۲۳/۸ درصد؛
 - رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط ۴/۵ درصد در سال؛
 - جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن ۹/۵ میلیون نفر؛
 - میزان بیکاری در کل اقتصاد ۱۵/۸ درصد؛

- صادرات کالاهای صنعتی ۴۹ میلیارد دلار، سهم آن در کل صادرات کشور ۷۰ درصد و میانگین رشد سالانه طی دوره ۲۵ ساله ۱۴/۹ درصد.

گزینه رشد ۷ درصد برای اقتصاد ملی

- تولید ناخالص داخلی کشور برابر ۷۷۷ میلیارد دلار؛
 - سرانه تولید ناخالص داخلی برابر ۷۰۶۴ دلار؛
 - رشد بخش صنعت ۹/۷ درصد و سهم

آن در تولید ناخالص داخلی ۲۸ درصد؛

- رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط ۵/۳ درصد در سال؛
 - جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن ۱۴/۳ میلیون نفر؛
 - میزان بیکاری در کل اقتصاد ۵/۶ درصد؛
 - صادرات کالاهای صنعتی ۱۰۵/۶ میلیارد دلار، سهم آن در کل صادرات کشور ۸۰ درصد و میانگین رشد سالانه طی ۲۵ سال ۱۸/۱ درصد.

گزینه رشد ۸ درصد برای اقتصاد ملی

- تولید ناخالص داخلی کشور برابر ۹۴۴ میلیارد دلار؛
 - سرانه تولید ناخالص داخلی برابر ۹۰۹۲ دلار؛
 - رشد بخش صنعت ۱۱/۲ درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی ۳۰ درصد؛
 - رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط ۶/۲ درصد در سال؛
 - جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن ۱۳/۷ میلیون نفر؛

- میزان بیکاری در کل اقتصاد ۵ درصد؛
 - صادرات کالاهای صنعتی ۱۵۰ میلیارد دلار و سهم آن در کل صادرات کشور ۸۵ درصد و میانگین رشد سالانه طی ۲۵ سال حدود ۲۰ درصد.

در سه سناریوی مطرح شده، سه سطح متفاوت جمعیتی ۱۲۰، ۱۱۰ و ۱۰۳/۸ میلیون نفر برای سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است. این اختلاف ناشی از موارد زیر است:

(الف) رابطه معکوس بین رشد اقتصادی و رشد طبیعی جمعیت؛

(ب) ضرورتها و الزامهای اقتصادی - اجتماعی و ارتباط آگاهیه‌های اجتماعی و کنترل میزان زاد و ولد جمعیت در فرایند رشدهای بالاتر اقتصادی؛

(ج) تفاوت در پایه‌های آماری و پیش‌بینیهای جمعیتی آینده.

راهبردها و جهتگیریهای توسعه صنعتی

راهبردهای اصلی توسعه صنعتی کشور در سالهای آینده، الزاماً باید معطوف به انتخاب خط‌مشیها و سیاستهایی شود که زمینه رشد

فزاینده و تنوع تولیدات صنعتی را به گونه‌ای پیوسته و پایدار فراهم سازد و حضور ایران را در بازارهای جهانی در ابعاد گسترده - همانند کشورهای نوظهور صنعتی - امکانپذیر سازد. جهتگیریهای راهبردی مهم بخش صنعت کشور در چهارچوب رشد و توسعه اقتصاد ملی به قرار زیر خواهد بود:

نقش راهبری و سیاستگذاری دولت

فعالیت بخش دولتی حداقل در دهه اول دوره ۲۵ ساله در شاخه‌های راهبردی و اساسی کماکان ادامه خواهد یافت اما در صورت آمادگی بخش خصوصی و به منظور آزاد کردن مسئولیت دولت و تمرکز آن در فعالیتهای زیربنایی و ارائه خدمات اجتماعی، نباید هیچ‌گونه محدودیتی برای فعالیت بخش خصوصی در زمینه‌هایی که اکنون دولت درگیر آن است به وجود آید.

سیاستهای صنعتی و بازرگانی براساس تقسیم کار و هماهنگی بین بخش دولتی و سرمایه‌گذاران خصوصی، به گونه‌ای ثابت، باید عامل تشویق‌کننده بخش خصوصی به سرمایه‌گذاریهای بیشتر باشد.

دولت باید حمایت از هر گونه فعالیت تولیدی و سازنده بخش خصوصی را مورد توجه قرار دهد و از اعمال سیاستهایی که سبب رقابت نابرابر با بخش خصوصی شود جداً احتراز نماید.

به طور کلی، محدود ساختن حیطه دخالتها و مسؤولیتهای دولت در زمینه توسعه صنعتی و سپردن تدریجی این فعالیتها به بخش خصوصی، از جمله اقدامات اساسی و سرنوشت‌ساز در فراگرد صنعتی کردن کشور طی سالهای آینده به شمار می‌رود و نقش دولت عمده‌تأ باید به ایجاد بسترهای مناسب برای فعالیت گسترده‌تر بخش خصوصی و ایجاد رقابت و سازماندهی بازارها و... معطوف شود.

در فرایند بلندمدت توسعه اقتصادی - صنعتی کشور، بتدریج با کوچک شدن حیطه سازمانی دولت، دخالتهای مقداری و کنترل‌های مستقیم دولت کم رنگ می‌شود و نقش اصلی دولت به راهبری و سیاستگذاریهای کلان صنعتی محدود خواهد شد.

توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی

اصلاح مسیر و هدایت سرمایه‌های خصوصی از بخشهای خدماتی غیر مولد به سمت بخش صنعت، جوهر اصلی تحول کمی و کیفی رشد و توسعه اقتصادی آینده است. از آنجا که سرمایه‌گذاری در خصوص منابع داخلی به تنهایی قادر به تأمین هدفهای رشد با میزانهای بالای موردنظر در چشم‌انداز آینده توسعه صنعتی کشور نیست، بنابراین، جذب سرمایه خارجی با رعایت مصالح اقتصادی - سیاسی بلندمدت کشور برای حفظ آهنگ پیوسته صنعتی، تقویت توان فن‌آوری، ظرفیت‌گستری صنعتی و حضور در بازارهای پیوند یافته جهانی الزامی است.

زمینه‌سازی اصلاحات دیدگاهی، ساختاری و اقتصادی (مالی، بازرگانی، ارزی، پولی، بانکی، بیمه و...) و دگرگونی در نهادها، سازمانها و قوانین موجود به گونه‌ای که مشوقهای بیشتر و مشکلات کمتری برای سرمایه‌گذاریهای صنعتی اعم از داخلی و خارجی فراهم سازد، شرط نخستین هرگونه حرکت توسعه جویانه صنعتی محسوب می‌شود.

تأمین اهداف بلند پروازانه صادرات از طریق گسترش بخش صنعت بدون حضور فعال یک بخش خصوصی توانمند و علاقمند به توسعه فعالیتهای تولیدی در کشور و بدون همکاری شرکتهای بزرگ تولیدی - تجاری خارجی با شرکتهای تولیدکننده داخلی، میسر و ممکن نیست. چنین همکاریهایی می‌تواند با استفاده از تجارب کشورهای نوظهور صنعتی و موفق در عرصه صادرات محصولات صنعتی و پس از بازاریابی و فضا سازیهای لازم صورت پذیرفته تحرک مطلوبی را در فعالیتهای اقتصادی - صنعتی آینده کشور به وجود آورد. افزایش تدریجی سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی، بدون شک در گرو انجام دادن مجموعه تحولات و اصلاحاتی خواهد بود که شرایط و زمینه لازم را برای گسترش فعالیتهای بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران همکاریهای مشترک داخلی - خارجی فراهم سازد.

برونگرایی و توسعه صادرات صنعتی

محور اصلی توسعه صنعتی آینده کشور، رشد و

افزایش سهم صادرات صنعتی است. این فرایند با توجه به روندهای درهم‌آمیزی جهانی مستلزم بازکردن اقتصاد، برونگرایی، آزادسازیهای تجاری، کنترل‌زدایی و درهم‌آمیزیهای منطقه‌ای است. نظر به اهمیت جایگزین کردن صادرات نفت با صادرات کالاهای صنعتی، جهتگیریهای اساسی برای گسترش صادرات صنعتی که از برنامه اول توسعه روند مناسبتری یافته است، باید تداوم یابد.

در جهت کاهش هزینه تولید و رشد صادرات صنعتی، زمینه‌های لازم برای بهره‌برداری از ظرفیتهای اضافی صنایع باید فراهم آید. برقراری مشوقهایی نظیر اعطای اعتبارات صادراتی با سود بانکی قابل رقابت در بازارهای خارجی، کاهش موانع تجاری و حذف مالیات به سود صادرکنندگان کالاهای صنعتی، کمکهای مالی و تسهیل شرایط استرداد حقوق گمرکی نهاده‌های وارداتی مورد نیاز در تولید کالاهای صادراتی و نیز کمک برای بازاریابی کالاهای صنعتی صادراتی باید مدتوجه قرار گیرد.

سیاستهای اقتصادی کشور باید در این راستا به گونه‌ای طراحی و اعمال شود که ثبات رویکردهای صادراتی را بویژه در زمینه صادرات محصولات صنعتی، طی دوره میان‌مدت و بلندمدت تداوم بخشد. دولت باید با هرگونه مانعی که در راه افزایش صادرات صنعتی کشور وجود دارد یا در آینده ممکن است ایجاد شود به سرعت مقابله و تصمیمات و اقدامات اجرایی هماهنگی را در جهت رفع آنها اتخاذ نماید. سیاست توسعه پیوسته صادرات صنعتی باید به منزله یکی از مهمترین هدفهای ملی تلقی گردد.

رقابت‌پذیری و سازمان صنعتی

دگرگونی در کیفیت تقاضاهای بازار و سلیقه مصرف‌کننده و همچنین جهانی شدن بازارها و تقاضا، از ویژگیهای تولید و تجارت جهانی به شمار می‌رود. انعطاف‌پذیری بخش صنعت برای پاسخگویی به این ضرورت، اهمیت خدمات تحقیق و توسعه، طراحی، مهندسی و سازماندهیهای نوین صنعتی را در عرصه صنایع آینده بیش از پیش آشکار می‌سازد. افزایش

رقابت‌پذیری در شرایط درهم‌آمیزیهای بین‌المللی و تحولات فن‌آوری، به هماهنگ شدن هر چه بیشتر با این دگرگونیها و تقویت قابلیت‌های تولید کالاهای جدید در پهنه بازارهای داخلی و خارجی وابسته است. بنابراین، نگاه‌های صنعتی و صنعتگران باید تشویق شوند که با اتخاذ راهبردها و روشهای جدید، کالاهایی با سطح قابل‌پذیرش بالا و متناسب با بازار جهانی تولید کنند. واحدهای صنعتی که خود را با این تغییر و تحول جهانی هماهنگ نسازند به طور طبیعی از گردونه ورود به میدان تجارت کالا در بازارهای بین‌المللی خارج خواهند شد. توسعه زیربنایها، گسترش شبکه‌های ارتباطی با خارج، ایجاد فضای مناسب برای ابتکارات بخش خصوصی و تقویت بخش خدمات مدرن و پویا و معطوف به بازار جهانی، از الزامات تحکیم مبانی رقابت‌پذیری به شمار می‌رود.

ارتقاء توانمندیهای فن‌آورانه

پژوهشهای علمی و فنی و گسترش مراکز تحقیق و توسعه در واحدهای صنعتی، عامل اساسی استقلال صنعتی و زیربنایی برای ایجاد تحولات در بخش صنعت به شمار می‌آید. هدف از ایجاد این فرایند در بخش صنعت، دستیابی به توانایی به کارگیری نتایج تحقیقات در طراحی کارخانجات و تولید انواع محصولات صنعتی با کیفیت بهتر و هزینه کمتر است. تأسیس چنین مراکزی در واحدهای بزرگ صنعتی و تعمیم یافته‌های آنها در سطوح مختلف صنایع متوسط و کوچک با هدف تعمیق فرایند صنعتی کردن کشور، طی سالهای آتی باید مورد تأکید قرار گرفته کمک‌ها و مشوقهای مالی و اعتباری لازم به آن اختصاص داده شود.

در جهت تسهیل فرایند انتقال، انطباق و ارتقاء و انتشار فن‌آوری جدید، باید مراکز تحقیقاتی و یا شرکتهای خدماتی فنی و مهندسی تخصصی ایجاد و گسترش یابد.

صنایع با ارزش افزوده بالا

گرایش به سمت صناعی که تولیدات با ارزش افزوده بالاتر به بازارهای داخلی و خارجی عرضه کنند، از جمله ضرورت‌های مهم آینده به

شمار می‌رود. الزامات این تحول، سرمایه‌گذاری، به کارگیری فن‌آوری پیشرفته در شاخه‌های راهبردی صنعتی، اعمال مجموعه تدابیر و اجرای طرحهای منسجم در زمینه توسعه منابع انسانی و استفاده بهینه از آن در همه رشته‌های صنعتی و نیز ورود به حوزه‌ها و مرزهای جدید تولید صنعتی است.

پیوند بین صنایع بزرگ با صنایع کوچک و متوسط

استفاده از مقیاس بزرگ تولید در صنایع، برپایی و تقویت مجتمع‌های صنعتی - تجاری رقابتی برای دستیابی به تولیدات انبوه و با هدف گسترش صادرات، از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت اجتماعی سرمایه‌گذاریهای بزرگ عامل عمده شکل‌گیری واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی است. ایجاد مشوقهای لازم برای تقویت گرایش به سرمایه‌گذاری در واحدهای بزرگ صنعتی و هماهنگ ساختن فعالیت آنها در پیوند با صنایع کوچک و متوسط، گامی اساسی و حیاتی در تحولات آینده صنعتی کشور محسوب می‌شود. تقویت پیوندهای بین صنعتی و گسترش نهادهای پیمانکاری فرعی شبکه‌های افقی و عمودی تولید با به کارگیری واحدهای کوچک و متوسط بویژه در زمینه تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای منتخب در جهت کاهش واردات و توسعه صادرات و نیل به مرحله‌ای از توسعه صنعتی با درهم آمیختگی تولیدی بیشتر، مورد تأکید است. سرمایه‌گذاری بر روی صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، باید از اولویت بیشتری برخوردار شود.

صنعتی شدن و توسعه پایدار

باتوجه به رشد روزافزون جمعیت و گسترش شهرنشینی از یکسو و ازدیاد واحدهای صنعتی در سطح شهرها و روستاها از سوی دیگر و به منظور احتراز از انواع آلودگیهای زیست محیطی، بهبود شرایط تولید صنعتی، حفاظت از محیط‌زیست فضاهای شهری و روستایی و نیز استفاده بهینه از منابع طبیعی تجدیدشونده یا تجدیدناشدنی، سیاست آمایش صنعتی باید به گونه‌ای درست برنامه‌ریزی شده هماهنگ با دستگاههای مختلف تصمیم‌گیر در زمینه

توسعه فعالیتهای صنعتی، طراحی و به اجرا گذاشته شود.

رعایت اصل «صنعت برای زیست موجودات زنده و در خدمت زندگی بهتر» باید با تأکید بسیار مورد توجه قرار گیرد.

چهارچوب سیاستها و اقدامات مشخص برای توسعه صنعت

در قالب راهبردها و خط‌مشیهای پیش‌گفته، برخی سیاستها و اقدامات مشخص را که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت زمینه لازم برای تسهیل و تسریع جریان توسعه صنعتی را فراهم می‌کند، به شرح موارد زیر می‌توان برشمرد:

- قیمت عوامل تولید و سایر نهاده‌ها و از جمله ارز، باید به گونه‌ای تعیین شود که منعکس‌کننده ارزش واقعی آنها باشد. این امر، شرط لازم برای به کارگیری و استفاده بهینه از عوامل و نهاده‌های تولید و رسیدن به حداکثر بازدهی اقتصادی است.

- پایین نگهداشتن مصنوعی نرخ بهره یا بازده بانکی و نرخ ارز و بالانگهداشتن مصنوعی نرخهای دستمزد در اقتصاد وابسته به واردات - که با مازاد نیروی کار و مشکل بیکاری روبه‌رو است - به جریان تجهیز مؤثر و تخصیص مطلوب منابع خدشه وارد می‌سازد. مجموعه این نرخها باید به صورت واقع‌بینانه‌ای تعیین شود.

- ساختار انگیزشی در زمینه جایگزینی واردات و توسعه صادرات باید به گونه‌ای تنظیم شود که تبعیضی به نفع یک زمینه راهبردی و به زیان دیگری نباشد. به عبارت دیگر، تعیین واقع‌گرایانه نرخ ارز، کاستن و به حداقل رساندن محدودیتهای مقداری، برقراری تعرفه‌های یکنواخت و پایین وارداتی، برداشتن محدودیتهای تحمیلی بر صادرات و حذف مالیات بر صادرات کالاهای صنعتی، از عناصر مهم یک ساختار انگیزشی مطلوب برای رشد تولید و صادرات محصولات صنعتی است.

- کاهش هزینه‌ها، ارتقاء فن‌آوری و بهبود کیفیت محصول واحدهای صنعتی، مستلزم ایجاد و گسترش فضای رقابتی است. از همین رو، مقررات و قوانینی که موجب کاهش رقابت و مانع جابه‌جایی و تحرک سرمایه و نیروی کار می‌شود، باید بتدریج کاهش و سپس حذف

شوند. به این ترتیب، زمینه‌های تحرک عوامل تولید و توسعه فن‌آوری و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت انحصار و انباشت هزینه‌های اجتماعی غیر ضروری و نیز زمینه‌های جلوگیری از گسترش خسارت‌های زیست محیطی فراهم می‌آید.

– نقش بخش عمومی باید به تأمین و فراهم‌سازی زیربنای فیزیکی و انسانی از جمله اطلاع‌رسانی‌های مالی – اقتصادی که تصمیم‌گیرهای تجاری – صنعتی را تسهیل می‌کند، محدود شود. از همین رو، فعالیتهای تولیدی، توزیعی، ساختمانی و تجاری بخش عمومی که می‌تواند با هزینه اجتماعی کمتر و با سرمایه خصوصی انجام پذیرد باید بتدریج به بخش خصوصی واگذار شود و منابع بخش دولتی که به این ترتیب آزاد خواهد شد در فعالیتهای زیربناسازی، خدمات اجتماعی، توسعه نیروی انسانی، برنامه‌ریزی در توسعه بازارها و... متمرکز می‌شود.

– شرکتهای دولتی و بنگاههای بخش عمومی، غالباً غیر کارآمد و از نظر مالی و اقتصادی زیان ده هستند. این بنگاهها باید در نهایت امر خصوصی شوند و برخی از آنها که باری بر دوش اقتصاد ملی هستند تعطیل گردند. چنین روندی باید براساس برنامه‌ای مدون و زمانبندی شده انجام پذیرد.

– شرکتهای دولتی و بنگاههای عمومی باید تابع همان قواعد و مقررات و فضای رقابتی حاکم بر بخش خصوصی باشند. این بنگاهها باید به گونه‌ای تجاری و از طریق ضوابط عملکرد مشخص فعالیت کنند و عملیات مالی آنها با شفافیت و حسابرسی توأم باشد. دولت باید از دخالت در این مؤسسات یا حمایت از آنها اجتناب کند.

– بنگاههای صنعتی کوچک و متوسط با توجه به ویژگیهایشان (سرمایه‌بری کمتر، استفاده بیشتر از نهادهای داخلی، تمایل بیشترشان به پس انداز و سرمایه‌گذاری، مهارت طلبی کمتر و همچنین قابلیت مشارکت موثر و کارآمدشان در قراردادهای فرعی) باید تقویت شوند و دسترسی آنها به منابع مالی، ارزی، فن‌آوری مناسب و خدمات افزایش یابد. دولت نباید از طریق حمایت غیرمنطقی از بنگاههای بزرگ به رشد طبیعی مالی و سازمانی بنگاههای

کوچک و متوسط آسیب برساند. موفقیت بنگاههای بزرگ در جوار عملکرد مناسب بنگاههای کوچک و متوسط، زمینه‌ساز رشد و توسعه صنعتی کشور است.

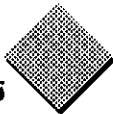
– خدمات مرتبط با صنعت و رشد آن از ابزارهای توسعه صنعتی و افزایش صادرات صنعتی است. توجه و حمایت از این گونه خدمات و ایجاد محدودیت برای گسترش خدمات غیر مولد در اقتصاد کشور و از جمله وضع مالیاتهای خاص بر معاملات این بخش، باید مورد تأکید قرار گیرد.

– حمایتهای اقتصادی – مالی در بخش صنعت باید به گونه‌ای سازمان یابد که از یکسو مانع رقابت و بهبود کارآمدی و بهره‌وری تولید نشود و از سوی دیگر، تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنعتی را به طور خاص پشتیبانی کند.

– شبکه‌های ستادی، عملیاتی و پشتیبانی بخش صنعت باید به گونه‌ای هماهنگ در جهت توسعه صنعتی و صادراتی کشور سازمان یافته و عمل کند. بازآرایی تشکیلاتی، نهادسازی و اصلاح سازوکارهای مرتبط با تصمیم‌گیرها در جهت رفع پیچیدگیهای قوانین و مقررات و ضوابط، حذف تداخل مسؤولیتها و کوتاه کردن مسیرهای اجرایی و نظایر آن، از نخستین اقدامات فراگرد توسعه صنعتی آینده به شمار می‌رود.

– شکستن انحصارات تولیدی – تجاری بخش دولتی و نهادهای شبه دولتی شرط لازم برای به وجود آمدن فضای رقابت در کشور و تقویت گرایشهای سرمایه‌گذاری مولد و بویژه در بخش صنعت، اقدامی مهم و اساسی به شمار می‌رود. بدون این اقدام، برای صنایع خصوصی دسترسی به منابع مالی و اعتباری، ارزی و فیزیکی و نیروی متخصص در شرایط نامساوی رقابتی با نهادهای بخش عمومی، امکانپذیر نخواهد بود.

***این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۲۰ از سوی وزیر صنایع در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.**



خلاصه برنامه راهبردی توسعه بخش معادن و فلزات تا افق ۱۴۰۰

مقدمه

از آنجا که یکی از مبانی قدرت اقتصادی هر کشور، تنوع منابع تأمین درآمدهاست، از این رو، کشورما از نظر اقتصادی در موقعیتی ممتاز نسبت به سه دهه اخیر قرار گرفته است زیرا با کاهش وابستگیهای اقتصادی چه از نظر مواد اولیه و چه به لحاظ فن‌آوری و نیروی متخصص و ماهر، نیاز به ارزهای حاصل از فروش نفت به پائینترین حد خود در سالهای اخیر رسیده است. اکنون فارغ از نوسانات بازار پرفراز و نشیب نفت که همواره تابعی از متغیرهای متعدد بوده، بخش معادن و فلزات با جایگزینی امکانات داخلی و اقتصادی کردن واحدها و رشد کمی و کیفی معادن و صنایع معدنی بخصوص صنایع مربوط به ذوب و فرآوری فلزات و... از طریق بالا بردن شاخص علمی نیروی انسانی، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی با صدور محصولات مازاد، ارز مورد نیاز برای سرمایه‌گذاریهای مربوط به توسعه و نوسازی کارخانجات موجود در این بخش و صنایع مکمل را فراهم آورده است که از این لحاظ در جهت کاهش اتکاء به ارز حاصل از فروش نفت نقشی اساسی را می‌توان به این بخش محول نمود. توسعه بخش معادن و فلزات با استفاده از تواناییهای داخلی و فن‌آوری ملی و با استناد به آمار میزان سرمایه‌گذاریها و بازگشت سرمایه، می‌تواند کوتاهترین زمان و مطمئنترین راه در بازگشت سرمایه‌گذاری و ارز آوری بدون وابستگی به نفت بخصوص در برنامه افق ۱۴۰۰ باشد.

مبانی فکری و سیر تحولات در بخش معادن و فلزات (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵)

مبانی فکری و سیر تحولات مدیریت در بخش معادن و فلزات (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵) به شرح موارد زیر خلاصه می‌شود:

□ افزایش تولید در واحدهای تحت پوشش تا حد ظرفیت اسمی؛
□ بازسازی تجهیزات و افزایش ظرفیت واحدها؛

□ کاهش هزینه‌های تولید؛

□ کاهش هزینه‌های ارزی؛

□ ارتقاء کیفیت محصولات و استفاده از سطوح قابل پذیرش معتبر بین‌المللی؛

□ کاهش قیمت‌ها در بازار، شکستن بازار سیاه و تعدیل قیمت‌ها؛

□ انتخاب و احداث واحدهای جدید بر مبنای حداکثر ارزش افزوده؛

□ اقتصادی کردن تولید در واحدها؛

□ اجرای نظام مدیریتی مناسب برای افزایش بهره‌وری؛

□ ایجاد استعدادهای صادراتی و دستیابی به درآمدهای ارزی؛

□ خصوصی سازی گسترده در بخش معادن؛

□ ایجاد واحدهای جانبی و کمکی برای تأمین مواد مورد نیاز بخش فلزات (ایجاد واحدهای آجر نسوز، فرو آلیاژها، فروسیلیسیم، فرومنگنز، فروکروم) و تجهیز و توسعه معادن مورد نیاز واحدهای موجود؛

□ کاهش اتکاء به تأمین ارز از دولت؛

□ کاهش شدید تأمین سرمایه از طریق منابع عمرانی برای اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری؛

□ تکمیل زنجیره‌های تولید؛

□ ایجاد مراکز تحقیق برای توسعه فرایندها و طراحی واحدها و انجام دادن تحقیقات کاربردی در این مراکز؛

□ بالابردن انگیزه برای صادرات در واحدها؛

□ ارتقاء سطح دانش نیروی انسانی واحدها با کاربردی کردن آموزش؛

□ تکمیل و بهره‌برداری از طرحهای بیمه تمام؛

□ اجرای طرحهای بزرگ در بخش فلزات

و صنایع معدنی (از جمله مجتمعهای فولاد مبارکه، معدنی گل‌گهر، معدنی چادر ملو، فولادهای آلیاژی، آلومینیوم المهدی، اسکله بندرعباس، طرح قائم، بازسازی و توسعه فولاد خوزستان و ...).

با توجه به گستردگی فعالیتهای معادن و فلزات، به لحاظ نشان دادن جهش و تحولات اساسی، برخی از موارد فوق در چند محور اصلی در طی هشت سال گذشته به شرح زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف) فولاد

□ ظرفیت تولید به ۶ برابر افزایش یافته است.

□ با افزایش تولید، علاوه بر رفع نیازهای داخلی و اشباع بازار، کشور از حالت واردکننده حدود ۴ میلیون تن در سال به صادرکننده ۱/۵ میلیون تن فولاد در سال تبدیل شده است.

□ از حالت خرید در فن آوری فولاد، کشور به سازنده، ابداع‌کننده و صادرکننده فن آوری فولاد تبدیل شده است.

□ هزینه سرمایه‌گذاریها به حدود یک سوم کاهش یافته است.

□ هزینه ارزی تولید فولاد از ۲۷۰ دلار به حدود ۷۰ دلار به ازاء هر تن کاهش یافته است.

□ اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری با کاهش ۲۰ هزار نفر نیروی انسانی از بخش دولتی و به کارگیری مجدد این نیروها در شرکتهای تشکیل شده به شکل خصوصی در ذوب آهن اصفهان.

□ ارتقاء سطح دانش فنی و مهارت با استفاده از مراکز آموزشی وزارت معادن و مرکز آموزش توحید و دانشگاهها.

□ انجام دادن تحقیقات لازم به منظور کاهش مصرف انرژی و همچنین کاهش مواد کمکی (از جمله نسوزها).

□ ایجاد مرکز تحقیق و توسعه بر اساس نیاز از جمله در ذوب آهن اصفهان.

□ تولید مواد اولیه داخلی و افزودنی و همچنین ساخت بیش از دو سوم قطعات در داخل.

□ خود اتکایی در سنگ آهن و افزایش تولید آن به میزان ۵ برابر و حذف واردات سنگ آهن.

□ اجرای برنامه خصوصی سازی از طریق واگذاری واحدهای جنبی و خدماتی و مجوز احداث به بخش خصوصی.

□ تبدیل صنایع آلوده کننده بخش به صنایعی تمیز با حفظ موازین زیست محیطی.

□ شکستن قیمت بازار سیاه داخلی و تبدیل نظام فروش بر اساس سهمیه به فروش آزاد.

□ ایجاد جایگاه جهانی در ردیف بیست و پنجمین کشور تولیدکننده فولاد (درجمع تولیدات فعلی) که با هدف تولید ۲۵ میلیون تن فولاد در افق ۱۴۰۰، ایران در زمره ۱۰ کشور اول جهان قرار خواهد گرفت.

ب) آلومینیوم

□ افزایش ظرفیت تولید از ۲۸ هزار تن به ۱۲۰ هزار تن؛

□ تبدیل کشور از واردکننده آلومینیوم به صادرکننده آن؛

□ کاهش هزینه سرمایه‌گذاری به حدود یک دوم مقیاس جهانی؛

□ توسعه صنعت آلومینیوم به ظرفیت حدود ۲ برابر بر مبنای طراحی و ساخت داخل؛

□ اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری به منظور تأمین مواد اولیه از داخل کشور؛

□ تبدیل سرمایه‌گذاری صد درصد دولتی به خصوصی از طریق مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی؛

□ دستیابی به فن آوری پیشرفته در ساخت آلومینیوم سبک؛

□ تبدیل فن آوریهای قدیمی و آلوده کننده به فن آوری مدرن و تمیز؛

□ ایجاد جایگاه جهانی برای کشور با هدف تولید ۱ میلیون تن آلومینیوم که بر اساس برنامه‌ریزیهای انجام شده، ایران جزو ۷ کشور اول تولیدکننده آلومینیوم در جهان قرار خواهد گرفت.

ج) مس

□ ظرفیت تولید کاتد از صفر به یکصد هزار تن و تولید آند از ۵۸ هزار تن به حدود دو برابر؛

□ صدور فلز مس به جای صدور مواد خام معدنی؛

□ توسعه ظرفیت مس به دو برابر وضع

موجود؛

□ احراز جایگاه جهانی برای کشور با هدف تولید ۱ میلیون تن که طبق برنامه‌ریزیهای انجام شده، ایران را در زمره ۵ کشور اول دنیا قرار خواهد داد؛

□ انجام دادن تحقیقات گسترده برای ساخت تجهیزات در داخل به گونه‌ای که قسمتی از طرح توسعه مجتمع مس سرچشمه و واحد ذوب سونگون در داخل ساخته شد؛
□ ارتقاء بهره‌وری با استفاده از فن‌آوریهای پیشرفته؛

□ شناخت ذخایر و اکتشافات جدید؛
□ اجرای طرح زیست محیطی.

د) روی

□ با احداث واحدهای جدید، ظرفیت تولید روی در کشور از صفر به ۶۵۰۰ تن در سال رسیده است؛

□ ظرفیت سازهایی جدید برای حدود ۱۰۰ هزار تن در سال؛

□ صدور فلز روی به جای صدور مواد خام؛

□ تبدیل طرح ۶۰ هزار تنی زنجان (با ارزشبری ۲۵۰ میلیون دلار) به واحدهای کوچک و با هزینه ارزی سرمایه‌گذاری کمتر به میزان ۷ میلیون دلار و ۱۰۰ میلیارد ریال؛

□ ایجاد جایگاه جهانی با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن برنامه‌ریزی شده، ایران را جزو ۵ کشور اول دنیا در تولید روی در افق ۱۴۰۰ درخواهد آورد.

ه) فروآلیاژها

□ ظرفیت تولید از صفر به ۱۱۷ هزار تن در سال و در افق ۱۴۰۰ برای تولید ۵۰۰ هزار تن انواع فروآلیاژ برنامه‌ریزی شده است؛
□ کشور از صد درصد واردکننده فروآلیاژ به صادرکننده آن تبدیل شده است؛
□ طراحی و ساخت تجهیزات در داخل به جای خرید تجهیزات خارجی.

و) نسوزها

□ افزایش ظرفیت تولید از ۹۰ هزار تن نسوزهای ارزان قیمت به دو برابر نسوزهای گران قیمت؛

□ کشور از واردکننده نسوز به صادرکننده آن تبدیل شده است؛
□ دستیابی به فن‌آوری ساخت در داخل؛
□ تولید ماده اولیه در داخل کشور؛
□ تحقیقات در افزایش کیفیت و تغییر کاربرد با ارتقاء بهره‌وری در مصرف؛
□ تولید ۵۰۰ هزار تن نسوزها برای افق ۱۴۰۰ برنامه‌ریزی شده است.

ز) فرآوری سنگ

□ صادرات سنگ فرآوری شده با ارزش افزوده بالاتر به جای صدور ماده خام؛
□ تبدیل روش انفجاری با آلودگی محیط زیست و تخریب معدن به روشهای مدرن استخراج و فرآوری با حفظ محیط زیست و افزایش بهره‌وری؛

□ احداث کارخانجات مدرن برش و فرآوری سنگهای تزئینی؛

□ جلب مشارکت خارجی برای احداث و ساخت کارخانجات فرآوری در داخل کشور؛

□ برنامه‌ریزی برای احداث گسترده واحدهای فرآوری برای ظرفیت ۴۰ میلیون متر مربع در افق سال ۱۴۰۰.

تحقیقات

یکی دیگر از اهدافی که طی فعالیت چند ساله وزارت معادن و فلزات دنبال شده، توسعه و رشد امر تحقیقات بوده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر اقدام به ایجاد مراکز بزرگ تحقیقات معدنی و متالورژی، این وزارتخانه موفق شده است طی برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) بیش از ۱۴۰ طرح و تا پایان سال ۱۳۷۳ تعداد ۱۷۱ طرح و پروژه تحقیقاتی کاربردی را به انجام می‌رساند و تنها در ۲ سال گذشته ۱۰۰ طرح تحقیقاتی به آن افزوده شده است که با نتایج حاصل آنها از خروج میلیونها دلار ارز جلوگیری و رشد چشمگیری در بهره‌وری واحدهای تولیدی حاصل شده و همراه با کاهش هزینه‌های ارزی تولید، کاهش مصارف انرژی و افزایش کارایی نیروی انسانی نقش مهمی در موفقیت بخش ایفا نموده است.

بر پایه مطالعات طرحهای جامع (از جمله طرحهای جامع فولاد، مس، آلومینیوم، سرب و روی)، راهبردهای رشد و توسعه ۲۰ ساله

بخش در زمینه‌های فلزات اساسی و معادن مربوطه تعیین شده که خود راهگشای سرمایه‌گذاریهای آینده کشور در این بخش است.

مبالغ هزینه شده در تحقیقات بخش معادن و فلزات از رقمی معادل ۶۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۶۷، به رقمی معادل ۶۰ میلیارد ریال در طول برنامه پنجساله اول افزایش یافته است.

احداث واحدهای نیمه صنعتی و سپس احداث واحدهای صنعتی زیربست در ابتدای برنامه دوم، میزان سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات را به سه برابر افزایش داده است. آثار اقتصادی ناشی از اجرای طرحها و پروژههای تحقیقاتی و مطالعاتی در ابعاد زیر در برنامه اول خلاصه می‌شوند:

۱- با اجرای ۲۷۰ طرح تحقیقاتی در هشت سال گذشته از خروج سالانه میلیونها دلار ارز جلوگیری شده است.

۲- کیفیت، کمیت و نیز تنوع تولیدات واحدهای در حال بهره‌برداری افزایش یافته است.

۳- انجام دادن تحقیقات آزمایشگاهی و سپس نیمه صنعتی (برخی از این طرحها یا به تولید رسیده و یا در آستانه طراحی صنعتی قرار دارند).

با توجه به اهمیت ویژه‌ای که این وزارت بر امر تحقیقات کاربردی قائل است، بسیاری از این طرحهای تحقیقاتی پس از احداث واحدهای نیمه صنعتی، به مرحله نهایی احداث واحد صنعتی منجر شده‌اند که از آن جمله می‌توان طرحهای ذوب روی، طرح تولید واحد ۳۰ هزار تنی فرومگنز، طرح تولید ۶۰۰ هزار تن احیاء مستقیم قائم، ساخت غلطکهای گریز از مرکز، تحقیقات و تولید و افزایش کیفیت مواد و آجرهای نسوز را نام برد.

همچنین، طرح تغییر و اصلاح روش بهره‌برداری از معادن سنگهای تزئینی کشور از روش انفجاری به روش سیم برش الماسه و اجرای این روش در واحدهای معدنی، از دستاوردهای فن‌آورانه این بخش است.

تحقیقات پیشرفته

ضرورت و اهمیت تلاش در جهت دستیابی به دانش و فن‌آوریهای پیشرفته و بهنگام، همواره

مورد تأکید مسئولان کشور بوده است. وزارت معادن و فلزات بر این اعتقاد است که توسعه پژوهشهای فراگیر در جهت حصول به دانش فنی و فن آوریهای مواد پیشرفته از اساسیترین فعالیتها در ۲۵ سال آینده خواهد بود. وزارت معادن و فلزات با توجه به موقعیتی که بر اساس توسعه زیر بناهای نرم افزاری و سخت افزاری طی برنامه های اول و دوم در کشور به وجود آمده است، با نگرش عمیق از هم اکنون در حیطه این فن آوریها گام برداشته است و در پرتو برنامه ریزیهای دقیق با اتکاء به دانش و توان متخصصان ایرانی، موفقیتهای قابل توجهی در طرحهای تحقیقاتی پیشرفته در سطح این وزارتخانه به دست آمده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تولید مولیبدن، دی سیلیساید از مواد اولیه مجتمع مس سرچشمه؛
- تولید آلیاژهای پیشرفته آلومینیوم با کارایی و خواص منحصر به فرد؛
- تولید آلومینیوم سبک که فن آوری تولید آن منحصرأ در اختیار کشورهای خاصی است؛
- استفاده از بیوتکنولوژی در استحصال مواد معدنی (طلا و مس).

اهداف و راهبردهای توسعه

هر کشوری برای توسعه اقتصادی پایدار بایستی به زمینه های دارای برتری نسبی خود متکی باشد. این زمینه ها می تواند به طور کلی شامل نیروی کار ارزان، فن آوری و نیروی کار ماهر و متخصص، منابع طبیعی و نظایر آنها باشد که از میان این زمینه ها، زمینه ای که کشور ما دارای امکانات و برتری نسبی فوق العاده ای است منابع طبیعی و مخصوصاً معدنی آن، انرژی و نیروی انسانی است. از همین روی، در تدوین راهبرد توسعه اقتصادی کشور بایستی به این مهم توجه خاصی داشت. اجرای این راهبرد بایستی با زیر بناهای قوی، پایدار و پویا انجام گیرد. بنابراین، لازم است همراه با اجرای راهبرد در زمینه تولید، بنیه فن آوری کشور در زمینه تولید نقشه های زمین شناسی با کیفیت مناسب و اکتشاف مواد معدنی و صنایع تبدیلی تقویت و تا مرحله صدور فن آوری پیگیری شود و تولید مواد پیشرفته و متناسب با کیفیت و قیمت های قابل رقابت در بازار جهانی در مقطع

سال ۱۴۰۰ برای صادرات و کسب سهم شایسته در بازار جهانی برنامه ریزی و به مرحله اجرا در بیاید.

خلاصه اهداف کیفی بخش معادن و فلزات

- تداوم رشد سریع و مستمر فعالیتهای معدنی، صنایع معدنی و فلزات در جهت ارتقاء ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و ایجاد درآمدهای ارزی با صادرات محصولات؛
- شناسایی ذخایر معدنی با روشهای پیشرفته کامپیوتری با انجام دادن پژوهشهای علوم زمین به منظور تعیین زمینه های فرآوری؛
- انجام دادن مراحل ارزش افزایی هر چه بیشتر در فرآوری مواد معدنی و فلزات در جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر به منظور تأمین نیازهای داخلی و صادرات؛
- ارتقاء سطح فن آوری در بخش معادن و فلزات همسو با فن آوریهای پیشرفته جهانی؛
- دستیابی به پیشرفته؛
- به دست آوردن سهم مناسبی از تجارت جهانی (با توجه به این امر که ارزش جهانی محصولات تولیدی مشابه معادن و فلزات ایران معادل ۱۰ تا ۱۲ درصد کل تجارت جهانی را تشکیل می دهد)؛
- ارتقاء سطح دانش فنی و مهارت به منظور صدور فن آوری و خدمات مهندسی و ساخت کارخانجات؛
- حفظ محیط زیست و ترسیم ضوابط زیست محیطی در بهره برداری و فرآوری مواد؛
- توسعه پژوهشهای مربوط به مخاطرات زمین؛
- ایجاد سهم قابل توجه در تولید ناخالص داخلی کشور در فرایند جایگزینی نفت؛
- توجه ویژه به اقتصادی و قابل رقابت بودن تمامی تولیدات بخش.

الزامات و پیش فرضهای مهم برنامه

پیش فرض اساسی برنامه پیشنهادی این است که راهبرد توسعه اقتصادی کشور، شامل بهره برداری از منابع معدنی، طبیعی، نیروی انسانی و انرژی است. در این صورت، رشد بخش معدن در دراز مدت، جهشی است. برنامه این بخش نه فقط بر اساس رشد ارزش افزوده با فرآوری مراحل مختلف تولید بلکه به

میزان حداکثر امکانات اجرایی بخش تعیین شده و محدودیت بیرونی دیگری از قبیل محدودیتهای سرمایه گذاری، قانونی و اعتباری به آن افزوده نمی شود و کلیه منابع مورد نیاز مالی و امکانات لازم به منظور اکتشاف، تولید، آموزش و تحقیقات در حد توان اجرایی بخش تأمین می شود.

در خصوص بخش فلزات، پیش فرض این است که با توجه به اهمیت بخش و مزایای نسبی موجود و در دست بودن انرژی، معادن غنی، نیروی متخصص و ساختار ایجاد شده در سطح کشور و همچنین جایگاه این بخش در کل تجارت جهانی، از کلیه سرمایه گذاریهای ایجاد شده حداکثر استفاده به عمل آمده طرحهای در دست اجراء و توسعه ای هر چه زودتر به مرحله بهره برداری برسد. در این زمینه، عوامل بیرونی به شرح زیر مورد توجه و اصلاح قرار می گیرد:

- بهبود و تثبیت مقررات صادرات و واردات؛
- اصلاح و تثبیت سیاستهای اعتباری و مالی؛
- تسریع در ایجاد امکانات بیشتر حمل و نقل جاده ای، راه آهن، کشتیرانی، بنادر و تأسیسات زیربنایی؛
- اصلاح قانون معادن؛
- تأمین انرژی با قیمت مناسب با توجه به برتریهای نسبی؛
- حمایت های نظام بانکی در تأمین اعتبارات و مشارکت در تأمین منابع طرحهای توسعه؛
- حمایت از بخش خصوصی برای جلب مشارکت آن در سرمایه گذاریهای طرحها؛
- ایجاد شرایط مساعد برای جلب سرمایه گذاری خارجی.

خلاصه برنامه کمی بخش معادن و فلزات

تا افق ۱۴۰۰

بر اساس مطالعات طرحهای جامع، توسعه بخش معادن و فلزات یکی از پایه های اساسی خودکفایی و استقلال صنعتی کشور است و افزایش میزان بهره برداری و بهره وری در صنایع و معادن موجود و ایجاد و توسعه اقتصادی واحدهای صنعتی و معدنی از جمله اهداف کمی این بخش است که به شرح موارد

زیر ذکر می‌شود:

□ توسعه صنعت فولاد کشور برای ۲۵ میلیون تن در سال (۲ میلیون تن فولاد آلیاژی به اضافه ۸ میلیون تن فولاد مرغوب به اضافه ۱۵ میلیون تن فولاد ساختمانی)؛

□ توسعه معادن وابسته به فولاد کشور (سنگ آهن به اضافه زغال) و افزایش تولید کنسانتره سنگ آهن تا ۲۶/۵ میلیون تن در سال؛

□ توسعه صنعت مس کشور تا ظرفیت ۱ میلیون تن با تأکید بر آلیاژهای پیشرفته؛

□ توسعه معادن وابسته به مس برای تأمین ظرفیت ۱ میلیون تن تولید فلز در سال (تجهیز معادن و کنسانتره)؛

□ توسعه صنعت آلومینیوم تا ظرفیت ۱ میلیون تن تولید در سال با تأکید بر آلیاژهای پیشرفته؛

□ توسعه معادن تولید آلومینا برای تأمین ظرفیت ۱ میلیون تن تولید فلز در سال؛

□ توسعه صنعت سرب کشور تا ظرفیت ۱۵۰ هزار تن در سال؛

□ توسعه صنعت روی کشور تا ظرفیت ۴۰۰ هزار تن در سال؛

□ توسعه معادن سرب و روی کشور برای تأمین ظرفیتهای تولید یاد شده؛

□ توسعه ظرفیت طلا در کشور به ظرفیت ۳۰ تن در سال (از معدن)؛

□ تولید فروآلیاژها تا ظرفیت ۵۰۰ هزار تن در سال؛

□ تولید الکتروود گرافیتی تا ۲۰۰ هزار تن در سال؛

□ تولید خمیر الکتروود تا ۵۰۰ هزار تن در سال؛

□ توسعه نسوز تا ظرفیت ۵۰۰ هزار تن در سال؛

□ فرآوری سنگ تا ظرفیت ۴۰ میلیون متر مربع در سال؛

□ تجهیز معادن سنگ برای ۴۰ میلیون متر مربع فرآوری سنگ در سال؛

□ فرآوری مواد معدنی غیر فلزی تا ۱۵ میلیون تن در سال؛

□ توسعه معادن غیر فلزی تا ۲۰۰ میلیون تن در سال؛

□ تجهیز معادن و احداث فرآوری اکسید تیتانیوم به ظرفیت حداقل ۴۰ هزار تن در سال؛

□ تولید منیزیت آب در یا به ظرفیت ۲۵۰ هزار تن در سال.

با توجه به اهداف تعیین شده، سرمایه مورد نیاز این طرحها طی دوره ۲۵ ساله حدود ۱۵ میلیارد دلار و ۶۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود که با نرخ تسعیر ۳۰۰۰ ریال، در مجموع برابر ۳۵ میلیارد دلار است.

ارزش تولیدات این بخش در افق ۱۴۰۰ حداقل ۴۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. با منظور نمودن حداقل ۳۰ درصد تولید برای صادرات، صادرات این بخش در افق ۱۴۰۰ به رقمی معادل ۱۳ میلیارد دلار بالغ می‌شود. به این ترتیب، بخش معادن و فلزات می‌تواند جایگزین مناسبی برای اقتصادنا وابسته به نفت در افق ۱۴۰۰ باشد.

در ارقام مذکور، مواردی نظیر فلزات گرانبها، خاکهای کمیاب و نادر و صنایع وابسته به آنها که از جمله برنامه‌های بخش می‌باشد، منظور نشده است.

برای رسیدن به این اهداف با توجه به اهمیت ویژه سطح فن‌آوری و دانش فنی، لازم است نیروی انسانی بخش در سطح ستاد به میزان ۹۰ درصد و در سطح کل بخش به میزان ۷۰ درصد تحصیلات عالیه داشته باشند و در این خصوص آموزش، تحقیقات، طراحی و مهندسی و پایگاه اطلاعات و شبکه‌ای کردن آن در بخش، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

***ایمن‌گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ از سوی وزارت معادن و فلزات در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.**

برنامه‌های وزارت اقتصاد و دارایی برای ایران ۱۴۰۰



مقدمه

از آنجایی که در برنامه ایران ۱۴۰۰ تأکید اصلی روی برخورداری از اقتصاد بدون اتکاء به درآمدهای نفتی است، در این خصوص وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان متولی سیاستگذاری اقتصادی و امور دخل و خرج کشور، جایگاه ویژه‌ای را در برنامه‌ها و اهداف آنها دارد. وابستگی شدید اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، چه از بُعد وابستگی عمیق بودجه دولت به درآمدهای نفتی و چه از جهت اتکای بالای رشد اقتصادی کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، لزوم یک دیدگاه منسجم در خصوص اهداف و ابزارهای دستیابی به برنامه ایران ۱۴۰۰ را فراهم می‌آورد. موضوعهای اصلی مد توجه وزارت اقتصاد و دارایی در چهارچوب اهداف و برنامه‌های مربوط به برنامه ایران ۱۴۰۰ در قالب موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- نظام بودجه‌ریزی؛

۲- نظام مالیاتی؛

۳- بازار مالی و سیاستهای اعتباری؛

۴- تجارت خارجی.

هر یک از این محورها از دو جنبه وضعیت موجود و مشکلات مربوط (مبانی لزوم توجه به هر محور) و نیز اهداف و برنامه‌های مدنظر این وزارت برای دسترسی به این اهداف، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- نظام بودجه‌ریزی

نظام بودجه‌ریزی در کشور ما از سالها قبل مبتنی بر یک نظام بودجه‌ای افزایشی بوده است. به این معنی که بودجه‌های سالیانه معمولاً بدون

توجه به نیازهای واقعی دستگاهها و بخشهای اقتصادی و صرفاً با یک دیدگاه افزایشی تهیه و به تصویب رسیده است. دلیل اصلی این امر بر خورداری از درآمدهای قابل توجه ارزی حاصل از صادرات نفت و نبود نگرانی در زمینه تأمین درآمد بوده است. تداوم این امر که معمولاً با افزایشهای مداوم درآمدهای نفتی نیز همراه بوده است، موجب شده که حتی در سالهایی که درآمد نفت برای تأمین هزینه‌ها کافی نبوده امکان کنترل هزینه‌ها در حد مطلوب وجود نداشته باشد و همین امر کسریهای قابل توجهی را در بودجه‌های سالیانه به دنبال آورده است. این کسریها نیز عموماً از طریق نظام بانکی تأمین شده موجبات افزایش نقدینگی، تقاضا و در نتیجه، تورم را فراهم آورده است. در این خصوص، یکی از اهداف این وزارت پیشنهاد ایجاد یک نظام بودجه‌ای به منظور تعیین بودجه واقعی دستگاهها و بخشهای مختلف اقتصادی است.

برنامه‌های زیر در نظام بودجه‌ریزی کشور مورد توجه است:

- ۱- تهیه ملاکها و معیارهای جدید برای تعیین بودجه دستگاهها و بخشها؛
- ۲- استفاده از نظام «بودجه‌ریزی بر مبنای صفر»؛
- ۳- فراهم آوردن زمینه‌های انعطاف‌پذیری کامل در تعیین بودجه سالیانه دستگاهها و بخشها براساس تغییرات در نیازها و اوضاع و احوال اقتصادی.

۲- نظام مالیاتی

در هر نظام مالیاتی و نیز قانونگذاری مالیاتی مربوط به آن، دو معیار اساسی (عدالت و کارایی) باید مدنظر قرار گیرند. رعایت عدالت عمودی و افقی از جمله ضروریات هر نظام مالیاتی است. هر چند که در برخی موارد ممکن است رعایت حداکثر عدالت مالیاتی و حصول به حداکثر کارایی به طور همزمان چندان سهل الوصول نباشد، اما با توجه به وجود این دیدگاه که این دو معیار در بلندمدت تباینی با هم ندارند، نظام مالیاتی بایستی حتی‌الامکان در این جهت گام بردارد، بویژه اینکه در بسیاری مواقع رعایت عدالت مالیاتی از جهت کاهش تبعیض‌ها، به نوبه خود انگیزه همکاری مؤدیان

مالیاتی را افزایش می‌دهد که این امر کمی است در جهت افزایش کارایی نظام مالیاتی. در همین خصوص، کاهش تبعیضها و رفع ناهماهنگیهای موجود در زمینه مالیات بخش‌های مختلف، موضوعی اساسی در نظام مالیاتی است. در خصوص کارایی نظام مالیاتی، بررسیها نشان می‌دهد که شاخص کوشش مالیاتی (نسبت مالیاتهای جمع‌آوری شده به ظرفیت مالیاتی) در کشور ما در مقایسه با سایر کشورها در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد و از این رو، لازم است تمهیداتی در جهت افزایش این شاخص صورت پذیرد. افزون بر آن، پوشش دادن کل هزینه‌های جاری از طریق درآمدهای مالیاتی، از دیگر اهداف مورد نظر این وزارت در راستای برنامه ایران ۱۴۰۰ است.

با هدف کاهش اتکاء به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، درآمدهای مالیاتی نیز بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که تحت تأثیر کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت قرار نگیرند.

در این خصوص، وزارت امور اقتصادی و دارایی برنامه‌های زیر را در برنامه‌ریزی ایران ۱۴۰۰ در دستور کار دارد:

- ۱- افزایش کیفی و کمی کادر سازمان مالیاتی تاحد مطلوب؛
- ۲- حذف معافیت‌های مالیاتی زائد؛
- ۳- ساده‌سازی قوانین مالیاتی؛
- ۴- ایجاد یک نظام اطلاعاتی کامل و منسجم؛

۵- ایجاد انسجام و هماهنگی در قوانین مالیاتی؛

۶- اصلاح قوانین مالیاتی؛

۷- جلب مساعدت سایر دستگاههای دولتی در امر تشخیص و وصول مالیات؛

۸- ایجاد شیوه‌های جدید اخذ مالیات همچون مالیات بر ارزش افزوده و اجرای مالیات بر جمع درآمد.

ساختار بازار مالی و سیاستهای پولی

بازار مالی در کشور ما یک بازار کاملاً دولتی است و سهم عمده نیازهای مالی افراد و سرمایه‌گذاران از طریق شبکه بانکی کشور که کاملاً در اختیار دولت است، تأمین می‌شود. با وجود نفوذهای اداری و نگرشهای بخشی،

تصویب قوانین و مقررات نیز نتوانسته است سامان لازم را به بخشهای مالی و اعتباری بدهد. سهم بخش دولتی از اعتبارات اعطایی شبکه بانکی هنوز بیش از سهم بخش خصوصی است و رشد حجم نقدینگی همواره بیش از حد ضروری است. اعتبارات تکلیفی، اختیارات بانکهای تجاری را به منظور شرکت در طرحهای سرمایه‌گذاری مطلوب و دارای بازدهی بالا سلب و یا محدود می‌سازد. همچنین، تا به امروز هیچ‌گونه اقدام مؤثری برای مشارکت بخش خصوصی در بازار مالی سازمان یافته صورت نگرفته است.

در این خصوص، وزارت امور اقتصادی و دارایی در نظر دارد با تهیه طرحهایی در چهارچوب برنامه ایران ۱۴۰۰ در جهت رفع مشکلات یادشده اقدام نماید. اهم این برنامه‌ها عبارتند از:

- ۱- حذف مقررات دست‌وپاگیر در جریان دریافت اعتبارات از سوی بخش خصوصی؛
- ۲- اعطای آزادی عمل بیشتر به شبکه بانکی در انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری؛
- ۳- کاهش تدریجی اعتبارات تکلیفی؛
- ۴- کاهش سهم اعتبارات بخش دولتی؛
- ۵- تثبیت نرخ ارز از طریق سیاستهای پولی مناسب؛

۶- کاهش تورم با کنترل و ایجاد حد رشد مناسب در حجم پول.

تجارت خارجی

با توجه به عمده‌ترین هدف برنامه ایران ۱۴۰۰ یعنی کاهش تدریجی اتکاء و نهایتاً قطع کامل وابستگی به صادرات نفت و ارز حاصل از صادرات آن و با عنایت به اینکه به هر حال نیازهای ارزی کشور بایستی به طریقی غیر از فروش ذخایر نفتی تأمین شود، لزوم توجه به صادرات غیر نفتی و توسعه آن از موضوعهای مهم مورد توجه وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص برنامه مذکور است. همچنین، به منظور اجتناب از واردات بی‌رویه و مازاد بر نیاز کالاها که به نوبه خودگامی در جهت کاهش اتکاء به منابع ارزی است، این وزارت برنامه‌هایی را در دست طرح و تهیه دارد.

برخی از برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی در جهت اهداف بخش تجارت

خارجی در قالب برنامه ایران ۱۴۰۰ به شرح موارد زیر است:

- ۱- ایجاد زمینه برای افزایش صادرات غیرنفتی از طریق حذف مقررات دست و پاگیر؛
- ۲- ایجاد ثبات در سیاستهای ارزی به منظور افزایش انگیزه برای صادرکنندگان؛
- ۳- تعیین سقف مناسب پیمانهای ارزی براساس گروههای مختلف کالا؛
- ۴- ایجاد سازمان متمرکز و فعال و جامع‌نگر در خصوص اجرای برنامه‌های صادراتی؛

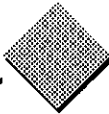
۵- ایجاد سازمان تعیین نرخهای بهینه و مناسب عوارض واردات؛

۶- گسترش همکاریهای تجاری منطقه‌ای

بویژه با کشورهای همسایه و کشورهای در حال توسعه.

* این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۵ از سوی وزارت اقتصاد و دارایی در اختیار دفتر فصلنامه‌ریافت قرار داده شده است.

آرمانها و اهداف تحقیقات کشاورزی در سال ۱۴۰۰



- ۱- بهبود بهره‌وری از کلیه نهاده‌های تولید، با حفظ و پایداری بخش کشاورزی؛
- ۲- مشارکت دولت و بخش خصوصی در تحقیقات کشاورزی؛
- ۳- نظام اقتصادی مناسب در فعالیتهای پژوهشی و حداقل تأمین منابع تا ۳۰ درصد هزینه‌ها به عنوان سهم تحقیقات؛
- ۴- افزایش سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی حداقل به ۴ درصد؛
- ۵- تأمین نیازهای سرانه تحقیقاتی به ازاء جمعیت یا نهادهای تولید؛
- ۶- توزیع مناسب تعداد محققان بین بخشهای خصوصی و دولتی؛
- ۷- وجود نظام اطلاعاتی کارآمد و جامع برای محقق؛
- ۸- ارتقاء سطح زندگی محققان در سطح مطلوب به گونه‌ای که هزینه‌های خوراک آنان حداکثر بیشتر از ۱۴ درصد درآمد نباشد؛
- ۹- انتقال یافته‌های تحقیقاتی در کوتاهترین مدت به زارعان؛

- ۱۰- افزایش درصد نتایج تحقیقات به مصرف‌کننده (نتایج قابل انتقال)؛
- ۱۱- انجام دادن کلیه عملیات زراعی و تولیدات کشاورزی بر مبنای توصیه‌ها و دستاوردهای تحقیقاتی؛
- ۱۲- ارتباط تنگاتنگ بین واحدهای اجرایی و تحقیقاتی؛
- ۱۳- شناسایی اقلیم و تعیین توانمندیهای آنها؛
- ۱۴- شناسایی منابع انرژی غیرفسیلی و بهره‌برداری از آنها؛

۱۵- دستیابی به فن‌آوریهای نوین در زمینه اصلاح نباتات، کنترل آفات و بیماریها، تغذیه گیاهان، روشهای آبیاری...

- ۱۶- پرورش روح تحقیق در سطوح مختلف آموزشی (از ابتدایی تا سطوح عالی)؛
- ۱۷- افزایش توان تحقیقاتی به منظور تعیین و معرفی گونه‌های مناسب برای توسعه پوشش گیاهی کشور تا سطح پوشش کویرها؛
- ۱۸- کاهش مصرف مواد شیمیایی در بخش کشاورزی؛

۱۹- استفاده از کلیه منابع زیستی و ژنتیک در جهت کنترل آفات و بیماریها و بهبود وضعیت تولید؛

- ۲۰- ایجاد امکان اشتغال کامل و بالقوه محقق در بخش تحقیقات؛
- ۲۱- استمرار و ثبات سیاستهای تحقیقاتی؛
- ۲۲- نهادینه شدن تحقیقات در کشور؛
- ۲۳- ایجاد تسهیلات لازم برای محققان برای ارتباطات علمی با مراکز علمی و تحقیقاتی سایر کشورها؛
- ۲۴- تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به سازمانهای تحقیقاتی؛

۲۵- شناسایی گونه‌های بومی موجود در کشور برای استفاده در منابع ژنتیک در جهت بهبود تولید؛

۲۶- تعیین نوع ارتباط بخش کشاورزی با تولید ناخالص ملی و افزایش بهره‌وری از آب از طریق مقایسه با کشورهای پیشرفته؛

- ۲۷- به حداقل رساندن صدمات زیست‌محیطی؛
- ۲۸- تعیین سهم اعتبارات تحقیقات در بخش متناسب با جایگاه بخش در برنامه توسعه و به نسبت جایگاه اقتصادی بخش در درآمد ناخالص ملی.

سیاستهای ۱۴۰۰ تحقیقات کشاورزی

- ۱- توسعه، تجهیز و تقویت مؤسسات تحقیقاتی تک محصولی مربوط به یک محصول خاص (به خصوص محصولاتی که جنبه صادراتی دارند) به منظور انجام دادن تحقیقات جامع بر روی یک محصول خاص با حضور تمامی تخصصهای لازم نظیر: به نژاد، به زراعی، گیاهپزشکی (آفات، بیماری و علفهای هرز)، آبیاری و تغذیه؛

۲- توسعه تحقیقات کشاورزی پایدار (Sustainall Agriculture) به منظور حفاظت منابع تولید و اکوسیستم و جلوگیری از بروز یا تشدید مسائل زیست محیطی از طریق انجام دادن تحقیقات در زمینه کنترل فرسایش خاک،

جلوگیری از اتلاف آب آبیاری و مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی (بویژه کودهای ازته)، مبارزه بیولوژیک و کاهش مصرف سموم کشاورزی؛

۳- افزایش بهره‌وری و بهبود کارایی استفاده از آب و اصلاح ارقام از محصولات کشاورزی که از نظر ژنتیک می‌توانند با حداقل مصرف آب تولید بالایی داشته باشند (تولید بیشتر به ازاء هر واحد حجم آب مصرفی)؛

۴- واگذاری برخی از فعالیتهای تحقیقاتی مانند مطالعات خاک شناسی، تجزیه نمونه‌های خاک و آب، شناسایی آفات و بیماریهای گیاهی و تعیین روشهای کنترل آنها به بخش خصوصی؛

۵- تأمین بذر و نهال اصلاح شده برای کلیه محصولات مهم مناسب برای اقلیمهای مختلف کشور و واگذاری تولید بذرهای مادر و هیبریدها و نهالهای اصلاح به بخش خصوصی؛

عربه‌کارگیری روشهای نوین به منظور انتقال یافته‌های تحقیقاتی در کوتاهترین مدت به زارعان؛

۷- افزایش تعداد اعضای هیأت علمی با درجات علمی مختلف و ایجاد امکانات مالی و رفاهی و امنیت شغلی برای تداوم اشتغال کامل آنها در بخش تحقیقات؛

۸- توسعه تحقیقات به منظور افزایش تولید محصولات راهبردی کشاورزی که در حال حاضر کسری آنها برای تأمین غذا از خارج وارد می‌شود؛

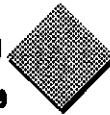
۹- توسعه تحقیقات در زمینه محصولات صادراتی کشاورزی و نیز محصولاتی که از نظر مزیت نسبی کشور ایران دارای موقعیت مناسبی هستند؛

۱۰- استفاده از روشهای جدید بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک به منظور کوتاه کردن دوره‌های نسبتاً طولانی اصلاح نباتات؛

۱۱- رعایت حقوق دولت و افراد در زمینه دستاوردهای تحقیقاتی از قبیل ارزش علمی و ریالی ارقام جدید و اصلاح شده محصولات، ساخت ماشینها یا دستگاههای آزمایشگاهی و غیره؛

۱۲- پروژه‌ای شدن تحقیقات به نحوی که مشکلات و معضلات بخش کشاورزی در قالب طرحهای تحقیقاتی جامع و همه سونگر تدوین و پس از تصویب به مرحله اجرا در آید؛

۱۳- افزایش بهره‌وری از نزولات آسمانی در دیمزارها و تأکید بر توسعه تحقیقات در زمینه گیاهانی که می‌توان در وضعیت دیم آنها را تولید کرد؛



اهداف کیفی برنامه ۲۵ ساله وزارت جهادسازندگی

- ۱- افزایش بهره‌وری در منابع طبیعی و امور دام؛
- ۲- توسعه پایدار و بهره‌برداری اقتصادی از منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک و افزایش سهم آنها در تولید، اشتغال، درآمد ملی و امنیت غذایی؛
- ۳- ارائه راه‌حلهای اساسی برای از بین بردن نابرابریهای اجتماعی بخصوص فقر و محرومیت در مناطق روستایی و عشایری؛
- ۴- افزایش تولیدات بویژه محصولات و مصنوعات صادراتی به منظور دستیابی به سهم مناسبی از بازار جهانی در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی؛
- ۵- ارائه و ترویج الگوی مناسب مصرف با تأکید بر تنوع تولید، بهداشت و سلامت عمومی، پرهیز از اسراف و تبذیر به منظور دستیابی به خودکفایی؛
- ۶- ابتکار و نوآوری در ایجاد فرصتهای جدید شغلی در حوزه فعالیتهای جهادسازندگی؛
- ۷- توسعه و ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در امر آموزش و تحقیقات؛
- ۸- جامع‌نگری و ایجاد نگرش «نظام‌مند» در تحقیقات و بسط فرهنگ کارگروهي؛
- ۹- استقرار نظام جامع و توسعه یافته اطلاع‌رسانی و خدمات علمی؛
- ۱۰- توسعه و تقویت ارتباطات علمی با سایر کشورها و مجامع بین‌المللی بخصوص کشورهای اسلامی؛
- ۱۱- ارتقاء مستمر سطح فن‌آوری و به کارگیری گسترده بیوتکنولوژی در توسعه کمی و کیفی محصولات دامی و منابع طبیعی و فراورده‌های زیستی؛
- ۱۲- دستیابی مراکز و مؤسسات تحقیقاتی

- و آموزشی به سطح دانش‌روز و سطوح قابل‌پذیرش بین‌المللی؛
- ۱۳- آموزش و تجهیز در جهت بهبود هرم نیروی انسانی؛
- ۱۴- افزایش دانش فنی و مهارت بهره‌برداران، کارکنان وزارت جهادسازندگی و شاغلان زیر بخشهای تولیدی و خدماتی با تأکید بر آموزشهای علمی-کاربردی؛
- ۱۵- بیابان‌زدایی و توسعه پوشش گیاهی و جنگلهای دست‌کاشت؛
- ۱۶- حفاظت و توسعه ذخایر آبزیان و بهبود روشهای صید و صیادی و تکثیر و پرورش آبزیان؛
- ۱۷- افزایش تولید نهاده‌های دامی و منابع طبیعی با تأکید بر استفاده از عوامل زیستی؛
- ۱۸- حفاظت و حمایت از منابع طبیعی تجدید شونده و کاهش آلاینده‌های زیست محیطی در جهت حفظ تعادل محیطی.
- راهبردی پیشنهادی برای اهداف کیفی برنامه ایران ۱۴۰۰ (معاونت آموزش و تحقیقات)**
- ۱- افزایش بهره‌وری در منابع طبیعی و امور دام از طریق:
- الف) بهبود فن‌آوری؛
- ب) بهبود ساختار؛
- ج) بهبود نیروی انسانی؛
- د) بهبود نظام اطلاع‌رسانی.
- ۲- افزایش تولیدات بویژه محصولات و مصنوعات صادراتی به منظور دستیابی به سهم مناسبی از بازار جهانی در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی از طریق:
- الف) تحقیقات در زمینه قابل‌پذیرش کردن محصولات با توجه به مزیت نسبی آنها؛
- ب) ارتقاء کیفی مؤسسات و مراکز آموزشی و تحقیقاتی در جهت ارائه خدمات علمی و آموزشی به مؤسسات و دانشجویان سایر کشورها؛
- ج) گسترش تحقیقات در زمینه افزایش کمی و کیفی محصولات و مصنوعات صادراتی و کاهش هزینه‌های تولید.
- ۳- استقرار نظام جامع و توسعه یافته اطلاع‌رسانی و خدمات علمی از طریق:
- الف) غنی‌سازی مستمر منابع و مدارک علمی مورد نیاز؛

ب) جمع‌آوری، سندسازی و اشاعه دستاوردهای مطالعاتی و تحقیقاتی؛

ج) ایجاد و توسعه کمی و کیفی پایگاههای اطلاعاتی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

د) ابداع و پیروی از آخرین فن‌آوری مبادله اطلاعات و تجهیز امکانات لازم در این جهت؛

ه) ایجاد پژوهشکده اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.

۴- جامع‌نگری و ایجاد نگرش «نظام‌مند» در تحقیقات و بسط فرهنگی کارگروهی از طریق:

الف) آموزش و فراگیری فرهنگ کارگروهی؛

ب) ایجاد قانونمندیهای لازم و نظامهای پشتیبانی‌کننده؛

ج) ایجاد انسجام لازم به منظور هماهنگی بخشهای تحقیقاتی، اجرا و ترویج؛

د) ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقیقات کاربردی و جامع از طریق تأسیس و تقویت بخش تحقیق و توسعه (R&D)؛

ه) ایجاد فرهنگ رقابت برای مشارکت بیشتر؛

و) ایجاد فرهنگ وقف و ارزشی کردن وقف برای توسعه تحقیقات.

۵- توسعه پایدار و بهره‌برداری اقتصادی از منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک و افزایش سهم آنها در تولید، اشتغال، درآمد ملی و امنیت غذایی از طریق:

الف) شناسایی منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک به منظور حفظ و بهره‌برداری مناسب؛

ب) شناسایی و افزایش تولیدات نهاده‌های جدید دامی و منابع طبیعی با حداقل عوارض جانبی؛

ج) شناسایی منابع آلاینده زیست محیطی و تلاش در جهت تقلیل و کنترل آنها؛

د) تأکید بر استفاده از قابلیت‌های ذخایر بومی؛

ه) بهبود مدیریت منابع زیست محیطی؛

و) تلاش در جهت حفظ و توسعه تعادل منابع زیست محیطی؛

ز) غنی‌سازی مستمر منابع زیست محیطی.

ع- ارائه راه‌حلهای اساسی برای از بین بردن نابرابریهای اجتماعی بویژه فقر و محرومیت

در مناطق روستایی و عشایری از طریق:

الف) شناسایی عوامل مؤثر در فقر و محرومیت روستاییان و عشایر؛

ب) نگرش ویژه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در امور آموزشی و تحقیقاتی؛

ج) اولویت‌گزینی تحقیقات و آموزش در جهت رفع محرومیت و مشکلات اقشار کم درآمد جامعه.

۷- ارائه و ترویج الگوی مناسب مصرف با تأکید بر تنوع تولید، بهداشت و سلامت عمومی، پرهیز از اسراف و تبذیر به منظور دستیابی به خودکفایی از طریق:

الف) شناسایی الگوهای مصرف و گزینش الگوی مناسب با توجه به منابع ملی و فرهنگ عمومی؛

ب) گسترش آگاهیهای عمومی نسبت به الگوی مناسب مصرف؛

ج) بهبود مستمر نظامهای عمل‌آوری.

۸- ابتکار و نوآوری در ایجاد فرصتهای جدید شغلی در حوزه فعالیتهای جهادسازندگی از طریق:

الف) شناخت زمینه‌های جدید تولید و اشتغال؛

ب) سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید با تأکید بر سرمایه‌گذاریهای کاربری؛

ج) حمایت از مبتکران و نوآوران؛

د) گسترش آموزشهای فنی-کاربردی؛

ه) بازاریابی برای محصولات و مصنوعات داخلی که دارای مزیت نسبی هستند.

۹- توسعه و ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در امر آموزش و تحقیقات از طریق:

الف) معرفی و تبیین آثار عملی آموزش و تحقیقات در افزایش کمی و کیفی تولیدات؛

ب) ایجاد سازوکاری برای جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای تحقیقات و آموزشهای علمی-کاربردی؛

ج) ایجاد دانشگاهها، دانشکده‌ها و مدارس فنی-حرفه‌ای با مشارکت مردم بویژه شاغلان؛

د) ایجاد فرصتهای تحقیقات کاربردی در مراکز بخش خصوصی؛

ه) گسترش بخشهای تحقیق و توسعه در مراکز تولیدی و صنعتی خصوصی؛

و) ایجاد قانونمندیهای لازم برای حمایت

همه جانبه مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری آنها.

۱۰- ارتقای مستمر سطح فن‌آوری و به کارگیری گسترده بیوتکنولوژی در توسعه کمی و کیفی محصولات دامی و منابع طبیعی و فراورده‌های زیستی از طریق:

الف) بازننگری مداوم و انتخاب فن‌آوری مناسب با توجه به نیازهای جامعه و توسعه کمی و کیفی آن؛

ب) توسعه و تقویت ارتباطات علمی و فنی با سایر کشورها و مجامع بین‌المللی بخصوص کشورهای اسلامی.

۱۱- دستیابی مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی به سطح دانش روز و سطوح قابل پذیرش بین‌المللی از طریق:

الف) بررسی و مطالعه در خصوص نظامها و روشهای نوین آموزشی و تحقیقاتی در سطح جهان؛

ب) فراهم کردن زمینه تحقیقات منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای دوره‌های آموزشی مشترک؛

ج) ایجاد فرصتهای مطالعاتی برای استادان و محققان در جهت نیازهای جامع آموزشی و تحقیقاتی کشور؛

د) فراهم نمودن زمینه تبادل محقق، استاد و دانشجویان با مجامع و محافل علمی-بین‌المللی؛

ه) فراهم آوردن زمینه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارهای علمی ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و اعزام متخصصان دارای مقاله به سمینارها و محافل معتبر بین‌المللی؛

و) فراهم نمودن تسهیلات لازم برای تجهیز مراکز آموزشی و مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و انتقال فن‌آوری مناسب.

۱۲- آموزش و تجهیز در جهت بهبود هرم نیروی انسانی از طریق:

الف) نیازسنجی آموزشی براساس وضع مطلوب؛

ب) گسترش دوره‌های کاردانی علمی-کاربردی و تحصیلات تکمیلی با توجه به وضع مطلوب؛

ج) ایجاد کارگاههای آموزشی برای تربیت نیروهای کارآمد؛

د) برنامه‌ریزی برای دوره‌های آموزشی برای ارتقاء دانش فنی نیروی انسانی و تعدیل

نیروی پشتیبانی به نیروی تخصصی؛

ه) ایجاد تشکیلات مناسب رفاهی و آموزشی.

۱۳- افزایش دانش فنی و مهارت بهره‌برداران، کارکنان وزارت جهادسازندگی و شاغلان زیر بخشهای تولیدی با تأکید بر آموزشهای علمی - کاربردی از طریق:

الف) ایجاد ساختار مناسب برای آموزشهای علمی - کاربردی به منظور تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز برنامه‌های توسعه؛

ب) شناسایی و تدوین حرفه‌ها و مشاغل موجود کشور در امور مربوط به فعالیتهای بخش کشاورزی در حیطه وظایف جهاد؛

ج) سیاستگذاری برای تدوین برنامه‌های آموزشی براساس حرفه‌ها و مشاغل موجود در بخش کشاورزی؛

د) برنامه‌ریزی تأمین و تربیت مربی و مدرس مورد نیاز آموزشهای علمی - کاربردی؛

ه) بررسی و مطالعه در خصوص روشهای نوین آموزشهای علمی - کاربردی در بخش به منظور ارتقاء کیفی آموزشها؛

و) برنامه‌ریزی برای اجرای دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت شاغلان با استفاده از آخرین فن‌آوریهای آموزشی؛

ز) برنامه‌ریزی برای اجرای آموزشهای از راه دور با استفاده از راههای مختلف.

میزان صادرات فرش ایران در سال ۱۴۰۰ معادل ۵/۲۵ میلیارد دلار خواهد بود.

با فرض ۴۰ درصد رشد در قیمت هر مترمربع فرش و ۴۰ درصد افزایش تولید سالیانه هر قالیباف، تعداد قالیبافان کشور در سال ۱۴۰۰ معادل ۴ میلیون نفر خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود که از این تعداد ۲/۵ میلیون نفر در روستاها و ۱/۵ میلیون نفر در شهرها مشغول به کار قالیبافی باشند. در این صورت، ارزش تولیدات قالیبافان روستایی برابر ۱۰/۳۹۵ میلیارد ریال و ارزش تولیدات قالیبافان شهری برابر ۶۳۰۰ میلیارد ریال خواهد بود. لازم به توضیح است که در محاسبه ارزش تولیدات، ۱۰ درصد به عنوان ارزش مصارف داخلی فرش در نظر گرفته شده و به ارزش فرشهای صادراتی افزوده شده است.

نتایج حاصل از این برآورد، میزان رشد سالیانه صادرات فرش دستباف کشور را ۷ درصد نشان می‌دهد.

اهداف کمی بلندمدت در صنایع دستی روستایی

از میزان تولید و صادرات دستی غیرفرش آمار دقیقی در دسترس نیست. اما با در نظر گرفتن میزان صادرات رسمی صنایع دستی در سال ۱۳۷۳ و با فرض اینکه معادل همین رقم نیز فروش داخلی و سوغات خارج از کشور «که همراه مسافر برده می‌شود» بوده باشد، حجم کل تولیدات گلیم و جاجیم فعلی کشور برابر ۲۳۰۰ تن و سایر صنایع دستی برابر ۲۹۰۰ تن است. ارزش صادراتی این تولیدات حدود ۳۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

با احتساب ۱۰ درصد رشد سالیانه برای تولید و صادرات صنایع دستی، در سال ۱۴۰۰ ارزش صادراتی تولیدات صنایع دستی به رقم ۳۲۴ میلیون دلار خواهد رسید.

در صورتی که رشد ارزش تولید سرانه هر کارگاه صنایع دستی را به لحاظ ارتقاء کیفیت و اصلاح ابزارهای تولید و فن‌آوری به حدود ۵۰۰ درصد برسانیم، جمعیت شاغل در صنایع دستی کشور در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۵۶ هزار نفر خواهد بود.

اعم اهداف و سیاستهای کمی صنایع دستی

اهداف کمی برنامه بلندمدت (افق ۱۴۰۰) صنایع روستایی

اهداف کمی برنامه بلندمدت فرش و صنایع دستی روستایی

اهداف کمی بلندمدت در صنعت فرش دستباف روستایی

برای برآورد میزان اشتغال، تولید و صادرات فرش دستباف در ۲۵ سال آینده، ضروری است که اول به میزان صادرات و فروش فرش در سال ۱۴۰۰ توجه شود. چراکه، تداوم کار قالیبافی و رونق آن در هر حال منوط به وجود بازار فروش و صادرات آن خواهد بود. بررسی وضعیت فروش فرش در بازارهای جهانی در ۲۰ سال گذشته، بهترین معیار و میزان رشد را برای آینده ترسیم خواهد کرد. در سال ۱۳۵۴ میزان تجارت جهانی فرش برابر ۳۵۰/۲۰۱ میلیون دلار بوده است در حالی که این میزان در سال ۱۳۷۲ به رقم ۲۴۴۴/۰۱۶ میلیون دلار افزایش یافته است. این افزایش رشدی معادل ۷۰۰ درصد را طی ۲۰ سال نشان می‌دهد.

اگر این میزان رشد به عنوان معیار توسعه تجارت جهانی فرش در ۲۵ سال آتی قرارگیرد، پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۰۰ ارزش تجارت جهانی فرش بالغ بر ۱۷/۵ میلیارد دلار گردد.

سهم ایران از تجارت جهانی فرش در ۲۰ سال گذشته به طور متوسط برابر ۳۰ درصد بوده است. اگر این سهم در سالهای آتی نیز همچنان حفظ شود (با توجه به اینکه در سالهای آتی رقبای قدرتمندتری نسبت به گذشته در بازارهای جهانی خواهیم داشت)

پیش‌بینی وضعیت فرش دستباف در افق سال ۱۴۰۰

شرح نوع کارگاه	میزان صادرات (میلیارد دلار)	میزان ارزش تولیدات (میلیارد دلار)	میزان اشتغال (میلیون نفر)	اشتغال جدید (میلیون نفر)
کارگاههای روستایی	۳/۱۵	۱۰۳۹۵	۲/۵	۱
کارگاههای شهری	۲/۱۰	۶۳۰۰	۱/۵	۰/۵
جمع کل	۵/۲۵	۱۶۶۹۵	۴	۱/۵

پیش‌بینی وضعیت صنایع دستی روستایی در

افق سال ۱۴۰۰

میزان صادرات (میلیون دلار)	ارزش تولیدات میلیارد ریال	میزان اشتغال (نفر)	اشتغال جدید (نفر)
۳۲۴	۹۷۲	۳۵۶۰۰۰	۱۹۱۰۰۰

عبارتند از:

- ۱- ارتقاء کیفیت فرش دستباف ایران و افزایش ارزش افزوده آن از طریق:
 - حمایت از عوامل تولید بخصوص بافندگان فرش در زمینه‌های آموزشی، نظارتی و تأمین اعتبارات بانکی؛
 - انجام دادن تحقیقات و مطالعات در همه زمینه‌های صنعت فرش دستباف؛
 - ایجاد نظام اطلاع‌رسانی برای صنعت فرش؛
 - توسعه آموزش عالی در صنعت فرش دستباف.
- ۲- تحول در ساختار و نظام سنتی تولید و تجارت فرش از طریق:
 - سازماندهی تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش؛
 - تشکیل شرکتهای مشاوره‌ای، بازاریابی و تبلیغاتی در زمینه‌های تولید و صادرات فرش.
- ۳- ایجاد اشتغال جدید در تولید فرش و صنایع جنبی آن از طریق:
 - تهیه و تأمین ابزار و مواد اولیه برای تولید فرش و آموزش بافندگان و نظارت بر امر تولید فرش.
- ۴- توسعه صادرات فرش دستباف از طریق:
 - حمایت از صادرکنندگان با تأمین اعتبارات و ضمانتهای بانکی و...؛
 - حمایت از شرکتهای مشاوره‌ای، بازاریابی و تبلیغاتی در زمینه صادرات فرش.

اهداف کیفی و سیاستهای اجرایی

برنامه‌های میان مدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی

۱- ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی و کوچک) از طریق:

الف) صدور مجوزهای صنعتی برای ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی؛

ب) اعطای تسهیلات بانکی؛

ج) اولویت بخشیدن به تکمیل طرحهای نیمه تمام.

۲- حفظ اشتغال موجود و نیز ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی

الف) ارائه خدمات فنی و مهندسی و مشاوره‌ای به طرحهای تولیدی؛

ب) اعطای تسهیلات بانکی.

۳- جذب سرمایه مردمی و استفاده از سایر امکانات از طریق:

الف) تهیه و تدوین طرحها و لوایح و نیز تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات، در ارتباط با ارائه تسهیلات ویژه سرمایه‌گذاری؛

ب) فراهم آوردن امکانات زیربنایی برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی و نیز اعطاء تسهیلات بانکی با کارمزد مناسب؛

ج) ایجاد مراکز اطلاع‌رسانی صنعتی و بازرگانی.

۴- افزایش میزان صادرات تولیدات صنایع روستایی از طریق:

الف) ایجاد سیستم‌های کنترل کیفیت در واحدهای تولیدی؛

ب) کمک به ایجاد و گسترش صندوق توسعه صادرات صنایع روستایی؛

ج) ارتقاء کمی و کیفی بسته‌بندی محصولات تولیدی؛

د) تهیه و تدوین مقررات ویژه برای ایجاد تسهیلات لازم به منظور صادرات محصولات صنایع روستایی؛

ه) شناسایی و تقویت واحدهای صنایع روستایی که دارای مزایای نسبی در صادرات غیر نفتی هستند؛

و) فراهم ساختن زمینه‌های لازم به منظور شرکت واحدهای تولیدی صنایع روستایی در نمایشگاههای داخلی و خارجی.

درباره‌گیری از روشها و فنون (تکنولوژی) مناسب و غیر مخرب محیط‌زیست از طریق:

الف) انجام دادن مطالعات لازم در ارتباط با مکانیابی استقرار واحدهای صنایع روستایی؛

ب) تأکید بر تعبیه سیستم‌های غیر آلاینده و استفاده از مواد، ابزار و تأسیسات کاهنده آلودگیها در طرحهای صنایع روستایی.

عهدایت واحدهای تولیدی برای استقرار در نواحی و مجتمعهای صنعتی از طریق:

الف) ایجاد و گسترش نواحی و مجتمعهای صنعتی در مناطق مستعد روستایی؛

ب) اولویت صدور مجوزهای صنعتی برای واحدهای تولیدی که در نواحی و مجتمعهای صنعتی روستایی استقرار می‌یابند؛

ج) اولویت در ارائه اعتبارات و تسهیلات ویژه به واحدهای تولیدی مستقر در مجتمعها و نواحی صنعتی روستایی.

۷- ارتقاء مهارتها و دانش فنی صنعتگران روستایی از طریق:

الف) برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز شاغلان در واحدهای صنایع روستایی؛

ب) ارائه خدمات فنی و مهندسی و مشاوره‌ای به واحدهای صنایع روستایی؛

اهداف کمی برنامه بلندمدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی

شاخص	واحد	هدف	مبانی
اشتغال	نفر	۸۰۰۰۰	- جمعیت روستایی - اشتغال مورد نیاز روستاییان - سهم بخش صنعت در ایجاد اشتغال - توانمندیهای صنایع روستایی در ایجاد اشتغال
ارزش تولیدات	میلیارد ریال	۲۵۰۰۰	- متوسط ارزش تولیدات هر واحد تولیدی صنایع روستایی (کوچک و تبدیلی) - تعداد واحدهای تولیدی که در آن افق به بهره‌برداری می‌رسد
صادرات	میلیارد دلار	۳	- وضعیت صادرات فعلی - تولیدات ناخالص صنایع روستایی در افق ۱۴۰۰
متوسط رشد سالانه	درصد	۵/۲	- پیش‌بینی ضریب رشد ۱۰ درصد سالانه - آمار و اطلاعات کمیته تولیدات صنعت و معدن مستقر در وزارت صنایع - بهره‌وری نیروی انسانی براساس فرمول نسبت ارزش افزوده به اشتغال محاسبه شده است
بهره‌وری نیروی انسانی			- بهره‌وری نیروی انسانی فعلی - بالارفتن ارزش تولیدات واحدهای صنعتی از طریق رشد کمی و کیفی کارگاههای دارای مجوز و کارت شناسایی

اهداف کمی برنامه‌های میان مدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی

به منظور نیل به اهداف بلندمدت در زمینه صنایع کوچک و تبدیلی روستایی نیز اجرای ۵ برنامه میان مدت ضروری خواهد بود. لازم به ذکر است ضریب رشد ارزش تولیدات این بخش، حدود ۱۲ درصد در نظر گرفته شده است.

مبانی محاسباتی مربوط به برآورد هریک از اهداف کمی به شرح موارد زیر است:

محصولات تولیدی؛
(د) ارائه آموزشهای تخصصی و عمومی برای ایجاد تشکلهای مزبور.

اهداف کمی برنامه‌های میان مدت صنایع روستایی

اهداف کمی برنامه‌های میان مدت صنعت فرش دستباف و صنایع دستی روستایی

اهداف کمی میان مدت صنعت فرش دستباف

به منظور نیل به اهداف بلندمدت، اجرای ۵ برنامه میان مدت ضروری خواهد بود. در این برنامه‌های پنجساله، ضریب رشد ۷ درصد در سال اعمال شده و در نتیجه آهنگ توسعه این صنعت با شتاب یکنواختی همراه خواهد بود.

اهداف کمی میان مدت صنایع دستی روستایی
در خصوص صنایع دستی روستایی غیر فرش، ۵ برنامه میان مدت پنجساله تعریف می‌شود. وضعیت صادرات، ارزش تولیدات و میزان اشتغال در این برنامه‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

(ج) ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در واحدهای صنایع روستایی.
۸- ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی از طریق:

الف) ایجاد سیستم‌های کنترل کیفیت در واحدهای تولیدی صنایع روستایی؛
ب) به‌کارگیری مواد اولیه و بسته‌بندی مناسب در واحدهای تولیدی صنایع روستایی؛

(ج) اتخاذ سیاستهای حمایتی و تشویقی به منظور رعایت سطوح قابل پذیرش لازم.
۹- زنجیره‌ای کردن تولیدات صنایع روستایی از طریق:

الف) شناخت توانمندیها و نیازهای واحدهای صنایع روستایی؛
ب) برقراری ارتباط بین واحدهای مزبور برای تأمین نیازهای این واحدها.
۱۰- سازماندهی تولیدکنندگان از طریق:
الف) تشکیل تشکلهای صنعتی، تولیدی و بازرگانی؛

ب) هدایت واحدهای تولیدی برای افزایش ظرفیت و ارتقاء کیفیت تولید؛
ج) طراحی سیستم متمرکز مناسب برای تهیه و توزیع مواد اولیه، تجهیزات و

- اشتغال
- ۱- تعداد ۳۳ هزار واحد تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری در افق سال ۱۴۰۰؛
 - ۲- تعداد ۵۰ هزار واحد تولیدی دارای مجوز کارت شناسایی در افق سال ۱۴۰۰؛
 - ۳- متوسط نیروی انسانی شاغل در واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری ۲۲ نفر و کارت شناسایی ۴ نفر؛
 - ۴- کل شاغلان در واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری و کارت شناسایی ۹۰۵ هزار نفر است.
- لازم به یادآوری است که ۸۰۰ هزار شغل

اهداف کمی میان مدت صنعت فرش دستباف

سال	انتهای برنامه اول سال ۱۳۸۰			انتهای برنامه دوم سال ۱۳۸۵			انتهای برنامه سوم سال ۱۳۹۰			انتهای برنامه چهارم سال ۱۳۹۵			انتهای برنامه سال ۱۴۰۰		
	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع
میزان صادرات (میلیارد ریال)	۰/۸۴	۰/۵۶	۱/۴	۱/۱۸	۰/۷۸	۱/۹۶	۱/۶۶	۱/۱۰	۲/۷۶	۲/۳۲	۱/۵۵	۳/۸۷	۳/۱۵	۲/۱۰	۵/۲۵
ارزش تولیدات (میلیارد ریال)	۲۵۲۰	۱۸۴۸	۴۳۶۸	۳۸۹۴	۲۵۷۴	۶۴۶۸	۵۴۷۸	۳۶۳۰	۹۱۰۸	۷۶۵۶	۵۱۱۵	۱۲۷۷۱	۱۰۳۹۵	۶۳۰۰	۱۶۶۹۵
اشتغال (میلیون نفر)	۱/۷	۱/۱	۲/۸	۱/۹	۱/۲	۳/۱	۲/۱	۱/۳	۳/۴	۲/۳	۱/۴	۳/۷	۲/۵	۱/۵	۴

اهداف کمی میان مدت صنایع دستی روستایی

سال	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۵	سال ۱۴۰۰
میزان صادرات (میلیون دلار)	۴۸	۷۷/۸	۱۲۵	۲۰۲	۳۲۴
ارزش تولیدات (میلیارد ریال)	۱۴۴	۲۳۳/۴	۳۷۵	۶۰۶	۹۷۲
اشتغال (هزار نفر)	۲۰۳/۲	۲۴۱/۴	۲۷۹/۶	۳۱۷/۸	۳۵۶

اهداف کمی میان مدت صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک)

سال	انتهای برنامه اول سال ۱۳۸۰	انتهای برنامه دوم سال ۱۳۸۵	انتهای برنامه سوم سال ۱۳۹۰	انتهای برنامه چهارم سال ۱۳۹۵	انتهای برنامه پنجم سال ۱۴۰۰
اشتغال (نفر)	۲۶۰۰۰	۴۲۰۰۰	۵۹۰۰۰	۷۷۰۰۰	۹۰۵۰۰۰
ارزش تولیدات (میلیارد ریال)	۳۹۰۰	۷۲۲۰	۱۱۸۳۰	۱۸۰۴۰	۲۵۰۰۰
صادرات (میلیون دلار)	۴۰۰	۷۰۰	۱۲۰۰	۱۹۰۰	۳۰۰۰
رشد بهره‌وری نیروی انسانی	در طول برنامه رشد بهره‌وری نیروی انسانی به طور میانگین ۵/۲ درصد پیش‌بینی می‌شود.				

جدید طی برنامه ۲۵ ساله (افق سال ۱۴۰۰) پنج‌ساله به ترتیب ۹۶۹۰، ۱۵۶۴۰، ۲۲۲۸۰ و ۳۳۳۰۰ واحد است.

۴- تعداد واحدهای تولیدی دارای کارت شناسایی طی برنامه‌های میان مدت پنج‌ساله به ترتیب ۴۱۷۵۰، ۵۰۰۰۰، ۵۰۰۰۰ و ۵۰۰۰۰ واحد است.

۱- ارزش تولیدات هر واحد تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری بر پایه سال ۱۳۷۵ قریب به ۲۶۰ میلیون ریال است.

۲- ارزش تولیدات هر واحد تولیدی دارای کارت شناسایی بر پایه سال ۱۳۷۵ قریب به ۱۸/۲ میلیون ریال است.

۳- تعداد واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری طی برنامه‌های میان مدت

صادراتی در واحدهای تولیدی در برنامه میان مدت اول، میزان رشد صادرات ۴۲ درصد و در برنامه‌های میان مدت بعدی به ترتیب ۱۱، ۱۲ و ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است.

* این گزارش، در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۸ در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.

صادرات
۱- میزان صادرات سال ۱۳۷۵ صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک) مبلغ ۷۰ میلیون دلار بود.
۲- با توجه به توانمندیهای موجود